



مصنوع من قلوبنا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شیوه های دعوت به نماز

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۶	شیوه های دعوت به نماز
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۵	مقدمه
۲۰	فصل اول: اهمیت دعوت به نماز
۳۳	فصل دوم: اصول و قواعد کلی در دعوت به نماز
۶۱	فصل سوم: ویژگی های دعوت کنندگان به نماز
۷۱	فصل چهارم: گام های مهم پیش از دعوت
۸۵	فصل پنجم: شیوه ها و روش های دعوت به نماز
۱۴۸	فصل ششم: وظایف نهادها و مسئولین
۲۱۰	فصل هفتم: آسیب ها و موانع دعوت
۲۱۵	درباره مرکز

سرشناسه: قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور: شیوه های دعوت به نماز/ محسن قرائتی.

مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز □ ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۰۷ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۰ س.م.

شابک: ۶۵۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۹۷۸-۵۳۷۱-۳۹-۳

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان «دعوت به نماز: اصل/ شیوه ها/موانع» توسط مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است.

یادداشت: چاپ بیست و سوم.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: دعوت به نماز: اصل/ شیوه ها/موانع.

موضوع: نماز

موضوع: نماز -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره: BP۱۸۶/۲/ق۷د۴ ۱۳۹۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۵۲۱۱۰

ص: ۱



















بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

گرچه درباره نماز هزاران کتاب نوشته شده، اما درون مایه، شیوه ها، اصول، قلم و بیان ها متفاوت است. این جانب نیز - با اینکه از نماز خود شرمنده هستم - کتاب های زیادی را برای سنین گوناگون نوشته ام؛ کتاب هایی نظیر:

۱. «آشنایی با نماز» برای نوجوانان؛

۲. «راز نماز» برای جوانان؛

۳. «پرتوی از اسرار نماز» برای دانشجویان؛

۴. «تفسیر نماز» برای معلمین و اساتید؛

۵. «۱۱۴ نکته درباره نماز»؛

۶. «پیوندهای نماز».

که از این میان، دو کتاب اخیر به مسائل جنبی نماز می پردازد و برخی از این کتاب ها به زبان های گوناگون ترجمه شده و حتی بعضی به تیراژ میلیونی رسیده است.

همچنین به برکت انقلاب اسلامی و خون شهدا، ستاد اقامه نماز تشکیل شد تا محتوای این نوشته ها به صورت عملی نیز اجرا شوند. اقامه ده ها هزار نماز جماعت در مدارس، بدون اجبار دانش آموزان، توجه به نماز در ایستگاه های قطار، فرودگاه ها، جاده ها و مسجدهای بین راهی؛ اقامه نماز در ظهر تاسوعا و عاشورا؛ راهنمایی هایی در بیش از بیست پیام برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری؛ مصوباتی از هیئت دولت و مجلس؛ عنایاتی از عالمان، شاعران، هنرمندان و تبلیغات بر در و دیوار شهرها؛ اعزام

حدود بیست هزار طلبه به مدارس؛ توجه ویژه به نماز در دانشگاه‌ها، پادگان‌ها و وزارتخانه‌ها؛ و همچنین ساخت هزاران مسجد در شهرها و روستاها، تنها نمونه‌هایی از کارهایی است که در پی کتاب‌ها، ناله‌ها و فریادهای عزیزان دلسوز و خادمان نماز انجام شده است.

علاوه بر اینها بازاریان و اصناف نیز اقداماتی برای ساخت نمازخانه در ورزشگاه‌های مختلف داشته و شهرداری‌ها نیز به ساخت مسجد و نمازخانه در پارک‌ها توجه بیشتری داشته‌اند.

اما واقعیت این است که هیچ انسانی نباید به راه‌های رفته خود نگاه کند تا دچار غرور نشود؛ بلکه باید به راه‌های نرفته نگاه کرد تا احساس مسئولیت بیشتری در انسان پدید بیاید.

نماز مطلوب از نگاه قرآن

نمازی که قرآن از ما می‌خواهد چنین است:

- دائمی باشد: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»؛ (۱)

- نمازی که از آن حفاظت شود: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»؛ (۲)

- نمازی که در آن خشوع باشد: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»؛ (۳)

- نمازی که بازدارنده از فحشا و منکر باشد: «إِنَّ الصَّلَاةَ

ص: ۱۱

---

۱- . معارج: ۲۳.

۲- . معارج: ۳۴.

۳- . مؤمنون: ۲.

تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»؛(۱)

- نمازی که به دلیل ذکرالله بودنش، آرام بخش دل ها باشد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛(۲)

- نمازی که در آن نشاط باشد، نه کسالت: «وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى»؛(۳)

- نمازی که نسبت به آن، فرزندان و خانواده فراموش نشوند: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»؛(۴)

- نمازی که اولویت آن همیشه بر سایر کارهای دیگر رعایت شود؛ حتی در میدان جنگ. (۵)

امام رضا □ و اهمیت نماز

اکنون که این سطرها را می نویسم روز اول ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۳ شمسی است و من در مدرسه علمیه نواب، در چند متری حرم امام رضا □ هستم. دو روایت از اولویت دادن امام رضا □ نسبت به نماز به ذهنم آمد که بیان می کنم:

اول: امام رضا □ مشغول نوشتن بود؛ همین که صدای اذان بلند شد، قلم را به زمین گذاشت و حاضر نشد حتی با نوشتن چند کلمه، نامه را تمام کند!

دوم: امام رضا □ جلسه مهمی با رهبر صابئین داشت. بحث به اینجا رسید که او گفت: «فَقَدْ رَقَّ قَلْبِي»؛ یعنی:

ص: ۱۲

۱- . عنکبوت: ۴۵.

۲- . رعد: ۲۸.

۳- . نساء: ۱۴۲.

۴- . طه: ۱۳۲.

۵- . نساء: ۱۰۲.



الان دل من برای پذیرفتن حرف امام نرم شد. در این هنگام صدای اذان بلند شد. امام فرمود: اول نماز، بعد گفتگو. امام با این حرکت ثابت کرد اهمیت نماز از مهم‌ترین جلسات تاریخی هم بالاتر است و حتی این جلسات هم باید به هنگام نماز تعطیل شود. (۱)

چند خاطره از امام خمینی (ره)

اکنون که سخن به اینجا کشیده شد، خاطراتی را از امام خمینی رضوان الله علیه نقل می‌کنم:

اول: ایشان در ساعت‌های آخر عمر به آقای انصاری که در کنار امام بودند، فرمود: اگر صدای اذان بلند شد و من خواب بودم، مرا بیدار کن. ولی هنگام اذان، آن شخص به دلیل مراعات حال امام، ایشان را بیدار نکرد. پس از چند دقیقه امام چشم باز کرد و پرسید: آیا وقت نماز شده؟ گفتند: بله. فرمود: چرا مرا بیدار نکرده‌اید و چرا چند دقیقه دیر شد!؟

دوم: امام می‌فرماید: در سفر حج کتابی خریدم؛ همین که خواستم پول را به کتاب فروش بدهم صدای اذان بلند شد. او پول را نگرفت و گفت: به احترام نماز اول وقت پول را نمی‌گیرم؛ شما بعداً بیا تسویه حساب کن!

سوم: روزی که شاه فرار کرد، امام در پاریس بودند. جمعیت زیادی از خبرنگاران کشورهای دنیا در محل استقرار امام جمع شدند و سخنان امام به طور مستقیم به دنیا مخابره می‌شد. فرزند امام (مرحوم حاج احمد آقا)

ص: ۱۳

تعریف کرد: امام روی یک کرسی رفتند و چند جمله‌ای درباره برچیده شدن نظام طاغوتی سخنانی فرمودند. آنگاه به من نگاه کرد و فرمود: آیا وقت اذان شده؟ گفتم: بله، الان وقت اذان است. امام یک مرتبه سخن خود را قطع کرد و بدون خداحافظی، از کرسی پایین آمد و به سراغ نماز رفت. همه خبرنگاران تعجب کردند که چه مسأله‌ای وجود دارد که مهم‌تر از مهم‌ترین حادثه قرن (فرار شاه و محو نظام شاهنشاهی) آن هم در گفتگوی مستقیم با تمام رسانه‌های دنیاست؟

آری! این است معنای ایمان به خدا و ایمان به هدف؛ و این است معنای واقعی الله اکبر؛ یعنی خدا بزرگ‌تر از همه چیز است (بزرگ‌تر از دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، نوشتنی‌ها، بزرگ‌تر از فکر و تصور بشر، بزرگ‌تر از حکومت‌ها و مصاحبه‌ها و بزرگ‌تر از رسانه‌ها و سایت‌ها و ماهواره‌ها).

آنچه به خواست خداوند در این کتاب بیان می‌شود عبارت است از: ویژگی‌های دعوت‌کننده به نماز، اصول و مبانی دعوت و شیوه‌های دعوت به نماز.

در این کتاب از خدا می‌خواهیم که فکر و قلم ما را به سویی که رضای خودش است، هدایت فرماید.

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُتَمِّمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي» (۱)

ص: ۱۴

---

۱- ابراهیم: ۴.



پیامبر(ص) فرمود: خداوند جانشینان مرا رحمت کند. سؤال شد آنان کیانند؟! فرمود: کسانی که سنت و راه مرا احیاء کنند و به مردم بیاموزند: «رَحِمَ اللَّهُ خُلَفَائِي فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ قَالَ الَّذِينَ يُحْيُونَ سُنَّتِي وَ يُعَلِّمُونَهَا عِبَادَ اللَّهِ». (۱)

امر به معروف و دعوت به هر کار خیر و از جمله نماز که در مرکز کارهای خیر قرار دارد، نشانه دلسوزی، تعهد، غیرت دینی، خیرخواهی، وجدان بیدار، ایمان به مکتب و مردم و ایمان به هدف و راه می باشد.

ما به سفارش قرآن کریم، مأموریم که خود و خانواده خود را از آتش و قهر خدا حفظ کنیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ (۲) با دعوت به نماز، به این سفارش قرآن کریم عمل کنیم.

در قرآن می خوانیم که پیامبران نگران افکار و عقاید فرزندان خود بودند و از آنان می پرسیدند: «ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي»؛ (۳)

پس از مرگ من چه خواهید پرستید؟ در جای دیگر می خوانیم که حضرت ابراهیم  $\square$  از خدا می خواست که او و ذریه اش را برپا کننده نماز قرار دهد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ». (۴)

او به همین دلیل آنان را در منطقه ای کوهستانی و بی آب و گیاه، در کنار کعبه ساکن کرد و گفت: پروردگارا! من برای اقامه نماز این مکان را برای سکونت فرزندانم انتخاب کردم: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي... لِتُقِيمُوا الصَّلَاةَ». (۵)

ص: ۱۶

---

۱- . بحار الأنوار (چاپ بیروت)، ج ۲، ص ۲۵.

۲- . تحریم: ۶.

۳- . بقره: ۱۳۳.

۴- . ابراهیم: ۴۰.

۵- . ابراهیم: ۳۷.

در واقع افرادی که نسبت به عقاید و عبادت دیگران بی تفاوت هستند، باید بدانند که در وجدان، تاریخ و قیامت توبیخ می شوند. خداوند، هم از افراد جاهل پیمان گرفته که به سراغ علم و کشف حق بروند و هم از دانشمندان پیمان گرفته که به سراغ افراد جاهل و منحرف بروند.

البته ممکن است همه، دعوت به خوبی را نپذیرند؛ ولی الگوی ما انبیاء ﷺ هستند که با صبر، مقاومت، منطق، اصرار، توکل، کار و دعوت خود را آغاز کردند و در دعوت خود شبانه روز مشغول بودند: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا» (۱).

حرف‌های زشت و تهمت شنیدند، به آنان نسبت شاعر، کاهن، ساحر، مجنون، کذاب دادند و به دعوت هایشان نسبت دروغ، افترا، افسانه و اسطوره و به یارانشان نسبت اراذل و ساده لوح دادند؛ ولی آنها در این راه از انواع شکنجه‌ها و تهدیدها نترسیده و تا پای جان مقاومت کردند.

اما درباره اینکه این دعوت به خیر شامل چه مسائلی می شود، باید گفت که در برگیرنده مسائل زیادی است؛ از جمله: دعوت به تفسیر قرآن و نهج البلاغه، اخلاق، کمک به دیگران، گذشت از خطاهای مردم، تحصیل، حمایت از مظلوم، مبارزه با ظالم، صرفه‌جویی، عزت خواهی، استقلال، توکل، خودباوری، یأس ستیزی، امید بخشی و همه آنچه مربوط به کمال انسانی است.

اگر ما این هدایت را همراه با آثارش در نظر بگیریم - که گاهی این هدایت به نسل‌های بعد و به زمین‌ها و زمان‌های دیگر گسترش پیدا می کند - ارزش دعوت به خیر را بیشتر درک خواهیم کرد. همچنین در خواهیم یافت که صرف هزینه‌های مادی و معنوی

ص: ۱۷

در این راه، بهترین سرمایه گذاری است؛ چراکه می فرماید: «لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَيَّ يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ»؛ (۱) اگر خداوند متعال توسط تو یک نفر را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن می تابد برای تو بهتر است.

آری! هدایت، کار خداست «يَهْدِي اللَّهُ» و انسان ها واسطه ای بیش نیستند: «بِكَ رَجُلًا»

باید دانست که اگر دعوت به خیر و معروف در جامعه انجام نشود، این جامعه ساکت و مرده خواهد بود؛

ضمناً اگر برای خوبی ها، تبلیغ، توصیه و سفارش نباشد، زمینه تسلط اشرار بر اهل ایمان فراهم می گردد؛

اما دعوت به نماز، دعوت به بزرگترین معروف هاست و تمام برکات امر به معروف در آن نهفته شده است؛

همچنین دعوت به نماز، دعوت به حق است که مشمول آیه «و تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» (۲) می شود.

بهانه های افراد بی تفاوت

عده ای برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، بهانه های مختلفی می آورند که از جمله آنها به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. بهانه «دعوت و توصیه، خلاف آزادی است!»

برخی می گویند انسان آزاد است و سفارش و امر به معروف، خلاف آزادی است. غافل از اینکه آزادی معنای دیگری دارد. اگر آزادی به صورت مطلق باشد، باید بتوان با لباس شنا، در کلاس فیزیک

ص: ۱۸

---

۱- . الکافی، ج ۵، ص ۲۸.

۲- . عصر: ۳.

حاضر شد! و باید در تمام دنیا هرگونه توییح و جریمه و محاکمه را کنار گذاشت! اگر آزادی به طور مطلق باشد و بتوانیم کودک و نوجوان یا جوانان هوس باز را رها کنیم، غریزه و شهوت ها، نسل انسان را نابود می کند.

پس آزادی باید در چارچوب عقل، علم، قانون، فطرت و حفظ حقوق دیگران تعریف شود و قرار بگیرد.

بنابراین نباید این نکته را فراموش کرد که هر آزادی ای ارزش و هر محدودیتی نقص نیست. وقتی انسان از کفش و جوراب استفاده می کند - هرچند این کار محدود کردن پای انسان است - ولی این محدودیت سبب حفظ پا از خار، خاشاک، تیغ، شیشه و خاک کوجه است.

از طرف دیگر، ما باید کسانی که خیرخواه ما هستند را دوست بداریم و اگر چنین نکنیم، قرآن ما را مؤاخذه خواهد کرد که: «لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ» (۱).

امام صادق ع نیز می فرماید: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي» (۲) بهترین دوست من کسی است که عیب مرا به من تذکر دهد. جالب اینکه حضرت نام این تذکر را هدیه گذاشته است؛ هدیه ای دوستانه.

در مقابل این روحیه کسانی هستند که قرآن کریم درباره آنها می فرماید: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ» (۳)

هرگاه به آنها سفارش تقوی می شود، به دلیل غرور و گناه تحت تأثیر قرار نمی گیرند.

ص: ۱۹

---

۱- . اعراف: ۷۹.

۲- . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۵، ص ۲۵۰.

۳- . اعراف: ۱۳۸؛ نمل: ۵۵؛ احقاف: ۲۳.

در آیات و روایات، عواملی برای کسانی که دعوت به خیر را پاسخ نمی‌دهند، بیان شده است. برخی از این عوامل عبارتند از:

۱. جهل؛ (۱)

امام رضاؑ فرمود: «اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را بدانند، از ما پیروی خواهند کرد». (۲)

۲. تعصب؛ (۳)

۳. تکبر؛ (۴)

۴. لقمه حرام؛ (۵)

۵. سوء ظن به گوینده؛

۶. تبلیغات خارجی.

۲. بهانه «گناه دیگران، به ما ربطی ندارد!»

نباید فراموش کرد که هر کار خلافی بر فرد، جامعه و تاریخ اثر می‌گذارد. اگر امر به معروف نباشد، هر روز خلاف و خلاف... کار زیادتر می‌شود و از خوبی‌ها کاسته. در توضیح تأثیر اعمال افراد جامعه بر هم مثال معروفی است که گویای مسأله است: اگر کسی محل فقط نشستن خود را در کشتی سوراخ کند و فقط از آنجا آب وارد کشتی شود، همه مسافران را غرق خواهند شد!

ص: ۲۰

---

۱- . هود: ۲۹.

۲- . عیون أخبار الرضاؑ، ج ۱، ص ۳۰۷.

۳- . مائده: ۱۰۴.

۴- . طه: ۵۶.

۵- . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۵، ص ۹.



برخی نگرانند که مشتری خود را از دست داده و درآمد و رزقشان کم می شود؛ بعضی نگرانند که مبادا دوستان خود را از دست بدهند؛ بعضی نگرانند که به سخنان و حرفشان بی اعتنایی شود؛ بعضی هم از تهدید، می ترسند.

جای تأسف است که افراد سیگاری در هر شرایطی سیگارشان را همراه دارند، ولی برخی افراد نمازگزار همین که جایشان تغییر کرد، به راحتی نماز را کنار می گذارند و می گویند: در آن فضا نماز خواندن زشت بود!

بسیاری از مردان و زنان هندی، هر جای دنیا که بروند، لباس، پوشش و حجاب سنتی خود را حفظ می کنند؛ ولی کسانی هستند که اگر منزل، محله، شهر و کشورشان تغییر کند، به سرعت با یک خودباختگی و وارفتگی، به رنگ محیط درمی آیند!

اما تاریخ گواهی می دهد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در برابر چشم هزاران مشرک، نماز جماعت سه نفره اقامه می کرد. (امام جماعت، رسول الله (ص)؛ و مأموم از مردان، حضرت علی ؑ و از زنان، حضرت خدیجه کبری (س)). (۱)

متأسفانه بسیاری از کسانی که در مسیر جاده ها، اگر به مسجد و رستورانی نرسند، جرئت آنکه در کنار جاده نماز بخوانند را ندارند و می گویند: مردم ما را می بینند! در حالی که گاهی یک نماز آنان در جاده افزون بر اینکه تکلیف خود را انجام می ... دهند، برای

ص: ۲۱

تمام مسافران، نوعی تذکر و برای خود انسان، نشانه اهتمام و عشق به مکتب، گفتگو با خدا و اهمیت دادن به نماز است.

البته ممکن است برخی گمان کنند نماز در مجالس عروسی و رسمی و یا کنار جاده ها نوعی خودنمایی و ریا است و ریا هم نوعی شرک و لذا سبب باطل شدن نماز است؛ اما باید بدانیم که خودنمایی حرام است اما خوبنمایی لازم است! یعنی اگر کسی هدفش از این کار، مطرح کردن خود باشد، این کارش اشتباه است؛ ولی اگر هدفش مطرح کردن نماز باشد، این نه تنها نماز را باطل نمی کند، بلکه برای آن، دو پاداش دریافت می کند؛ یکی پاداش اقامه نماز و یکی پاداش دعوت عملی به معروف.

همچنین هر ریایی حرام نیست. قرآن درباره انفاق می فرماید: گاهی باید این انفاق مخفی باشد و گاهی هم آشکار و علنی: «سراً و علانیة» (۱).

امام حسین علیه السلام می توانست ظهر عاشورا نماز خود را در خیمه بخواند؛ ولی مخصوصاً بیرون خیمه خواند تا اعلام کند، انجام کاری مانند جهاد هم نباید شما را از نماز غافل کند؛ او به مردم یاد داد که با هیچ قیمتی و در هیچ شرایطی نماز تعطیل شدنی نیست.

۴. بهانه «با یک گل بهار نمی شود!»

این بهانه در حالی گفته می شود که در تاریخ هزاران نفر از افراد با پیمودن یک راه درست، ثابت کردند که یک نفر هم می ... تواند مسیر تاریخ و جامعه را تغییر دهد.

هدهد با آوردن یک خبر، سرنوشت یک قوم و ملت را تغییر داد و

ص: ۲۲

همان یک خبر آنها را مؤمن کرد. (۱)

۵. بهانه «جبر!»

برخی می گویند: همه کارها به خواست خدا انجام می گیرد؛ اگر لازم بود، خود خدا جلوی خطاکاران را می گرفت. در قرآن می خوانیم: همین که به بعضی سفارش اطعام به فقرا می شد، می گفتند: آیا ما اطعام کنیم کسانی را که اگر خدا می خواست، خودش آنان را سیر می کرد: «أَنْ نُّطْعِمَ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ». جواب این تفکر غلط آن است که سنت خداوند بر آن است که کارها با واسطه طبیعی انجام گیرد.

۶. بهانه «انتظار!»

برخی می گویند: ما منتظر حضرت مهدی  $\square$  هستیم تا خودشان تشریف بیاورند و فساد را ریشه کن کنند.

۷. توقع نابجا

بعضی توقع دارند با اولین تذکر، به سخنانشان عمل شود؛ در حالی که هیچ میوه ای با یک تابش خورشید نمی رسد و بسیاری از امور با تکرار به نتیجه می رسند.

۸. بهانه «دیگران هستند!»

و با این تفکر، از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کنند؛ در حالی که اسلام می فرماید همه مسئولند. (۲)

ص: ۲۳

---

۱- نمل: ۲۰ - ۴۴.

۲- جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۱۹.

۹. بهانه «تقوا! و پژوهش!»

برخی به خیال اینکه سکوت، تقوا و وقار است، یا وظیفه ما تحقیق و پژوهش و درس و بحث است، امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه خود نمی‌دانند.

۱۰. شخصیت های خیالی!

برخی برای خود شأن و مقامی تصور می‌کنند و تذکر، دعوت و موعظه را با شأن خود سازگار نمی‌دانند. چه بسیار افرادی هستند که با این توجیحات نابه‌جا، گام به گام در سقوط خود و جامعه شریک می‌شوند. گام‌هایی اینچنین:

گام اول: در برابر خوبی‌ها و بدی‌ها بی‌تفاوتند؛

گام دوم: گناه برایشان عادی می‌شود؛

گام سوم: به انجام گناه راضی هستند؛

گام چهارم: به انجام گناه کمک می‌کنند؛

گام پنجم: خود نیز مرتکب گناه می‌شوند؛

گام ششم: به انجام گناه اعتیاد پیدا کرده و از آن لذت می‌برند؛

گام هفتم: دیگران را هم به گناه دعوت می‌کنند؛

گام هشتم: برای گناه سرمایه‌گذاری می‌کنند؛

گام نهم: در برابر حق موضع‌گیری می‌کنند؛

گام دهم: سنگدل شده و قساوت قلب پیدا می‌کنند؛

به قول حضرت علی ؑ «نفوذ شیطان، تدریجی است»: (۱)

مرحله اول: «فَبَاضَ»؛ شیطان در روح تخم‌گذاری می‌کند؛

مرحله دوم: «وَفَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ»؛ در سینه‌هایشان جوجه‌ها سر باز می‌کنند؛



مرحله سوم: «وَدَبَّ»؛ جوجه های شیطان، چهار دست و پا به حرکت در می آیند؛

مرحله چهارم: «وَدَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ»؛ در دامن انسان ها به راه می افتند؛

مرحله پنجم: «فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ»؛ سپس شیطان، با چشم آنها می نگرد؛

مرحله ششم: «وَنَطَقَ بِالسِّتِّهِمْ»؛ شیطان با زبان آنان سخن می گوید؛

مرحله هفتم: «فَرَكَبَ بِهِمُ الزَّلَّلَ»؛ شیطان به واسطه همین افراد، سبب لغزش دیگران می شود.







در دعوت دیگران به نماز اصول و قواعدی کلی وجود دارند که در چگونگی انجام فعالیت های مربوط به نماز نقش مهمی ایفا می کنند. در این فصل، مهم ترین این اصول را به اختصار بیان می کنیم.

۱. استمداد از خدا

دعوت به خیر (نماز و هر کار خیر دیگری) تنها با علم، تجربه، روانشناسی، استفاده از ابزار و فرمول ها انجام نمی شود؛ بلکه این کار مقدس باید از سرچشمه بی نهایتی گرفته شود.

حضرت ابراهیم  $\square$  از خداوند متعال می خواهد که پس از خودش افرادی مبعوث شوند و مردم را به علم و تزکیه دعوت کنند: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا» (۱)

او از خدا می خواهد که توفیق اقامه نماز را به خود و ذریه اش مرحمت کند: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءً» (۲)

نکته مهم این است که حضرت ابراهیم  $\square$  از خداوند متعال برای نسل خود دو نعمت مهم را درخواست کرد:

۱. اقامه نماز؛ «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»

۲. رهبری مردم؛ همین که خداوند متعال فرمود: ای ابراهیم! من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)، حضرت ابراهیم  $\square$  درخواست کرد که خدایا! این مقام را به نسل من هم بده (قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي) (۳)

اگر ما این دو درخواست را کنار هم بگذاریم، به این نتیجه

ص: ۲۸

۱- . بقره: ۱۲۹.

۲- . ابراهیم: ۴۰.

۳- . بقره: ۱۲۴.

خواهیم رسید که وزن اقامه نماز برابر وزن رهبری امت است؛ چون پیامبر خدا، دو درخواست غیرمتناسب از خدا نمی کند.

امام سجاده در دعایی از خدا می خواهد که زبان و نطقش به هدایت باز شود: «اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى» (۱)

و حضرت موسی از خدا می خواهد که در کار دعوت به خدا، شرح سینه، آسانی امور و بیان روانی که مردم کلامش را به طور عمیق بفهمند، عنایت فرماید: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي...»

راز این طلب از خداوند آن است که دعوت کننده به حق می خواهد دست انسان ها را در دست خدا بگذارد و برای این کار نیاز دارد که دست لطف خدا همراه انسان باشد. اگر از سوی او عنایتی نباشد، توفیقی به دست نمی آید؛ چرا که هدایت به دست خداست و انسان واسطه ای بیش نیست.

در برخی آیات قرآن کریم می خوانیم که خداوند متعال به پیامبرش می فرماید: تو نمی توانی هر که را بخواهی هدایت کنی، بلکه این خداوند است که هر که را بخواهد هدایت می فرماید: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (۲)

امام سجاده در دعای مکارم الاخلاق می فرماید: «وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّادَاتِ، وَ مِنْ أَدْلِهِ الرَّشَادِ»؛ خدایا! مرا راهنمای رشد دیگران قرار بده. (۳)

بر هر مسلمانی واجب است که در هر نمازی، از خداوند متعال هدایت خود را درخواست کند: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ». راه

ص: ۲۹

۱- .الصحيحه السجادية، دعای ۲۰.

۲- .قصص: ۵۶.

۳- .الصحيحه السجادية، دعای ۲۰.

مستقیم در فکر، نیت، عمل، ابزار، شیوه، انتخاب زمان، انتخاب مکان، انتخاب همسر، انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب شغل، برنامه ریزی و خلاصه در هر چیزی، بدون استمداد از خداوند امکان ندارد.

جالب آن است که در نماز حق نداریم بگوییم: «اهدنی»، بلکه باید بگوییم «اهدنا» یعنی این هدایت از خدا را برای همه و در همه چیز بخواهیم.

مهمتر آنکه پیغمبر اسلام ﷺ دو برابر دیگران از خدا می خواست که به راه مستقیم هدایت شود. زیرا افزون بر نمازهای شبانه روزی، نماز شب نیز بر پیغمبر واجب بود که در آن نمازها نیز باید «اهدنا الصراط المستقیم» گفته شود. این در حالی است که پیامبر ﷺ، نه تنها در راه مستقیم است، بلکه تسلط کامل بر راه مستقیم دارد؛ زیرا در سوره مبارکه یس به پیامبر خطاب می شود که تو بر راه مستقیم تسلط داری: «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ \* عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۱).

از این تعبیر شاید بتوان این طور استفاده کرد که کسانی که مسئول کار فرهنگی هستند، بیشتر از دیگران در خطر انحرافند و بنابراین باید بیشتر از خدا بخواهند که در راه مستقیم بمانند.

به هر حال دعوت به هر کار خیر و به ویژه نماز، باید همراه با طلب یاری از خدا باشد تا در آغاز، تلاش های انسان همراه با ریا نباشد، و اگر کاری را خالصانه شروع کرد، در وسط کار گرفتار عجب و غرور نگردد، و اگر در آغاز و در وسط خالص بود، پس از اتمام عمل، گرفتار حبط و نابودی عمل نشود. در واقع ورود و خروجش صادقانه باشد: «رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي

ص: ۳۰

۲. تداوم و تکرار دعوت

گاهی مخاطب ما با یکی دو بار تذکر حرفی را نمی پذیرد؛ مثل چوب محکمی که با یکی دو ضربه تبر نمی شکند؛ ولی ما نه از چوب دست برمی داریم و نه از تبر! یا اگر در شیشه آب لیمو را نتوانیم باز کنیم، نه از شیشه دست برمی داریم و نه از آب لیمو! بلکه آن را دست به دست می چرخانیم تا بالاخره یکی بتواند بازش کند!

برخی افراد پس از چندین بار تذکر تأثیر می پذیرند؛ همان گونه که خرما، پس از تابش های پی در پی و مکرر خورشید می رسد. در قرآن هم می خوانیم: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ» (۲).

که در این آیه، عبارت «کان یأمر» دلالت بر استمرار دارد. در جایی دیگر نیز می خوانیم که خداوند متعال سفارش می کند که اهل خود را به نماز سفارش کن و مقاومت داشته باش: «وَآمُرُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»؛ (۳)

اگر چند بار گفتی و گوش نکردند، خسته نشو!

نماز مسأله ای نیست که تنها در مقطعی از دوران تحصیل (ابتدایی، متوسطه یا عالی) به آن پرداخته شود؛ بلکه باید همانند اذان که شبانه روز تکرار می شود، در تمام سطوح (از مهد کودک تا بالاترین رده) به آن پرداخته شود و برای هر دوره ای، به تناسب فهم مخاطب مطالبی بیان گردد.

همان گونه که در کندن چاه با ضربه هر کلنگی به عمق آن اضافه می شود، در بیان نماز نیز باید با هر نکته ای، به عمق اسرار آن

ص: ۳۱

۱- . اسراء: ۸۰.

۲- . مریم: ۵۵.

۳- . طه: ۱۳۲.

نزدیک شویم و همان گونه که در بالا رفتن از نردبان با هر گامی اوجی پیدا می‌کنیم، باید با هر دعوت، ارزش و اهمیت نماز را به مخاطب بیشتر تفهیم کنیم.

خداوند متعال نیز می‌فرماید: من یک حقیقت را با چند بیان و در چند موضوع قرار دادم: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ»؛ (۱) یعنی مطلبی را در قالب‌های مختلف و مکرر بیان کردم، تا شاید اثر کند.

خداوند متعال در جای دیگری می‌فرماید: چون در روز کار سختی در پیش داری، سحرها، با نماز شب و تلاوت قرآن خود را تقویت کن: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً \* إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا». (۲)

یکی دیگر از راه‌های تقویت روحیه مقاومت در انسان، یادبود افراد مقاوم است. خداوند می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»؛ (۳) یعنی ای پیامبر! تو باید صبری همچون پیامبران اولوا العزم داشته باشی و باید با یاد آنان صبر خود را تقویت کنی.

در کنار این سفارش، هشدار می‌دهد که مثل حضرت یونس  $\square$  نباش. او خسته شد و از مردم برید و ما او را به روشی متوجه کردیم که نباید مردم را رها کرد: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْهُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ». (۴)

خلاصه اینکه اگر کمی صبر کنیم، درهایی به روی ما گشوده می‌شود و خداوند به ما سعه صدر می‌دهد. البته لازم است این را

ص: ۳۲

۱- . اسراء: ۴۱.

۲- . مزمل: ۶ و ۷.

۳- . احقاف: ۳۵.

۴- . قلم: ۴۸.

بدانیم که ممکن است در دعوت به حق، مورد تمسخر هم قرار بگیریم؛ همان گونه که پیامبران (ع) مورد تمسخر قرار گرفتند، ولی از دعوت خسته نشدند: «مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ» (۱).

آنها اذیت، شکنجه، تحقیر و تهمت فراوان را به جان خریدند و حتی تهدید به قتل و سنگباران شدند، اما برنامه و سنت خداوند متعال، حمایت از حق و اهل تقوا و یاری پیامبران و یاران آنهاست.

راه دیگر کسب استقامت، توجه به پاداش الهی است؛ در قرآن می خوانیم: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۲).

آنچه باعث دلگرمی در مقابل همه این بی مهری هاست:

- یکی آن است که کارهای ما زیر نظر خداست و خدا آنها را می بیند. «فَأِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا» (۳)

و خداوند متعال از حال ما خبر دارد، که در چه فشاری هستیم: «وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ»؛ (۴)

- دیگری هم اینکه پاداش دور از ذهن و درک ما به دعوت کنندگان، و اجر بی حساب به صابران و مقاومان می دهد و جایگاه دعوت کنندگان را بالاترین جایگاه معرفی می کند: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ» (۵).

ص: ۳۳

۱- .یس: ۳۰.

۲- .اعراف: ۱۲۸.

۳- .طور: ۴۸.

۴- .حجر: ۹۷.

۵- .فصلت: ۳۳.

یکی از اصول اساسی در دعوت به نماز، آسان گیری است. قرآن می فرماید: ما وحی را آسان قرار دادیم تا به راحتی مردم متذکر شوند: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ» (۱).

شعار اصلی پیامبر (ص) هم یک جمله کوتاه با سه حرف (الف، لاه و هاء) بود: «لا اله الا الله». ایشان فرمود: «قولوا لا اله الا الله تُفْلِحُوا» (۲).

همچنین در قرآن کریم می خوانیم: خداوند متعال نسبت به شما اراده سخت گیری ندارد، بلکه اراده آسان گیری دارد: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (۳).

در آموزش و در دعوت به حق، ما باید اساس را بر آسان گیری و آسان سازی قرار دهیم. مثلاً در آموزش به واجبات بسنده کنیم. حتی در آموزش مستحبات هم تمام ابعاد مستحبی را در نظر نگیریم؛ مثلاً اگر کسی می خواهد درباره نماز شب صحبت کند، بگوید: نماز شب یازده رکعت است، (پنج تا دو رکعتی و یک، یک رکعتی؛ که می توان بدون سوره، نشسته یا ایستاده هم به جا آورد). پس مستحبات نماز شب را نباید در آغاز کار مطرح کنیم و بلکه به تدریج آنها را بیان می کنیم.

این آسان گیری نیاز به عزم و همت و جرئتی دارد که اگر به آن توجه شود، در همه جا برکات آن را می بینیم؛ آسان گیری در امر ازدواج، تحصیل، مهمانی، تصویب قانون، مسافرت، و امثال آن. بسیار دیده شده مساجدی که اقامه نماز در آنها ساده است، شلوغ تر است؛ ولی مساجدی که با مدیریت های سخت گیرانه

ص: ۳۴

۱- قمر: ۱۷.

۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۸، ص ۲۰۲.

۳- بقره: ۱۸۵.

اداره می شود، خلوت است.

باید آداب و رسوم و قوانینی که نه بر اساس عقل است و نه بر اساس وحی، از بین برود تا مانع حرکت نشود. مثلاً اگر مساجد ما کوچک، محکم، متعدد و در دسترس باشند، افراد بسیاری نمازشان را در مساجد خواهند خواند. ولی اگر مساجد مجلل و بزرگ و دور از دسترس باشند و یا در دسترس نباشند، برای اقامه نماز در آن، مردم احساس سنگینی خواهند کرد. خداوند متعال کعبه را در گودی قرار داده که هنگام نماز، مردم در سرایشی قرار بگیرند؛ اگر کعبه در مکان مرتفعی بود، مردم برای حضور در مسجد احساس سنگینی می کردند.

در قرآن کریم هم می خوانیم: همین که برادران یوسف (ع) از او عذر خواهی کردند، ایشان بدون درنگ فرمود: از همین الان هیچ گناهی بر شما نیست و همه برادران را - با اینکه باعث ده ها سال گرفتاری چاه و به بردگی فروخته شدن و فراق و کوری پدر و عشق زلیخا و تهمت و زندان و... شده بودند - یک جا بخشید: «قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (۱).

امام سجاد (ع) نیز در دعای مکارم الاخلاق می گوید: خدایا! مرا انسانی روان قرار بده: «و لین العریکه» (۲).

این آسان گیری در کلمات، توقعات و برخوردها باید ملاحظه شود. اگر این اصل آسان گیری تنها در مهمانی ها مراعات شود، میلیون ها صله رحم اضافه می شود؛ ولی میهمانی های پرتکلف سبب می شود که دید و بازدیدها به سالی یک بار تبدیل شود.

اگر در محله ها افراد باسواد، افراد بی سواد را به راحتی به شاگردی

ص: ۳۵

۱- . یوسف: ۹۲.

۲- . الصحیفه السجادیه، دعای ۲۰.



پذیرند و یا حتی در یک خانه افراد باسواد، افراد بی سواد را روزی چند دقیقه آموزش دهند، ما نیاز به هزینه کردن هزاران میلیارد تومان در نهضت سواد

آموزی نداشتیم. در اکثر خانه‌هایی که افراد بی سواد هستند، پسر یا دختر یا شوهر یا همسر یا داماد یا عروس باسواد هستند؛ ولی چون آسان نمی گیریم و حاضر نیستیم نزد اعضای خانواده شاگردی کنیم، بودجه های سرسام آوری که می تواند مشکلات دیگر مردم را برطرف کند، صرف این آسان نگرفتن ها می شود.

#### ۴. تقویت جرئت و شهامت

بسیاری از افرادی که از انجام کارهای خیر محرومند، به خاطر ضعف اراده و جرئت است. انسان باید به جایی برسد که اگر در دست او طلاست، ولی همه مردم گفتند سفال است و اگر در دست او سفال است و همه گفتند طلاست! چون خودش به باور رسیده، در خود هیچ تزلزلی راه ندهد و حرف مردم او را تحت تأثیر قرار ندهد. همان گونه که به پیامبران نسبت معجون، ساحر، کاهن، شاعر و کذاب می دادند و به یاران آنان توهین می کردند و به کلام آنها افسانه و افترا می گفتند؛ ولی در آنان هیچ گونه تزلزلی پیدا نمی شد. در حدیث می خوانیم که مؤمن مثل کوه است؛ با این تفاوت که کوه ممکن است ریزش کند، ولی در مؤمن هرگز ریزشی نیست. (۱)

در تاریخ آمده است که جمعی از مشرکان مکه نزد ابوطالب آمدند و گفتند: پسر برادر تو از نبوت سخن می گوید؛ ما حاضریم سرمایه و امکانات دل خواهش را در اختیارش بگذاریم تا دست

ص: ۳۶

---

۱- . الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۲۴۱.

از حرفش بردارد. ولی پاسخ پیامبر این بود که اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم بگذارید، از هدفم دست بر نمی دارم.

او یارانی داشت که انواع شکنجه ها، تحقیرها، تبعیدها و هجرت ها در آنان نیز اثری نداشت. قرآن درباره قدرت ایمانی و اعتماد به مکتب برخی یاران پیامبر چنین می فرماید: «هر چه به آنان گفته می شد که دشمنان شما علیه شما بسیج شده اند، از آنان بترسید! به جای ترس، بر ایمانشان افزوده می شد؛» **«الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدَ جَمَعُوا لَكُمْ فَما خَشَوْهُمْ فزادَهُمْ إِيماناً»**. (۱)

آری! عوامل تبلیغاتی دشمن و برخی از مردمان ساده اندیش و ترسو، به رزمندگان و مجاهدان، ترس را تلقین و به اصطلاح آنان را نصیحت می کنند که دشمن قوی است و کسی نمی تواند حریف آنان بشود؛ پس بهتر است درگیر جنگ نشوید! اما مسلمانان واقعی بدون هیچ ترس و هراسی، با آرامش خاطر و با توکل به خداوند، با دشمن می جنگد.

در تربیت فرزند هم ما باید به جای اینکه به نوجوان خود القا کنیم که بچه نباید حرف بزند! از لقمان حکیم یاد بگیریم که به فرزندش می گفت: **«يا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ»**

علی ما أصابَكَ إِنَّ ذَلِكُمْ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ (۲) فرزندم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه از سختی ها به تو می رسد مقاومت کن؛ که این (صبر) از امور واجب و مهم است.»

ص: ۳۷

---

۱- . آل عمران: ۱۷۳.

۲- . لقمان: ۱۷.

از این آیه چنین استفاده می شود که باید رابطه والدین و فرزند هم عاطفی باشد «یا بُنَّی» هم فرزند را آن گونه تربیت کنیم که معروف و منکر را به خوبی بشناسد، و هم انگیزه و تحرک برای سفارش به خوبی ها و نهی از منکر در او زنده شود؛ ضمن آنکه به فرزند گوشزد کنیم که نظارت، دخالت و امر و نهی از کارهایی است که به اراده، جرئت و جزم نیاز دارد.

والدین و مربیان باید به نسل نو اجازه اظهار نظر بدهند؛ همان گونه که در قرآن می خوانیم: حضرت ابراهیم  $\square$  که حدود صد سال داشت، از فرزند سیزده ساله اش نظر خواست و پرسید: «إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى»؛ (۱)

پدر گفت: ای فرزندم! همانا در خواب (چنین) می بینم که تو را ذبح می کنم؛ نظرت در این باره چیست؟»

در تاریخ کربلا- نیز می خوانیم که امام حسین (ع) از فرزند برادرش، حضرت قاسم که حدود سیزده سال داشت، پرسید: شهادت در نزد تو چگونه است؟ او پاسخ گفت: از عسل شیرین تر!

رشد فکری و سیاسی این نوجوان تا جایی است که می گوید: اگر حاکم بر من طاغوت ها و افراد رذل باشند، مرگ و شهادت، از زندگی تحت فرمان آنها شیرین تر است.

حکایت

روزی مأمون الرشید با همراهان خود از مسیری عبور می کرد. بچه هایی که در کوچه بازی می کردند، فرار کردند. اما یک نوجوان فرار نکرد. مأمون حساس شد و از او پرسید: چرا فرار نکردی؟ گفت: راه پهن و گسترده است، نیازی به فرار نبود؛

ص: ۳۸

ضمناً خلافتی هم نکرده ام که بترسم. شما از کنار جاده بروید.

مأمون گفت: تو باید پسر امام رضا(ع) باشی. این خاندان هستند که نسل خود را این چنین شجاع و با اعتماد به نفس تربیت می کنند.

انسان ممکن است در راه انجام وظیفه (نماز یا هر کار دیگر) انواع طعنه و سرزنش ها را از ناهلان بشنود. قرآن در سوره مطفین چهار نوع سرزنش و تحقیر را که مجرمین نثار مؤمنین می کنند، بیان کرده است:

۱. برنامه مجرمان آن است که به مؤمنان بخندند: «إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ»؛(۱)

۲. هنگامی که از کنار آنان عبور می کنند، با چشم و ابرو غمزه می آیند: «وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ»؛(۲)

۳. همین که این مجرمان به سوی همفکران خود بر می گردند و دور هم جمع می شوند، نسبت به عملکرد مؤمنان فکاهی می گویند: «وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ»؛(۳)

۴. اگر آنها را از راه دور مشاهده کنند، با اشاره آنان را منحرف، مرتجع، اُمُل، عقب مانده، سنتی و متحجر می خوانند و به آنان نسبت گمراهی می دهند: «إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ»؛(۴)

ولی خودشان را در دنیای خیال روشنفکر می پندارند؛

اما قرآن کریم به مؤمنین می گوید: این نوع برخوردها نباید در شما اثر بگذارد؛ زیرا روز قیامتی در پیش است که شما بر

ص: ۳۹

۱- . مطفین: ۲۹.

۲- . مطفین: ۳۰.

۳- . مطفین: ۳۱.

۴- . مطفین: ۳۲.

تخت های بهشتی تکیه زده، ذلت و حقارت آنان را خواهید دید و به آنها خواهید خندید: «فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ \* عَلَى الْأَرَائِكِ يُنظَرُونَ» (۱).

نکته دیگر در ایجاد روحیه شهامت در فرزندان این است که والدین نباید حتی اگر لغزشی از فرزند دیدند، او را سرکوب کنند؛ به طوری که جرئت فرزند از بین برود؛ اگر در معامله، رانندگی، نوشته و سخنی، راه درست را نرفت، به گونه ای به او تذکر دهند که شهامتش از بین نرود.

حضرت علی (ع) دختری تربیت کرد به نام زینب (س)؛ دختری که سخت ترین ضربه ها را دید؛ در طول نصف روز، شهادت برادران، فرزندان، بستگان و یاران خود را با فجع ترین وضع به چشم دید؛ اسارت و حقارت را در اوج خود دید، اما در کوفه و شام آن گونه سخنرانی کرد که افکار عمومی را تغییر داد و رژیم بنی امیه را لرزاند. سخنان زینب کبری (س) گویا موشکی ویرانگر بر پیکر رژیم بنی امیه بود و این است نمونه تربیت علوی.

نکته تربیتی دیگر این است که در اسلام سفارش شده با افراد ترسو مشورت نکنید؛ زیرا آنها جرئت شما را از بین می برند. (۲)

شاید از این جمله بتوان چنین استفاده کرد که دوستی با افراد شجاع و جسور هم در شجاعت انسان مؤثر است.

خاطره ای از شهامت امام خمینی (ره)

بنده خدمت آیت الله بهاء الدینی رسیدم و گفتم ما سالمندی امام خمینی را دیده ایم؛ آیا شما که از جوانی با ایشان بودید،

ص: ۴۰

---

۱- . مطففین: ۳۴ و ۳۵.

۲- . نهج البلاغه، نامه ۵۳.

خاطره ای جالب از ایشان دارید؟ ایشان فرمود: امام خمینی حدود بیست سال داشت که از خمین و اراک برای تحصیل به حوزه علمیه قم آمد. در آن زمان که حکومت رضا شاه بود و چادرها را از

سر زنان و عمامه ها را از سر روحانیون برمی داشتند و با تمام مظاهر دینی با قدرت مخالفت می کردند، در قم کسی بود که از مهمترین شخصیت های آن زمان به شمار می آمد و حدود هفتاد و پنج سال سن داشت. یک بار آن شخص حرف بدی بر زبان آورد که در آن اهانت و تضعیف دین بود. (البته سخنان نابجا اگر از افراد عادی سر بزد، وظیفه ما کظم غیظ و برخورد با کرامت و سعه صدر و عبور کردن با بزرگواری است؛ اما اگر این کلمات از افراد فرهیخته یا سیاسی و مغرض سر زد، باید به آنان جواب محکم داد) امام با جسارت و جرئتی که داشت، چنان سیلی محکم به صورت او زد که عینکش بر زمین افتاد و تکه تکه شد.

این جرئت امام در بیست سالگی بود که باعث شد در پیری به بازماندگان رژیم پهلوی بگوید: من توی دهن این دولت می زنم، من شاه را خلع می کنم!

بدیهی است که مراد ما از جرئت و جسارت، آن جرئت و جسارتی است که همراه با تدبیر و شناخت باشد؛ و گرنه اگر این جسارت در افراد نا اهل باشد، جرئت آنان بر گناه بیشتر خواهد شد.

خاطره ای از آزادگی امام خمینی (ره)

نقل شده است که مرحوم آیت الله بهشتی روزی نزد امام خمینی (ره) رفت و از جسارت طرفداران بنی صدر که در آن زمان رئیس جمهور بود، گلایه کرد (آنها با کمال وقاحت می گفتند: مرگ بر بهشتی). امام خمینی به ایشان فرمود: اکنون

چه صدایی می شنوی؟ دکتر بهشتی گفت: علاقه مندان شما در حسینیه جماران جمع شده اند و برای دیدن شما شعار می دهند. امام فرمود: مردم دنیا پشت این دیوار به نفع من شعار دهند یا بر ضد من، در من اثری ندارد!

در یکی از پیام های امام خمینی نیز می خوانیم که اگر خمینی تنها هم بماند، لحظه ای با امریکا سازش نخواهد کرد.

در اینجا بد نیست توضیح مختصری راجع به خجالت و حیا بیان کنم. بنابر احادیث، حیا و خجالت دو نوع است: گاهی حیا و خجالتی که برخاسته از عقل است، گاهی حیا و خجالت بر خاسته از احمقی است. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْحَيَاءُ حَيَاءٌ انِ حَيَاءٌ عَقْلٌ وَ حَيَاءٌ حَقْمٌ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْحَقْمِ هُوَ الْجَهْلُ. (۱)

گاهی انسان بر اساس عقل و تدبیر ساکت می شود و برخوردی نمی کند؛ که این حیا عاقلانه است؛ مانند اینکه اگر از والدین و دوستان کلام بدی را شنید یا حرف بدی را دید، از پاسخ دادن و مقابله به مثل حیا می کند. ولی سخن ما در آنجاست که حیا و خجالت، از ضعف و زبونی و خود کم بینی ناشی می شود.

راه تقویت جرئت

یکی از راه های ایجاد جرئت، مقایسه جرئت خود با جرئت دیگران است. چرا باید افرادی آشکارا گناه کنند، ولی ما از اقامه نماز خجالت بکشیم؟

چرا افرادی که در جلسه ای نشسته اند، اگر نیاز به دستشویی پیدا کردند، برمی خیزند و می روند، اما اگر یادشان افتاد نماز نخوانده اند،

ص: ۴۲

خجالت می کشند!؟

چرا افرادی برای فروش جنس خود با بیان و نوار و... تبلیغ می کنند و ما از فریاد زدن اذان خجالت می کشیم!؟

حضرت علی(ع) می فرماید: چرا دیگران در باطل محکم هستند و شما در راه حق ضعیف هستید؟

بسیارند افرادی که اگر ببینند کسی نماز می خواند، آنها هم برای نماز قیام می کنند؛ ولی از اینکه خودشان به تنهایی برای نماز قیام کنند، خجالت می کشند؛

بسیارند افرادی که برخی احکام نماز را نمی دانند و از پرسیدن آن خجالت می کشند؛

بسیارند افرادی که عذری دارند ولی از بیان عذر خود خجالت می کشند؛

بسیارند افرادی که اگر در جایی کسی آنان را نبیند، حاضرند نماز بخوانند؛ ولی در جلوی چشم دیگران خجالت می کشند این کار را انجام دهند؛

اینها نمی دانند که در حدیث آمده است: مثال کسی که در میان مردم به نماز بایستد، مثال درخت سبزی در کویر خشک است!

اینها نمی دانند که قرآن کریم یکی از نشانه های خوب بندگان خدا را این می داند که به جامعه حرکت بدهد؛ یعنی او مسأله نماز را طرح کند و خود به نماز بایستند تا دیگران از او اقتباس کنند: «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (۱).

قرآن مردم را از لحاظ تأثیرپذیری از محیط به سه دسته تقسیم می کند:

۱. گروهی که در جامعه فاسد هضم می شوند: «وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ

ص: ۴۳



یعنی: اگر دیدند فضای مجلس، فضای نامناسبی است، نه جرئت خروج دارند و نه توان دارند که فضای جلسه را تغییر دهند.

۲. گروه دیگر، جرئت دارند که خود قیام کنند و منطقه و محل گناه را رها کنند؛ مانند اصحاب کهف که قرآن در ستایش آنان می‌فرماید: آنان گروهی جوانمرد بودند که در فضای انحرافی و محیط فاسد، زندگی می‌کردند. آنها تصمیم گرفتند قیام کنند و از لذتها و رفاه شهری بگذرند و با زندگی بسیار ساده در غار، از فکر و دین خود حفاظت کنند. (۲)

۳. گروه سوم افرادی هستند که نه تنها در جامعه فاسد هضم نمی‌شوند، بلکه علاوه بر خارج شدن از منطقه و جلسه، سعی می‌کنند تا جامعه را تغییر دهند و فضای فاسد را به فضای سالمی تبدیل کنند؛ اگرچه تنها و یک نفر باشند.

قرآن کریم می‌فرماید: ابراهیم (ع) یک نفر بود؛ اما جوانی بود که جامعه را تغییر داد. او فردی بود در جایگاه یک امت و ملت؛ (۳)

بنابر احادیث، حضرت ابوطالب علیه السلام نیز مانند یک ملت پشتیبان پیامبر اسلام (ص) بود؛

حضرت خدیجه سلام الله علیها نیز یک نفر بود؛ ولی در برابر همه خواسته‌های نابه حق و خواستگارهای منحرف ایستاد؛

ص: ۴۴

---

۱- . مدثر: ۴۵.

۲- . کهف: ۱۳ - ۱۶.

۳- . نحل: ۱۲۰.

زن فرعون، نیز یک نفر بود؛ ولی در قلب محیط فرعون، یک انفجار ایجاد کرد. زن فرعون ثابت کرد که با یک گل هم بهار می‌شود! زن فرعون ثابت کرد که اگر انسان اراده قوی داشته باشد، می‌تواند محیط، تاریخ و اقتصاد را در هم بشکند. یعنی فضای اقتصادی، چاپلوسانی که دور فرعون هستند، زر و زیور، کاخ نشینی، تهدید و تطمیع فرعون، رابطه زن و شوهری و وابستگی‌های خانوادگی هیچ اثری در او نمی‌گذارند.

در دستگاه فرعون شخص دیگری بود که ایمان خود را کتمان کرده و از موسی (ع) حمایت می‌کرد (ماجرای این شخص در سوره غافر مطرح شده است).

به هر حال نکته اساسی برای دعوت به نماز این است که باید خود و فرزندانمان را از خجالت‌های نابه‌جا دور کنیم. بهترین راه هم برای ایجاد جرئت، اذان گفتن است. کسی که روی بام برود و با صدای بلند

فریاد بزند و اذان بگوید، ضمن دریافت پاداش اذان، امر به معروف، موعظه، تذکر، غفلت‌زدایی از جامعه و تکبیر و تهلیل، یک عیب مهم خود را که خجالت نابه‌جاست، از خودش دور می‌کند.

مؤذن باید بداند که اگر فضای سکوت را شکست و نام خدا را در میان غافلان مطرح کرد، بهترین حرف‌ها را زده است. زیرا قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ»؛ (۱) حرف چه کسی بهتر از آن است که مردم را به سوی خدا دعوت کند؟!

ص: ۴۵

و اذان، دعوت به سوی خدا و شعاری بی‌هزینه، روان، موزون، پرمحتوا، ساده و در دسترس همگان است که در چند لحظه گفته می‌شود.

به هر حال، یکی از عوامل دعوت به نماز که بستر نماز را فراهم می‌کند، داشتن جرئت و تمرین آن و القاء جرئت به دیگران، به ویژه فرزندان است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: چرا دیگران در باطل محکم هستند و شما در راه حق ضعیف هستید!؟

در قرآن از زبان افراد ترسو و بی‌جرئت نسبت به رفتن به جبهه توجیحات زیادی بیان شده است. گروهی برای جنگ تبوک می‌گفتند: ما نگرانیم که اگر به جبهه بیاییم، نگاهمان به دختران رومی بیفتد و دچار فتنه شویم! قرآن می‌فرماید: همین بهانه‌ها و ترک جبهه، خود بزرگترین فتنه است: «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا» (۱).

آنها برای رفتن به جبهه بهانه‌های مختلفی می‌آوردند. مثل اینکه هوا گرم است؛ خانه‌های ما در و پنجره ندارد و ما باید بالای سر زن و بچه مان باشیم؛ راه دور است؛ دشمن زیاد است و...

افراد بی‌اراده و ضعیف به جای اینکه به بر طرف کردن عیب خود پردازند، کار خود را متانت، بصیرت و عقلانیت می‌پندارند؛ آنها حتی احساسات افراد شجاع را بی‌تدبیری می‌دانند!

نکته آخر هم در این زمینه اینکه حضرت امیرؑ می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر، نه رزق شما را قطع، و نه مرگ شما را نزدیک می‌کند» (۲).

ص: ۴۶

---

۱- . توبه: ۴۹.

۲- . نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

اصل دیگر در دعوت به کار خیر، ساده کردن کارهای خیر است. برای مثال، اگر افطاری ها ساده باشد، همان گونه که پیامبر(ص) فرمود حتی با دانه ای خرما، همان گونه که در مکه و مدینه با نان و خرما و

پسته، آن جمعیت بسیار بر سر سفره افطاری می نشینند و در دعوت، هیچ گزینشی صورت نمی گیرد. هیچ کس دیگری را نمی شناسد و از یکدیگر توقع جبران ندارد؛ چنین افطاری برای همه آسان است و کسی از تکرار آن خسته نمی شود.

اما متأسفانه در برخی افطاری ها آنقدر تنوع در غذا، شیرینی جات، میوه، کارت های، دعوت کرایه سالن ها و رفت و آمدهای پردر دسر وجود دارد که گاهی یک افطاری دادن به صورت یک پروژه عظیم در می آید.

در دعوت به نماز نیز باید برنامه ها را ساده بگیریم تا همه شرکت کنند. نتیجه ساخت مساجد بسیار این می شود که بسیاری از مناطق، مسجد ساده هم ندارند.

راستی؛ ساده تر از کعبه خانه ای سراغ دارید!؟

نباید به نماز چیزهایی اضافه کرد که کار را سخت می کند. اسلام هفده رکعت نماز را در یک لحظه واجب نکرده؛ بلکه آنها را در چند نوبت تقسیم و توزیع کرده است. نمازهای نافله را به ایستادن و رو به قبله بودن مشروط نکرده؛ یعنی انسان می تواند در حال راه رفتن هم حمد و سوره را بخواند و با اشاره خفیفی رکوع و سجود را انجام دهد.

اسلام در کنار کارهای سنگین، کارهای مشابهی را قرار داده تا راه، برای همه باز باشد؛ برای مثال به کسانی که به نماز جمعه می روند، پاداش حج و به کسانی که زیارت حضرت عبدالعظیم

می‌روند، پاداش زیارت کربلا می‌دهند.

برای بسیاری از کارهای پر حجم، برنامه‌هایی قرار داده که افراد ضعیف هم محروم نمانند؛ چنانچه در دعا نیز می‌خوانیم: «وَسَوَى التَّوْفِيقِ بَيْنَ الضَّعِيفِ وَ الشَّرِيفِ» (۱).

حتی در روایات هست که اگر کسی نیت صادق و خالصی نسبت به انجام کار خیر داشته باشد و به هر دلیل توانایی انجام آن را نداشته باشد، خداوند پاداش انجام آن کار خیر را به او می‌دهد: «نَبِيُّ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ ... وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَيَّ نِيَّتَهُ» (۲).

#### ۶. موضوع‌شناسی

در امر به معروف و نهی از منکر باید موضوع‌شناسی و مخاطب‌شناسی بصیرانه صورت گیرد. گاهی نرمی، و گاهی تندی لازم است. به این مثال توجه کنید:

اگر روی آستین انسان گرد گچ نشست، آن را با ضربه شدید دست از لباس دور می‌کنیم. اما اگر روی همین آستین، دوده‌ای نشست، باید آن را با فوت و به آهستگی و نرمی از لباس دور کرد؛ اگر در این مورد نیز، با شدت

برخورد کنیم، هم دستمان سیاه می‌شود، و هم دوده به لباس مالیده می‌شود. لذا با تمام منکرات نمی‌توان یکسان برخورد کرد و هر کدام، حساب جداگانه‌ای دارد.

لطیفه

شخصی به دیگری گفت: گوش من درد می‌کند. گفت: برو آن را بکش!

شخص با تعجب پرسید: چطور؟ گفت: زیرا دندان من که درد

ص: ۴۸

---

۱- . زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۴۲۳.

۲- . الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۸۴.

می کرد، آن را کشیدم!

بسیارند افرادی که در دعوت، از راه ملامت وارد می شوند، در حالی که نمی دانند این ملامت، شنونده را لجاجت می کند.

## ۸. تکریم و هویت بخشی

قرآن می فرماید: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكَ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»؛ (۱) او کسی است که بر شما درود می فرستد و فرشتگان او [نیز بر شما درود می فرستند] تا شما را از تاریکی ها (کفر، شرک، جهل، تفرقه و خرافات) به سوی نور (ایمان، تقوا، علم و وحدت) درآورند و او به مؤمنان مهربان است.

راه دعوت مردم به دین، درود و رحمت است: «يُصَلِّي عَلَيْكُمْ ... لِيُخْرِجَكُم»

فرشتگان، هم بر مؤمنان درود می فرستند: «يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم» و هم برای آنان استغفار می کنند: «وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا». (۲)

حضرت ابراهیم □ نیز همین که به مأمور به ذبح فرزندش شد، برای تکریم و هویت بخشی فرزندش، این مسأله را با نوجوان خود مطرح کرد و از او نظر خواست و فرمود: «فَانظُرْ مَاذَا تَرَى». (۳)

آری! در یک خانواده، دختر جوان می تواند به بزرگ خانواده پیشنهاد اقتصادی دهد و پدر بپذیرد؛ همان گونه که در قرآن می خوانیم: دختر شعیب □، به پدر پیشنهاد کرد که موسای جوان را برای کمک خود استخدام کند و پدر پذیرفت. البته

ص: ۴۹

---

۱- احزاب: ۴۳.

۲- غافر: ۷.

۳- صافات: ۱۰۲.

پیش از آنکه جوانی مجرد در خانه دخترداری ساکن شود، مسأله ازدواج او را حل کرد و به موسی گفت: من تصمیم دارم یکی از دخترانم را به همسری تو درآورم: «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ» (۱).

در این ماجرا، پیشنهاد اقتصادی دختر، قبول پدر و پیشنهاد ازدواج پدر مطرح می شود و به قول معروف، به پیشگیری قبل از درمان و ایمنی قبل از کار نیز اشاره می گردد.

به طور کلی اگر انسان - به ویژه نسل نو - خود را در جامعه عزیز و شریف احساس کرد، به کارهای سبک نمی پردازند: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنِّهَا بِالْمَعْصِيَةِ» (۲).

و این يك مسأله طبیعی است؛ هیچ سرهنگ و سرتیپی با لباس فرم، حاضر نیست در ملأ عام به کارهای سبک دست بزند.

لذا بی جهت نیست که پیامبر اسلام ﷺ، حتی کودکان را با اسم صدا نمی زد؛ بلکه آنان را با کنیه (که در عرب نشانه تکریم است) مورد خطاب قرار می داد. به آنان سلام می کرد و حق آنان را پاس می داشت. مثلاً نوجوانی از پیامبر ﷺ، ظرف آبی را که پیامبر از آن نوشیده بود، درخواست کرد. در همین هنگام افراد بزرگتر نیز تقاضا کردند؛ ولی حضرت فرمود: باید نوبت آن نوجوان محفوظ بماند.

دیگر اینکه اگر کسی در جایی نشسته، نباید او را بلند کنیم و دیگران را در جای او بنشانیم. احترام افرادی که تازه به مجلس وارد شده اند، نباید سبب شود تا کرامت افراد نشسته را بشکنیم؛ هر چند آن شخص نشسته، کودک یا نوجوان باشد و آن شخص

ص: ۵۰

---

۱- . قصص: ۲۷.

۲- . غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۳۴.

### خاطره

در ایام عاشورا، شبی در مجلس مهم و پرجمعیتی بر منبر مشغول سخنرانی بودم. مسئولان منطقه وارد شدند. مسئول جلسه برای احترام به این افراد پای منبر آمد و نوجوانانی که آنجا نشسته بودند را بلند کرد و مسئولان را آنجا نشانده.

من با دیدن این صحنه احساس کردم کار اشتباهی انجام شده است؛ زیرا هیچ کس حق ندارد کسی را از جایی که نشسته بلند کند. سخن خود را روی منبر قطع کردم و گفتم: یک مسأله شرعی بگویم و بعد سخنم را ادامه بدهم. از مسئولان محترم برای شرکت در جلسه امام حسین  $\square$  تشکر می‌کنم، ولی چون مدیر هیئت، نوجوانان را با زور بلند کرد و شما را نشانده، باید اطلاع بدهم که این کار حرام و توهین به آنهاست. از شما تقاضا می‌کنم برخیزید و هر جایی که جا هست، بنشینید و از بچه‌ها خواستم که به جای خود برگردند. بچه‌ها با یک نشاط جدیدی پای منبر نشستند و به دلیل دفاع از حق طبیعی و شرعی شان، نوک انگشتان خود را بر لب گذاشته و می‌بوسیدند و از پای منبر این بوسه‌ها را به سمت من پرتاب می‌کردند!

### خاطره ای دیگر

مرحوم آیت الله قاضی، از عالمان سالمند دزفول، بر سر سفره‌ای کنار رهبر انقلاب، آیت الله خامنه‌ای نشسته بود. ظرف‌های غذا تقسیم شد و در هر ظرفی مقداری برنج و دو سیخ کباب بود. مرحوم قاضی نیمی از برنج و یک سیخ کباب را برداشت و فرمود: بقیه را به دیگران بدهید. به وی گفتند: اگر برنج را نمی‌خورید،



لااقل کبابش را بردارید. فرمود: مگر کسی که نصف دیگر برنج را می خورد، نیاز به کباب ندارد؟ این انصاف نیست که من کباب را بخورم و برنجش را برای دیگران بگذارم. این نوع توجه به دوری از خودخواهی و توجه به حقوق و تکریم دیگران که یک نوع ایثار است، فقط در سایه تربیت اسلامی پیدا می شود.

۹. توجه به نشاط و آمادگی مخاطب

در دعوت به نماز باید به آمادگی و نشاط مخاطب توجه کرد؛ زیرا حالت های انسان متفاوت است. بنابراین باید زمینه مناسب را فراهم کرد.

دعوت کننده باید بداند که گاهی قلب آمادگی روی آوردن به حق را دارد و گاهی این چنین نیست؛ بنابراین باید از حالت اشتیاق و اقبال استفاده کرد؛ زیرا در برخی حالات که آمادگی روحی وجود ندارد، اگر سخنی بر قلب تحمیل شود، آن را کور خواهد کرد: «إن القلب اذا اکره عمی» (۱).

در سیره پیامبر (ص) می خوانیم که وی در آغاز دعوت، یک مهمانی ترتیب داد و سران فامیل را دعوت کرد - تا پس از مهمانی که به طور طبیعی آمادگی و نشاط ایجاد می کند - نبوت خود را مطرح کند؛ ولی ابولهب با کلمات و حرکاتی فضای جلسه را تغییر داد و برای همین، پیامبر دعوت خود را به جلسه بعد موکول کرد.

برخی از افراد فقیر برای کمک گرفتن، کنار تالار عروسی می ایستند؛ آنجا که همه با لباس شیک و آرایش کرده و با دسته گل و کادو وارد سالن می شوند، حاضرند کمکی به افراد بی بضاعت داشته باشند. ولی اگر همین فقیر به جای تالار،

ص: ۵۲

مقابل دفتر طلاق بایستد، جایی که زن و شوهر با عصبانیت و نارضایتی ساعت های تلخی را سپری می کنند و تقاضای کمک کند، قطعاً چیزی بدست نخواهد آورد!

آری والدین نیز باید در دعوت فرزندان خود هم جدی باشند و هم به حالت های او توجه داشته باشند. پیامبر(ص) در این باره فرمود: «وای بر فرزندان آخرالزمان به خاطر پدرانشان!» سؤال شد: مگر پدرانشان مشرکند؟ فرمود: «نه، پدران با ایمانی هستند، ولی هیچ چیز از واجبات را به فرزندان خود نمی آموزند و

اگر خود فرزندان چیزی را فرا گیرند، از آنان جلوگیری می کنند! این پدران به مقدار کمی از دنیا که نصیب فرزندشان بشود، راضی هستند و من از آنها متنفرم».(۱)

ص: ۵۳





افرادی که وظیفه دعوت دیگران به دین و خصوصاً نماز را به عهده می گیرند، باید به خصایص و ویژگی هایی خود را آراسته کنند که مهمترین آنها عبارتند از موارد زیر:

### ۱. تواضع

کسانی که به کار خیر و نماز دعوت می کنند، باید در برابر مخاطب خود تواضع کامل داشته باشند: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ»؛ (۱)

باید زندگی آنها عادی باشد: «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ»؛ (۲)

و «يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ»؛ (۳)

هدفشان نباید برتری طلبی نباشد: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ (۴)

### ۲. شرح صدر و اخلاق نیک

دعوت کننده به کار خیر باید دارای سعه صدر و اخلاق عالی باشند: «وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ (۵)

اصولاً قرآن علت گرد آمدن مردم در اطراف پیامبر را اخلاق نیک و مهربانی حضرت می داند: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»؛ (۶)

### ۳. خوش نامی

دعوت کننده باید در جامعه خوش سابقه و بدون حاشیه باشد:

ص: ۵۶

---

۱- . حجر: ۸۸

۲- . فصلت: ۶

۳- . فرقان: ۷

۴- . قصص: ۸۳

۵- . قلم: ۴

۶- . آل عمران: ۱۵۹

«فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ»؛ (۱)

در دعوت به نماز و هر کار خیر دیگر، محبوبیت فرد نقش مهمی دارد.

در واقع یکی از علل تأثیر سخنان پیامبر در مردم آن روزگار نیز همین خوش نامی ایشان بود که مردم او را «محمد امین» نامیده بودند.

قرآن می فرماید: از مردم زکات بگیر و به آنان درود فرست، زیرا درود شخص تو برای آنان آرامش بخش است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» (۲).

در ماجرای تنظیم اسناد تجاری نیز قرآن می فرماید: گواهانی را که از آنها راضی هستید، گواه بگیرید «مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ» (۳) یا در جای دیگر می فرماید: حتی مخالفین به پیامبران می گفتند: ما به تو دل بسته بودیم: «قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا» (۴).

۱. معلومات و دانش کافی

هر کاری نیاز به علم مخصوص دارد و دعوت به حق نیز این گونه است:

– دعوت باید همراه با حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن باشد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ (۵)

– دعوت به نماز و هر کار الهی دیگر باید بر اساس بصیرت باشد:

ص: ۵۷

۱- . یونس: ۱۶.

۲- . توبه: ۱۰۳.

۳- . بقره: ۲۸۲.

۴- . هود: ۶۲.

۵- . نحل: ۱۲۵.

«أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ»؛ (۱)

- در دعوت باید به بهترین بیان و با متانت سخن بگویند: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ (۲)

- باید از راه های حقی که اولیای خدا رفته اند، پیروی کرد و به اسم ابتکار و نوآوری و... وقار و متانت خود و نیز سنت های خوب دیگران را از بین نبریم؛

- در نهایت، دعوت باید طبق اخلاق و ادبیات و فرهنگ مخاطب باشد: «بِلِسَانٍ قَوْمِهِ»؛ (۳)

۲. بیان روان

همین که خداوند متعال به حضرت موسی (ع) فرمود که برای دعوت به سراغ فرعون برود، ایشان دو مطلب را از خداوند خواستند که یکی باز شدن لکنت زبانش بود: «وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي»؛ (۴)

و دیگری اینکه برادرش که از او خوش زبان تر بود نیز همراهش گردد.

آری! کسانی که مسئول دعوت به نماز یا آموزش آن هستند، باید سعی کنند این سخن ها را به گونه ای بگویند که هم عوام آنها را بفهمند و هم خواص آنها را پسندند.

بعضی بیان روانی دارند، به گونه ای که همه مردم آن را می فهمند؛ ولی کلامشان همراه با علم و عقل و منطق نیست؛ یعنی خواص، آن

ص: ۵۸

۱- . یوسف: ۱۰۸.

۲- . اسراء: ۵۳.

۳- . ابراهیم: ۴.

۴- . طه: ۲۷ و ۲۸.

بیان را نمی پسندند و رد می کنند. برخی دیگر کلامشان علمی و منطقی است ولی روان گو نیستند؛ یعنی خواص آن را می... پسندند، ولی عوام آن را نمی فهمند.

استاد و معلم و روحانی باید آن گونه بگویند که هم عوام بفهمد و هم خواص بیسندد؛ یعنی هم با استدلال باشد و هم روان و قابل فهم برای همه گفته شود.

## ۱. اخلاص

اخلاص در دعوت یعنی:

- دعوت او بدون چشم داشت و امکانات و تجملات دیگران باشد: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ»؛ (۱)

- هیچ گونه توقع پاداش و تشکری از مخاطب نداشته باشند: «لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»؛ (۲)

- دعوت کننده باید دقت کند که دعوت او فقط برای خدا باشد و از هیچ کس نترسد: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (۳)

و سرزنش این و آن در او اثر نکند: «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (۴)

## ۲. دل سوزی

دعوت کننده به نماز باید مانند پیامبر اسلام سوز و شور ویژه ای داشته باشد: «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ»؛ (۵)

خداوند متعال می فرماید: سختی و رنج شما بر پیامبر بسیار گران است: «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»؛ (۶)

ص: ۵۹

---

۱- . حجر: ۸۸

۲- . انسان: ۹

۳- . احزاب: ۳۹

۴- . مائده: ۵۴

۵- . توبه: ۱۲۸

۶- . توبه: ۱۲۸



تذکر هم باید مانند پیامبر، از روی سوز باشد.

۳. شروع از خود و اطرافیان

لازم است که دعوت کننده، خود به آنچه دعوت می کند، عامل باشد: «وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ»؛ (۱)

همچنین از خویشان و اطرافیان شروع کند: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (۲) و «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» (۳)

۱. صبر و استقامت

دعوت کننده باید بداند که کار او نیاز به صبر و تحمل دارد و او باید صبر کند: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»؛ (۴)

او باید پیش بینی آن را بکند که در جامعه افراد لجوجی هم هستند که در مقابل تمام دعوت ها و تبلیغات و استدلال ها، جز لجبازی عکس العملی از خود نشان نمی دهند: «فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا» (۵)

۲. ایمان به کار

باید دعوت کنندگان به آنچه مردم را بدان دعوت می کنند، ایمان داشته باشند: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» (۶)

۳. زبان مناسب و صلابت در گفتار

دعوت کننده باید ضمن خوش اخلاقی، صلابت و قاطعیت داشته

ص: ۶۰

---

۱- . هود: ۸۸

۲- . شعراء: ۲۱۴

۳- . تحریم: ۶

۴- . احقاف: ۳۵

۵- . نوح: ۶

۶- . بقره: ۲۸۵

باشد و نباید از هوس های مردم پیروی کند: «وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» (۱).

نباید دعوت و تبلیغ، ما را به مرز ناز کشیدن و باج دادن بکشد؛ چراکه اگر همه مردم زمین کافر شوند، ذره ای در ذات مقدس الهی اثری ندارد: «إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَعَنِي حَمِيدًا» (۲).

گاهی افرادی که مردم را به حق دعوت می کنند، باید با قدرت، موانع سر راه خود را بردارند. در قرآن کریم، نمونه هایی به چشم می خورد که مردان خدا با قدرت و قاطعیت موانع راه خدا را در هم می شکستند:

۱. این ابراهیم (ع) بود که اول، با سوگند وعده شکستن بت ها را داد: «وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ» (۳)

و بعداً به این وعده وفا کرد: «فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا» (۴).

حضرت

موسی (ع) گفت: قطعاً گوساله سامری را آتش می زنم (لنحرقنه) و خاکسترش را به

دریا می ریزم: «لَنَحْرِقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (۵).

پیامبر (ص)

مسجد ضرار را که با نقشه منافقین برای ایجاد تفرقه بین مسلمین و کمین گاه

دشمنان خارجی بود، تخریب کرد.

بنابر این باید دقت کرد که نرمی در جای خود و خشونت نیز در جای خود لازم است.

در دعای افتتاح می خوانیم: خدایا! در جایی که جای عفو است،

ص: ۶۱

---

۱- . شوری: ۱۵.

۲- . ابراهیم: ۸.

۳- . انبیاء: ۵۷.

۴- . انبیاء: ۵۸.

۵- . طه: ۹۷.

تو ارحم الراحمین هستی، و جایی که جای عقوبت و مؤاخذه است، تو سخت ترین عقوبت کننده ای: «أَنْتَ أَزْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعُقُوبِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقْمَةِ» (۱).

اصولاً- باید به مردم هم پیام رحمت و نرمی داد: «تَبَيَّنَ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (۲) و در عین حال باید از اهرم تهدید هم استفاده کرد: «وَأَنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (۳).

### نکات تکمیلی

- دعوت کننده باید از پاسخ دادن به سؤال هایی که جوابش فتنه انگیز است، دوری کند: «قَالَ عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي» (۴) توضیح آنکه فرعون از موسی □ پرسید: نیاکان ما در چه حالند؟ می خواست موسی بگوید آنها منحرف و در دوزخند و با این حرف، عواطف مردم را تحریک کرده و مردم را علیه ایشان بشورانند. حضرت موسی □ هم فرمود: علم نیاکان نزد خداست!

- دعوت کننده نباید برخورد دوگانه داشته باشد؛ برای مثال اگر مخاطبش ثروتمند است به او توجه کند: «فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى» (۵)؛ اما اگر مخاطبش فقیر است به او بی اعتنایی کند: «فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى» (۶).

- دعوت کننده نباید زحمات دیگران را نادیده بگیرد؛ بلکه به

ص: ۶۲

---

۱- . مصباح المتعبد، ج ۲، ص ۵۷۸.

۲- . حجر: ۴۹.

۳- . ابراهیم: ۷.

۴- . طه: ۵۲.

۵- . عبس: ۶.

۶- . عبس: ۱۰.

پیشکسوتان و کار آنها اجر نهد. «وَمِنْ قَلِيلٍ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً» (۱).

- باید از غلو و افراط جلوگیری کند: «لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ» (۲).

- مبلغ باید بداند که گاهی برای پیشرفت بیشتر و بهتر کار خود، باید از افراد فرهیخته دیگر نیز کمک بگیرد و به طور شریکی کار کند: «وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي»؛ (۳)

البته اگر کسی را نیافت، از تنهایی خسته نشود.

- در شیوه تبلیغ، مبلغ و دعوت کننده باید بداند که اگر تبلیغ او بر اساس هوی و هوس نباشد، در راه خود هیچ انحرافی نداشته باشد، به منحرفین و افراد بد نام تکیه نکند، مخاطب خود را بشناسد، با مشکلات او آشنا شود و سلیقه لازم را داشته باشد، توفیق عمیق، سریع و گسترده ای خواهد داشت.

- دعوت کننده باید بداند که زحمات او هدر نمی رود و خدا کارش را ضایع نمی کند: «لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى»؛ (۴)

همچنین همه جنبنده های زمین، ماهیان دریا و هر کوچک و بزرگ زمین و آسمان نیز برای او استغفار می کنند: «مُعَلِّمِ الْخَيْرِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ وَحَيْثَانُ الْبُحُورِ وَكُلُّ صَغِيرَةٍ وَكَبِيرَةٍ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَسَمَائِهِ» (۵).

- دعوت کننده باید زمان شناس باشد، زیرا حضرت علی ع می فرماید: کسی که میوه را قبل از رسیدنش بچیند، مانند کسی

ص: ۶۳

۱- . احقاف: ۱۲.

۲- . مائده: ۷۷.

۳- . طه: ۳۲.

۴- . آل عمران: ۱۹۵.

۵- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۳۱.

است که در زمین شخص دیگری کشت کرده باشد!<sup>(۱)</sup>

همان گونه که قرار موسی با ساحران در روز تعطیل و آن هم در زمان چاشت بود: «مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْتِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى»<sup>(۲)</sup>

و همان گونه که حضرت یوسف در زندان، همین که نیاز زندانیان به علم خود را دید، آنان را به توحید دعوت کرد.

- دعوت کننده باید بداند که اگر بتواند حق را بگوید ولی این کار را انجام ندهد، از زیان کارترین مردم خواهد شد: «أَخْسِرُ النَّاسِ مَنْ قَدَرَ عَلَى أَنْ يَقُولَ الْحَقَّ وَلَمْ يَقُلْ»<sup>(۳)</sup>

ص: ۶۴

---

۱- ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام)، ج ۱، ص ۵۸.

۲- طه: ۵۹.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۰۵.

## فصل چهارم: گام های مهم پیش از دعوت

ص: ۶۵

قبل از شروع به دعوت لازم است که چند گام اساسی نسبت مخاطب برداریم؛ چرا که اینها زیر بنای دعوت به هر کار خیری است. در اینجا به سه گام مهم، به صورت مختصر اشاره می کنیم:

### گام اول: تحکیم مبانی اعتقادی

از قدیم گفته اند: «از کوزه همان برون تراود که در اوست». قرآن نیز مبانی اعتقادی را ریشه اخلاق و رفتار می داند. به عنوان مثال به نمونه های زیر توجه کنید:

قرآن وقتی می خواهد بگوید که برای عزت، سراغ غیر خدا نروید، ریشه این حرف را این طور بیان می کند: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (۱).

می فرماید: قدرت پایدار را قدرت الهی بدانید؛ ریشه این فکر، عقیده به این آیه است: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (۲).

می فرماید: ریشه تدبیر را قدرت خدا بدانید، زیرا: «فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا» (۳).

به کم فروشان می فرماید: چرا در مال مردم کوتاهی می کنید: «أَلَا يَظُنُّ أَوْلِيكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ \* لِيَوْمٍ عَظِيمٍ» (۴).

آری؛ اگر بدانیم که این خانه صاحب و حسابی دارد (مبدأ و معادی دارد) و تمام هستی و اعضای بدن و فرشتگان و اولیای خدا همه بر کار ما نظاره گر هستند، رفتار و گفتارمان را اصلاح خواهیم کرد. لذا در آیات بسیاری از قرآن، قبل از مسأله نماز، خداوند به مسأله ایمان به مبدأ و معاد اشاره کرده است. لقمان هم قبل از توصیه نماز به فرزندش، به مسأله توحید و معاد اشاره می کند. (۵)

در خود نماز و در

ص: ۶۶

---

۱- . یونس: ۶۵.

۲- . بقره: ۱۶۵.

۳- . رعد: ۴۲.

۴- . مطففین: ۴ و ۵.

۵- . لقمان: ۱۳-۱۷.

سوره حمد، اول با خدا و صفات او آشنا می شویم (رحمن، رحیم، رب العالمین، مالک يوم الدين) و بعد می گوییم: این چنین خدایی شایسته پرستش و یاری جویی است: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (۱)

همان گونه که رانندگان در مسیر راه اگر بدانند که زیر نظر دوربین های پلیس هستند، حتماً در رانندگی خود بیشتر رعایت خواهند کرد، همین گونه اگر کسی بداند و باور کند که ترک نماز چه عواقب خطرناکی به هنگام مرگ و برزخ و قیامت او خواهد داشت، اهل نماز خواهد شد.

اگر باور کنیم که کل هستی در حال سجده (وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)، (۲)

تسبیح (يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) (۳) و قنوتند (كُلُّ لَه قَانِتُونَ) (۴)

به خود اجازه نخواهیم داد که در این هستی وصله ناهم جنس باشیم!

همان گونه که وقتی می دانیم که همه مردم در کوچه و خیابان با لباس هستند، به خود اجازه نخواهیم داد که بدون لباس وارد خیابان شویم!

قرآن به ما می آموزد که قبل از دعوت دیگران به نماز، به تقویت اعتقاد به مبدأ و معاد پردازیم. قرآن می فرماید اگر می خواهید مردم نسبت به نماز سرسنگین نباشند، آنها را با قیامت آشنا کنید: «وَأَسِئْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ \* الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». (۵)

ص: ۶۷

---

۱- حمد: ۵.

۲- رعد: ۱۵.

۳- تغابن: ۱؛ جمعه: ۱.

۴- روم: ۲۶؛ بقره: ۱۱۲.

۵- بقره: ۴۵ و ۴۶.



گام دوم: شناخت علل سستی و کاهلی نسبت به نماز

برای اینکه دعوت مؤثر و مفیدی داشته باشیم، لازم است علت نماز گریزی و سستی مخاطب خودمان را نسبت به نماز بدانیم تا از همان دریچه به درمان این مشکل و دعوت به نماز بپردازیم.

علل سستی و کاهلی در نماز

#### ۱. عدم شناخت

ما اگر شخصی را شناسیم، نسبت به او برخورد و ادب و تواضع نخواهیم داشت؛ ولی اگر بدانیم که او دانشمندی عزیز و مبتکر و مخترعی است که افتخارات زیادی دارد، حتماً نسبت به او علاقمند می شویم.

حال اگر بدانیم:

- نماز یعنی خدایی شدن؛

- نماز یعنی اتصال بی نهایت کوچک با بی نهایت بزرگ؛

- نماز کلید نجات از قهر خداست؛

- تمام کمالات در نماز نهفته شده و یک کارخانه آدم سازی است؛

آنگاه ممکن نیست که نسبت به نماز کوتاهی کنیم.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: بهترین چیزی که خدا وضع کرده نماز است: «الصَّلَاةُ... خَيْرُ مَوْضُوعٍ» (۱).

#### ۲. تفکیک نکردن مسائل و توقعات نابجا

بعضی فکر می کنند که اگر حکومت اسلامی برقرار شد، همه مردم عادل می شوند؛ یا اگر کسی وارد حوزه و دانشگاه شد، معصوم

ص: ۶۸

می شود؛ و یا اگر کسی اهل نماز شد باید در همه چیز برتر باشد. براساس این خیال، برای آنها سؤالاتی مطرح است. از جمله:

- چرا نمازگزاران در صنعت و تکنولوژی عقبند؟

- چرا خود را برتر از دیگران می دانند؟

- چرا فلان نمازگزار به قول خود وفا نکرد؟

- چرا در همسرداری و اقتصاد و سیاست لغزش هایی دارند؟

و این به خاطر آن است که تصور می کنند با خوردن یک میوه، باید همه مزه ها را بچشند! غافل از آنکه بهره گیری از مزه هایی مختلف نیاز به بهره گیری از میوه های گوناگون دارد.

اگر راننده ای موتور ماشین را تنظیم کرد، ولی چرخ ماشینش پنچر باشد، این ماشین حرکت نمی کند؛ قرآنی که می فرماید: «وَاعْبُدُوا»، (۱)

در کنارش می فرماید: «وَاعْلَمُوا»، (۲)

یعنی هم تحصیل و هم عبادت. چون اگر کسی عبادت کرد ولی تحصیل نداشت، این مانند همین راننده می شود. اسلام صدها دستور برای تحصیل، بهداشت، اقتصاد، معاشرت و سیاست بیان کرده که اگر نمازگزاران از آن دستورات پیروی کنند، جامعه آنان جامعه ای سالم و کامل خواهد شد. بنابراین ضعف مسلمین به خاطر نماز آنان نیست؛ بلکه به خاطر بی اعتنایی به باقی دستورات است. لذا در چند جای قرآن نمازگزار واقعی کسانی معرفی شده اند که «شجاع، وفادار، صبور، دلسوز، عقیف، اهل انفاق و خمس و زکات» باشند.

ص: ۶۹

---

۱- . نساء: ۳۶.

۲- . بقره: ۱۹۴.

گاهی دلیل سنگینی نماز به خاطر جهل به قرائت نماز، احکام نماز، آثار نماز، اهمیت نماز و عواقب سستی و ترک نماز است، که این نقص باید از طریق والدین، مربیان، معلمان، کتاب‌ها، نوارها، حوزه‌ها، کلاس‌ها و صدا و سیما و مساجد، هنرمندانه برطرف شود.

#### ۴. تنبلی و تن پروری

گاهی افرادی ایمان دارند، ولی به دلیل تنبلی و تن پروری نماز را رها می‌کنند که این تن پروری در هر کاری عامل رکورد سقوط است. در بعضی از دعاها تن پروری اولین عیب شمرده شده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ»<sup>(۱)</sup>

این تن پروری را می‌توان با دوستی با افراد علاقمند و جاذبه‌های مختلف، و حتی با نذر و عهد و قسم و جریمه خود، از بین برد. اگر ما بدانیم تنبلی و تن پروری در رسیدن به هواپیما سبب می‌شود که ما به مقصد نرسیم، هرگز در راه رسیدن به فرودگاه از خود کسالت نشان نمی‌دهیم. اگر بدانیم تن پروری ما را از برکات زیادی باز می‌دارد، حتماً به آن کارها اهتمام می‌ورزیم.

#### حکایت

شخصی را دیدند که با نعره می‌گوید: تو نگذاشتی من به فلان پست برسم... تو نگذاشتی من به فلان درجه برسم... تو نگذاشتی من به فلان جا و فلان جا برسم...

در ابتدا خیال کردند که بر سر کسی فریاد می‌زند؛ ولی وقتی آمدند، دیدند نه مخاطبی حاضر است و نه با تلفن صحبت

ص: ۷۰

می کند! پرسیدند: این نعره ها را بر سر چه کسی می زنی؟! گفت: این نعره ها را بر سر تن پروری و تنبلی خودم می زنم!

۵. احساس ناامیدی

قرآن گناهان را به دو دسته تقسیم کرده (کبیره و صغیره) و فرموده: «اگر از گناهان کبیره دوری کنید، گناهان صغیره را می بخشیم».(۱)

از طرفی هم به گفته روایات، اولین گناه کبیره «یأس از رحمت خدا» می باشد.

افرادی هستند که به خاطر بعضی از گناهان احساس یأس می کنند و با خود می گویند: تو که فلان گناه را کردی دیگر نماز بخوانی یا نخوانی چه فرقی می کند؟ ولی قرآن می فرماید: «هرگاه گرفتار گناهی شدید، سریع نماز بخوانید تا نماز آثار شوم گناه را برطرف کند».(۲)

البته باید این را نیز بدانیم که در روایات، یکی از بدترین گناهان، ترک نماز معرفی شده است.

۶. بی انگیزگی و طفره رفتن

گاهی افراد در کار خیر عزم و تصمیم ندارند و از انجام طفره می روند. قرآن می فرماید که در قیامت دوزخیان به بهشتیان می گویند: به ما نظری کنید تا از نور شما بهره بگیریم: «انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ».(۳)

آنان جواب می دهند: باید به دنیا برگردید و از آنجا نور بیاورید. دوزخیان می گویند: مگر ما با هم و در یک منطقه و شغل نبودیم؟! آنان می گویند: چرا، ولی شما طفره

ص: ۷۱

---

۱- . نساء: ۳۱.

۲- . عنكبوت: ۴۵.

۳- . حدید: ۱۳.

می رفتید: «تَرَبَّصْتُكُمْ» (۱).

با اینکه حج بر شما واجب بود، آن را به تأخیر می انداختید؛ نماز را به تأخیر می انداختید؛ خمس و زکات را به تأخیر می انداختید...

طرفه رفتن، خطر بزرگی برای انسان است. چه انسان هایی که گناه را فوری انجام می دهند، ولی توبه و عذرخواهی از آن را به دوران پیری و سالمندی موکول می کنند. گاهی هم قبل از آنکه سالمند شوند، از دنیا می روند!

انسان باید در کار خیر عجله کند. در اذان نماز، بارها کلمه عجله به کار رفته است. «حی علی الصلاه» یعنی بشتابید به سوی نماز.

رئیس جمهور شهید ما می گفت: به نماز نگویند کار دارم و آن را به تأخیر اندازید؛ به کارها بگویید نماز دارم و آنها را رها کنید!

در ذیل آیه «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ» (۲)

می خوانیم که این تجلیل و ستایش برای کسانی است که با شنیدن صدای اذان، کسب و کار را رها می کنند و برای نماز به مسجد می روند.

۷. عقده و لجاجت

گاهی بی اعتنایی به نماز به خاطر انتقام گرفتن از والدین و مسئولین و حتی از خداوند است! او آرزویی دارد که به آن نرسیده و از سر انتقام، نماز را رها می کند. غافل از آنکه باید باور کنیم که خداوند، مولای حکیم و مهربان ماست و بسیاری از آرزوهای ما برخاسته از هوس ها و خیال هاست. هر انسانی صدها و هزاران بار پیشمان می شود و این پشیمانی حاکی از آنست که خواسته ها و

ص: ۷۲

---

۱- حدید: ۱۴.

۲- نور: ۳۷.

خیال های ما حکیمانه نیست.

شنیدم که دختری می گفت: چون من زیبا نیستم و خواستگار ندارم، پس نماز نمی خوانم!

حضرت امیر(ع) پاسخ این گونه سؤال ها و اشکالات را چنین می فرماید که گاهی خداوند یک نعمت را می دهد، ولی در کنارش نعمتی را می گیرد؛ مثلاً:

- قد انسان بلند است و همت او کوتاه: «مَادُّ الْقَامَةِ قَصِيرُ الْهَمِّ»؛<sup>(۱)</sup>

- فردی بیان روانی دارد، ولی سنگ دل است: «طَلِيقُ اللِّسَانِ حَدِيدُ الْجَنَانِ»؛<sup>(۲)</sup>

- خداوند در کنار گشایش، تنگنا را قرار داده: «فَرَنْ بِسَعَتِهَا عَقَابِيلَ فَاقْتَهَا»؛<sup>(۳)</sup>

آری در کنار قله ها دره هاست؛ اگر لیمویی را شیرین آفرید، بعد از چند ثانیه تلخ می شود؛ ولی اگر لیمویی را ترش آفرید، این ترشی سال ها ماندگار است! ممکن است دختری زیبا باشد و خواستگار داشته باشد، ولی عمرش طولانی نباشد و یا مشکلات دیگری برای او وجود داشته باشد.

ممکن است کسی در رشته ای نابغه باشد، ولی در رشته های دیگر از متوسط هم ضعیف تر باشد. داروین در دو رشته علوم پزشکی و علوم دینی مسیحیت شکست خورد، ولی با تغییر رشته، صاحب نظریه شد.

در حدیثی می خوانیم که اگر در رشته ای تجاری شکست خوردید، خود را در همه رشته ها شکست خورده نپندارید؛ بلکه نوع کار

ص: ۷۳

---

۱- . نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴.

۲- . همان.

۳- . همان، خطبه ۹۱.

خود را تغییر دهید تا راز موفقیت را در رشته های دیگر به دست آورید.

گاهی افراد از همسر خود ناراحت هستند و از او راضی نیستند؛ قرآن در جواب آنها می فرماید: چه بسا از چیزی ناراحت باشید، ولی در آن خیر کثیر به شما داده شود: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (۱).

یا در جای دیگر به صورت قاعده کلی می فرماید: چه بسا از چیزی خوشتان نیاید و آن چیز به نفع شما باشد و چیزی را دوست داشته باشید، درحالی که به ضررتان باشد: «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (۲).

بنابراین ما باید نسبت به تدبیر خدا تسلیم و بلکه راضی باشیم و بدانیم که اگر در جایی به نظر ما نقص و کمبودی هست، همراه با حکمت و لطف از طرف اوست و خداوند مهربان، ضعف ها را خیلی فوری، یا با تأخیر، یا با بهره گیری نسل یا بهره گیری در قیامت جبران می فرماید. زیرا یکی از اسامی خداوند «جبار» است؛ یعنی جبران می کند. ما نباید به خاطر مسأله ای که آن را نمی پسندیم، از محبت و راه خدا و گفتگوی با او از طریق نماز و دعا دست برداریم.

۸. خجالت نابجا

بعضی از افراد محیط زده می شوند؛ مثلاً در سفر خارجی و یا بعضی مهمانی های داخلی، جرئت اینکه به تنهایی نماز بخوانند را ندارند؛ ولی اگر جمعی نمازگزار پیدا شوند، به آنها ملحق می شود.

ص: ۷۴

۱- . نساء: ۱۹.

۲- . بقره: ۲۱۶.

در حالی که در حدیث می خوانیم: مثال کسی که در میان غافلین خدا را یاد کند (و مثلاً به تنهایی برای نماز قیام کند) مانند درخت سبزی در کویر خشک (با ارزش) است.

خاطره

یک بار در کشور اندونزی خانمی را دیدم که ناگهان به ساعت و آسمان نگاه کرد و متوجه شد که نمازش را فراموش کرده است. فوری از کیف خود پارچه ای را بیرون آورد و روی زمین پهن کرد و به نماز ایستاد و به اطراف خود توجه هم نکرد!

یکی از اشکالات ما آنست که گاهی حیای نابجا داریم. چیزی را نمی دانیم و از پرسیدن خجالت می کشیم؛ مطلبی را نمی دانیم و شهادت گفتن «نمی دانم» را نداریم؛ کاری را درست می دانیم، ولی از انجام آن به خاطر نگاه دیگران می ترسیم. (۱)

۹. دوستان ناباب

یکی از بسترهای غفلت از نماز، دوستان ناباب هستند. قرآن فلسفه نماز را یاد خدا «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (۲)

بیان می کند و در جای دیگر در مورد دوست ناباب از قول انسان گنهکار می فرماید: او مرا از یاد خدا گمراه کرد: «لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ» (۳)

۱۰. تحریفات و تبلیغات ضد دینی

امروز اگر هزاران فرمول علمی در آمریکا و غرب وجود داشته باشد، یکی از آنها را برای ما از طریق ماهواره ها ارسال نمی کنند

ص: ۷۵

---

۱- برای مطالعه بیشتر در این خصوص، رک: فصل دوم: اصول و قواعد کلی در دعوت به نماز، قسمت: ۴- تقویت جرأت.

۲- طه: ۱۴.

۳- فرقان: ۲۹.



؛ ولی دنیای فاسد غرب حاضر است برای انحراف نسل نو، انواع فیلم های مخرب را ارسال کند. اگر کسی یک لحظه توجه کند، دشمنی دنیا را با اسلام و نسل مؤمن به روشنی درک می کند. آنها نسبت به آنچه مربوط به رشد علمی است، بخل می کنند ولی نسبت به آنچه مایه غفلت مردم است، سرمایه گزاری می کنند.

مستکبران در گذشته نیز با تمسخر و به بازی گرفتن دین و نماز، سعی در گمراه کردن مردم داشتند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ ۗ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ \* وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَ لَعِبًا» (۱)

گام سوم: پاسخ به سؤالات و شبهات

از گام های دیگری که لازم است قبل از دعوت مخاطب به نماز برداریم، پاسخ به سؤالات و شبهات می باشد.

برای هر انسانی انواع شبهات وجود دارد؛ به ویژه در این زمانه که انواع سایت ها و ماهواره ها با ابزار هنری و بودجه های سرسام آور، با کینه ای که از اسلام دارند، برای تضعیف عقاید و افکار مردم متحد شده اند.

در این عصر مسجد باید از اکتفا کردن به نماز جماعت خارج شود و دانشمندان مؤمن هر منطقه، مسجد را قلعه حفاظتی افکار نسل نو قرار دهند تا هر شبهه ای که به ذهن کسی آمد، با شرکت در مسجد بتوانند شبهه خود را برطرف کنند. در این صورت، مسجد یک مرکز فرهنگی، نجات دهنده، آرام بخش و سپری در برابر شبهات خواهد بود.

ص: ۷۶

بدیهی است که این امور تنها به وسیله امام جماعت، خادم و هیئت امناء حل نمی شود؛ بلکه باید تمام دستگاه های فرهنگی مانند دانشگاه، آموزش و پرورش، اوقاف، ارشاد، سازمان تبلیغات، دفتر تبلیغات، امور مساجد، صدا و سیما، ائمه جمعه، فرمانداران و استانداران تدبیری بیاندیشند. ابتدا خود امامان جماعت مساجد باید شبها و پاسخی ها را از افراد دانشمند فرا گیرند تا بتوانند در مسجد به وظیفه خود عمل کنند. هزینه های این برنامه ها را هم دولت و مردم و سازمان های فرهنگی باید مخلصانه تأمین کنند.

به راستی مساجد، با سابقه بسیار طولانی و کاربرد بسیار قوی - که نمونه آن را در بسیج مردم از مساجد به جبهه ها، گرفتن آراء مردم به هنگام انتخابات و کمک رسانی به سیل زده ها و زلزله زده ها مشاهده کرده ایم - می توانند با یک مدیریت قوی و ارتباط مسجد با تک تک خانه ها، همه نوع شبها فکری، علمی و اخلاقی، به ویژه سؤالات و چارهایی که نسبت به نماز وجود دارد را پاسخ دهد.





برای ورود به هر کاری، لازم است با شیوه‌ها و روش‌های ورود به آن آشنا شویم تا هم زود به مقصد برسیم و هم درست به نتیجه مطلوب دست یابیم. دعوت به نماز نیز کاری است که از شیوه‌ها و روش‌های خاصی برخوردار است که مهمترین آنها عبارتند از:

#### ۱. برانگیختن احساسات با شمارش نعمت‌ها

اولین مایه برای دعوت به نماز، استفاده از احساسات و فطرت است. در انسان احساساتی وجود دارد که اگر بیدار شوند، انسان به سمت تشکر از خدا می‌رود. ما نیز باید این سرمایه احساس و وجدان را زنده نگه داریم و هر جا غبار غفلت روی آن را گرفت، با تذکر و موعظه آن را برطرف کنیم.

در تلویزیون کلبی از پدر پیری که با جوانش برای تفریح به بوستانی رفته بودند، نشان داد. پیرمرد هر چند دقیقه یکبار از فرزندش می‌پرسید: این پرنده کوچک چیست؟ بار اول جوان گفت: گنجشک است. دفعه دوم که پدر سؤالش را تکرار کرد، جوان با کمی ناراحتی گفت: گنجشک است. اما بار سوم که سوال پدر تکرار شد، جوان با عصبانیت بر سر پدر فریاد کشید و گفت: گفتم که، گنجشک است. پدر از پسرش خواست دفترچه خاطراتش را بیاورد. بخشی را که مربوط به جوانی خودش و کودکی این جوان بود، باز کرد و از پس خواست که بلند بخواند. در آن نوشته شده بود که من جوان بودم و فرزندم که کودک بود در همین بوستان ده‌ها بار از من پرسید «نام این پرنده چیست؟» و من هر بار با کلمات «جانم، عزیزم، قربانت بگردم» جواب دادم: گنجشک است! جوان شرمنده شد و پدر را در آغوش

گرفت، بوسید و از او عذر خواهی کرد...

بهترین راه برای زنده کردن احساسات انسان‌ها نسبت به خدا، توجه به نعمت‌هاست؛ همان‌گونه که این پیرمرد جوانش را با بیان محبت‌های گذشته خود بر سر شور و شعور آورد و وجدان خفته او را بیدار کرد.

ما برای اینکه رابطه خود را با خدا تقویت کنیم، باید با نعمت‌های خدا را بازگو کنیم؛ نعمت‌های پیدا مثل زمین، آسمان، گیاه، باران، خورشید، ماه، دریا، عقل، علم، چشم، گوش، قلب و همچنین با توجه دادن به نعمت‌های ناپیدا مثل نعمت حکمت و هدایت، گرایش به خوبی‌ها، تنفر از بدی‌ها، دوست داشتن اولیای خدا، تنفر از ستمگران، وجود انگیزه و علاقه نسبت به کارهای خیر، وجود رهبران معصوم از یک سو و ضمناً تداوم این نعمت‌ها از سوی دیگر. اینها توجه و معرفت انسان را نسبت به خدا معطوف و محبت خدا و اطاعت از خدا را در انسان شکوفا می‌کند.

تلخی‌ها هم خود نعمت هستند

باید دانست که بسیاری از تلخی‌ها و ناگواری‌ها که در ظاهر عذاب به حساب می‌آیند، در باطن نعمت هستند؛ زیرا انسان را از خواب غفلت بیدار می‌کنند و قدر نعمت‌ها را به او می‌چشانند؛ مثلاً اگر مقداری از جاده خراب باشد، همین که به جاده آسفالت برسیم، قدر آن را بهتر می‌شناسیم.

فلسفه سختی‌ها و تلخی‌ها

وجود سختی‌ها و تلخی‌ها دلایل و فوایدی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- رابطه انسان را با خدا زیاد می کند؛

- وجدان مردم را بیدار و حس تعاون را در آنها شکوفا می کند؛

- انسان را به فکر چاره جویی می اندازد و هزاران اختراع و ابتکار در همین چاره جویی به دست می آید؛

- عقل و تجربه انسان را بالا می برد؛

- غرور و غفلتی که بر اثر رفاه به وجود آمده را از بین می برد؛

- کفاره لغزش ها و گناهان انسان می شود؛

- قدر نعمت ها بیشتر و بهتر شناخته می شود و حس شکرگزاری بیدار می شود. اگر بخواهیم قدر نعمت ها را بهتر بشناسیم، باید در ذهن خود نبود آنها را تجسم کنیم. به این مثال ها توجه کنید:

قدر حافظه زمانی معلوم می شود که انسان حافظه خود را از دست بدهد؛ تا آنجا که حتی اسم خودش را فراموش کند!

اگر حرکت زمین به دور خود متوقف شود، برای بخشی از مردم، روز همیشگی است و برای بخشی دیگر شب؛ و این زندگی برای هر دو گروه طاقت فرسا خواهد شد؛

اگر آب به عمق زمین فرو برود، انسان بیچاره خواهد شد؛

اگر فاصله خورشید با ما چند کیلومتر نزدیکتر یا دورتر می شد، یا بر اثر حرارت می سوختیم و یا بر اثر سرما یخ می زدیم؛

اگر گیاهان دی اکسید کربن هوا را به اکسیژن تبدیل نمی کردند، تنفس برای ما مشکل می شد؛

اگر خواب ما همراه با غلتیدن نبود، یک شبه همه مردم نیمه فلج می شدند؛

اگر آب دهان ما تلخ بود، یا به اندازه کافی تولید تولید نمی شد، زندگی و صحبت سخت می شد؛

اگر ابرو نداشتیم، نور خورشید چشم را از بین می برد؛

اگر اشک ما شور نبود و یا چشم ما در گودی قرار نمی گرفت، برای چشم ما مشکلات بسیاری به وجود می آمد؛

اگر نوزاد مکیدن بلد نبود، همه نوزادان از گرسنگی می مردند؛

اگر کمی پوست اضافه روی انگشتان نبود، قدرت خم کردن آنها را نداشتیم و کاری نمی شد کرد؛

اگر دندانها به صورت جدا نمی بود، وارد شدن آسیب به گوشه ای از دندان، تمام فک و لثه را از بین می برد؛

اگر بیست سال همه فرزندان فقط دختر یا پسر باشند، نظام زندگی در دنیا فلج می شد؛

اگر ترمیم سلولها در ساختمان بدن نبود، بدن ما پس از یک صدمه و بیماری از بین می رفت؛ همین که خونی از بدن خارج می شود، بدن خونسازی می کند و کمبود آن را جبران می نماید.

سعدی می گوید: «هر نفسی که فرو می رود مُمدّ حیات است و چون بر می آید، مفرّح ذات؛ پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمت، شکری واجب.

از دست و زبان که بر آید کز عهده شکرش به در آید؟»

اما امام صادق<sup>ع</sup> فراتر از آن می فرماید: در هر نفسی هزاران نعمت است (و نه دو نعمت)؛ چرا که در هر نفسی کوسه ها و نهنگ های اقیانوس ها و دریاها هم سهم دارند؛ زیرا هر روز میلیون ها حیوان دریایی می میرند و کوسه ها و نهنگ ها آنها را می خورند. اگر این کار نبود، حیوانات مرده آب دریا را بدبو می کردند و اگر آب دریا بدبو می شد، تنفس برای انسان مشکل بود.

باورش سخت است که نهنگ هم در نفس کشیدن راحت ما



سهمی داشته باشد و هر برگ درخت نیز به دلیل تولید اکسیژن، نقش مهمی ایفا کند. اصولاً خداوند زمین را به صورت یک تصفیه‌خانه رایگان، همیشگی و بدون منت قرار داده است. آب آلوده به زمین فرو می‌رود و چند متر آن طرف‌تر، آب زلال از

درون زمین بیرون می‌آید. اگر می‌خواستیم آب آشامیدنی خود را تصفیه کنیم، با چه ابزار و هزینه‌ای و در چه مدت زمانی می‌توانستیم این کار را انجام دهیم؟!

خداوند زمین را آنگونه آفرید که یک دانه می‌گیرد و یک خوشه پس می‌دهد؛

باران را آنگونه آفرید که تمام اندام درختان را شستشو و آنها هم هوا را تصفیه می‌کنند؛ افزون بر آنکه همین آب در زمین ذخیره می‌ماند؛

تنها بحثی که هیچ‌گاه و برای هیچ‌کس تمام‌شدنی نیست، یاد نعمت‌های خداوند است و بهترین راه دعوت به نماز، توجه به خداوند و نعمت‌های اوست.

اگر انسان به یاد خدا و نعمت‌های او باشد، از بی‌اعتنایی، غفلت و ترک نماز خود شرمند می‌شود. اگر فرزندی نسبت به والدین بی‌اعتنا باشد، بهترین راه آن است که خدمات والدین به او گوشزد شود؛ چرا که یاد خدمات، فرزند را شرمند می‌کند و به اطاعت از پدر و مادر وادار می‌دارد؛ همان‌طور که آن پیرمرد در آن بوستان، فرزند متکبر خود را با یادآوری محبت خود، به کرنش واداشت.

خلاصه آنکه قرآن دلیل سنگینی نماز برای بعضی را نداشتن خشوع می‌داند: «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (۱)

و خشوع نیز

ص: ۸۴

به معنای نرمی است و قلب انسان سنگدل و غافل، با توجه به نعمت های خداوند نرم می شود.

قرآن خود در این زمینه آیات فراوانی دارد که به چند نمونه اشاره می شود:

۱. «أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ»؛ (۱)

آیا شما از قطره آب پست نیافریدم؟

۲. «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ \* وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ»؛ (۲)

آیا برای شما دو چشم و دو لب و یک زبان قرار ندادم؟

۳. «أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ»؛ (۳)

آیا برای هدایت شما پیامبر و تذکرات آسمانی نفرستادم؟

۴. «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ»؛ (۴)

آیا خطاهای شما را از طریق توبه نپذیرفتم؟

آری؛ اگر یک هزارم از اشتباهاتی را که خدا از ما سراغ دارد، دیگران خبر داشتند، چه رسوایی هایی را که برای ما ایجاد نمی کردند! ولی خداوند عذر و توبه ما را می پذیرد و حتی توبه کنندگان را دوست دارد.

خلاصه اینکه بهترین راه برای دعوت به نماز استفاده از احساسات انسان است. هر انسانی همین که محبت خدا و لطف او و نعمت های خدا را احساس کند، در برابر خداوند نرم و خاشع می گردد.

ص: ۸۵

۱- .مرسلات: ۲۰.

۲- .بلد: ۸ و ۹.

۳- .مؤمنون: ۱۰۵.

۴- .توبه: ۱۰۴.

انسان اگر نیاز خود را به چیزی احساس کند، به سراغش می رود. ما چون به نور احساس نیاز داشتیم، به سراغ تولید برق رفتیم؛ چون به سلامتی نیاز داریم، به سراغ پزشک و دارو می رویم؛ چون به آب، نان، همسر و اتومبیل نیاز داریم، به سراغ آنها می رویم. اما آیا ما نسبت به خدا احساس نیاز نداریم؟

قرآن در این باره می فرماید: «آنگاه که در کشتی گرفتار موج شدید، خالصانه خدا را می خوانید؛ ولی همین که کشتی به ساحل نشست و احساس نیاز شما تمام شد، آن ناله های خالصانه فراموش می شود: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» (۱)

انسان در دعوت به نماز باید توجه مخاطب را به نیاز انسان به خدا، ایمان و توکل به او، پناه بردن به خدا، امید به او، یاری طلبیدن از او و گفتگو با جلب کند. انسانی که هنگام تولد، قدرت دور کردن مگس را از صورت خود ندارد، ممکن است در یک لحظه همه اطلاعات خود را فراموش کند؛ ممکن است در کمتر از چشم به هم زدن زندگی خود را از دست بدهد؛ او که با یک نفس کشیدن، مرگ و حیاتش رقم می خورد، به تکیه بر یک قدرت بی نهایت و اتصال قلبی و زبانی و عملی به او نیاز دائم دارد.

برخی از ضعف های انسان

انسان علاوه بر ضعف های هنگام تولد، در اوج قدرت و جوانی هم غرق در ضعف و نیاز است؛ نیاز به اکسیژن، خورشید، ماه، باران و...

ص: ۸۶

در کنار این نیازها، نیازهای آینده و بی خبری از سرنوشت، نیاز به تشخیص حق از راه عقل و فطرت و وحی، نیاز به توفیق حرکت در راه حق، نیاز به در امان بودن از همه خطرها، از سنگ های آسمانی گرفته تا زلزله زمین، طغیان دریاها و...

قرآن می فرماید: «أَأَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ أَمْ أَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ»؛ (۱)

آیا خود را از (قهر) کسی که در آسمان است، ایمن می دانید؟ از اینکه شما را در زمین فرو برد؛ پس ناگاه زمین به لرزه افتد؛ یا از (قهر) کسی که در آسمان

است، ایمن شده اید؟ از اینکه تندبادی از سنگریزه بر شما فرو فرستد؛ پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است!

ما هر چه به درون خود و عملکرد اعضای بدن توجه می کنیم، می بینیم که هزاران شرایط باید فراهم شود تا بتوانیم نفس بکشیم و در جریان خون، قلب، کلیه، معده یا اعصاب، چشم، گوش، ریه، سلول ها و گلبول ها، هر کدام باید دقیقاً به کار خود مشغول باشد؛ آن چنانکه تغییر یکی از این شرایط و جابه جایی یکی از سلول ها و گلبول ها و لحظه ای توقف خون در رگها، همه چیز ما را به باد خواهد داد!

اساساً نیازهای انسان از بسیاری موجودات بیشتر است؛ ولی با این همه، از همه آنها سرکش تر است. تذکر و توجه به این نیازها از غرور انسان می کاهد و نیاز او را به یک منبع قدرت بیشتر نشان می دهد. به قول شاعر:

شنیدستم که هر کوکب جهانی است جداگانه زمین و آسمانی است

ص: ۸۷

زمین در جنب این افلاک مینا چو خشخاشی بود در قعر دریا

تو خود بنگر از این خشخاش چندی سِزَد تا بر غرور خود بخندی؟ (۱)

و تنها یاد خداست که در مقابل این همه حوادث پیچیده و نیازهای فراوان به انسان آرامش می دهد. قدرت، ثروت، حکومت، علم، حزب، فامیل و تدبیر، کار ایمان و اتصال به خدا را انجام نمی دهد و چون انسان از این حقیقت غافل است، خداوند متعال در قرآن با عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (۲)

به او هشدار می دهد که آرامش فقط با یاد خدا حاصل می شود.

آثار یاد خدا

یاد خداوند برکت های بسیاری دارد، از جمله:

یاد نعمت های او، عامل شکر اوست؛

یاد قدرت او، سبب توکل بر اوست؛

یاد الطاف او، مایه محبت اوست؛

یاد قهر و خشم او، عامل خوف از اوست؛

یاد عظمت و بزرگی او، سبب خشیت در

مقابل اوست؛

یاد علم او به پنهان و آشکار، مایه

حیا و پاکدامنی ماست؛

یاد عفو و کرم او، مایه امید و توبه

است؛

یاد عدل او، عامل تقوا و پرهیزکاری

است؛

اگر بدانیم بدون اراده خداوند متعال حتی چاقو قدرت بریدن

١- . نظامی .

٢- . رعد: ٢٨ .

ندارد، همان گونه که چاقوی ابراهیم گلوی فرزندش اسماعیل را نبرد؛

اگر تیغ عالم بجنبد ز جای تَبَرِّد رگی تا نخواهد خدای

اگر بدانیم که آتش بدون اراده او نمی سوزاند، چنانچه ابراهیم را نسوزاند؛

اگر بدانیم با اراده او و حتی بدون ازدواج و داشتن شوهر زنی بیچه دار می شود، همانند مریم؛

اگر بدانیم از پیرمردی به نام، با داشتن همسری نازا آن هم در کهولت، نوزادی به نام متولد می شود، چنانچه از زکریا و همسرش یحیی متولد شد؛

اگر بدانیم به اراده خدا عصای موسی که به دریا خورد، آب سفت می شود و همین عصا که به سنگ خورد، از سنگ آب می آید؛

اگر بدانیم تمام تکیه گاهها در زمانی کارایی خودش را از دست می دهد که:

- نه اسبابی در کار است: «تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ»؛ (۱)

- نه انسابی در کار است: «فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ»؛ (۲)

- نه دوستی سراغ دوست را می گیرد: «وَلَا يَسْئَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا»؛ (۳)

- نه مالی و نه فرزندی کارایی دارد: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»؛ (۴)

- نه عذرخواهی سودی دارد: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ»؛ (۵)

- و نه روابط اجتماعی مفید هستند: «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى

ص: ۸۹

۱- . بقره: ۱۶۶.

۲- . مؤمنون: ۱۰۱.

۳- . معارج: ۱۰.

۴- . شعراء: ۸۸.

۵- . غافر: ۵۲.

اگر بدانیم روزگاری داریم که تمام وجود ما را پشیمانی، حسرت و ندامت می گیرد و با تمام وجود می گوئیم:

- سلطنت من نابود شد: «هَلَكْتُ عَنِّي سُلْطَانِيَه»؛ (۲)

- مال من هدر رفت: «مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِيَه»؛ (۳)

- و این همه سرمایه ها را هدر دادم: «أَهْلَكْتُ مَالاً لُبْدًا»؛ (۴)

اگر بدانیم غفلت، انسان را از چارپایان هم پست تر قرار می دهد: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»؛ (۵)

قطعاً به گونه ای دیگر عمل و رفتار خواهیم کرد. به هر حال چگونه می توان کسی که خود غافل است، به دیگران تذکر دهد. واقعیت این است که اگر لطف خداوند متعال نباشد، همه ما در همه چیز باختیم.

در این میان، نماز ساده ترین راه آشتی با خدا و خارج شدن از غفلت و توجه به عجزها و نیازهاست. با نماز می توان از راهی ساده، ارزان، دائمی، پرمحتوا، با سابقه ای از آدم تا خاتم و به وسیله چند واژه خالصانه، در هر مکان و هر زمانی با او پیوند برقرار کرد.

اگر انسان بداند که برای سقوط او چه چیزهایی در کمین است، از قبیل هوس ها، وسوسه ها، شیطان ها، حسادت ها و خطرها، به سراغ قدرتی بی پایان می رود؛

اگر انسان بداند حکومت ها قابل اعتنا نیستند، مادیات همیشه

ص: ۹۰

۱- . دخان: ۴۱.

۲- . حاقه: ۲۹.

۳- . همان: ۲۸.

۴- . بلد: ۶.

۵- . اعراف: ۱۷۹.



کارایی ندارد، دوستان او را رها می کنند و به طور کلی ورق برمی گردد و سرنوشت صددرصد تغییر می کند، به سراغ پناهگاه می رود و از ریسمان های پوسیده دست بر می دارد.

قرآن تکیه بر غیر خدا را تکیه بر تار عنکبوت می داند و همچنین می فرماید: همه قدرت ها توانایی آفریدن یک مگس را ندارند و اگر مگسی چیزی از آنها را برآید، حتی ابرقدرت ها هم نمی توانند آن را از دهانش باز پس بگیرند. (۱)

کوتاه سخن آنکه توجه به ضعف ها و نیازها، انسان را با خداوند گره می زند؛ زیرا:

- اوست که به هنگام بیماری مرا شفا می دهد: «وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ»؛ (۲)

- گرسنگی و تشنگی ام را برطرف می سازد: «وَ الَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ»؛ (۳)

- آینده من نیز وابسته به اوست.

۳. تشکر از صاحب نعمت

هر عقل و وجدان سالمی تشکر از ولی نعمت را واجب و لازم و بی اعتنایی به منعم را بی ادبی می داند. انسان به همین دلیل عقلی و فطری باید از خداوند تشکر کند و بهترین نوع تشکر، اطاعت از دستورات اوست. خداوند نیز ده ها بار با صراحت به اقامه نماز دستور می دهد. قرآن به پیامبر خود می گوید: چون به

تو کوثر دادم، پس فوراً باید از من تشکر کنی و آن تشکر، اقامه

ص: ۹۱

---

۱- حج: ۷۳.

۲- شعراء: ۸۰.

۳- همان: ۷۹.

نماز است: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ \* فَصَلِّ لِرَبِّكَ» (۱)

در آغاز قرآن می خوانیم: پروردگارتان را عبادت کنید، چون شما و نیاکانتان را آفرید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (۲)

و در اواخر قرآن نیز می خوانیم: باید مردم پروردگار این کعبه را بندگی کنند، چون آنان را از دلهره و گرسنگی نجات داد: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ \* الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (۳)

قرآن در آیات متعددی اشاره دارد که نماز، بهترین تشکر از خداست و گفتیم که تشکر صاحب نعمت مسأله ای عقلی، فطری و وحیانی است. امثال این آیات، دلیل و انگیزه نماز را تشکر از خدا می داند و شاید بتوان گفت این کلاس اول نمازآموزی است. مانند آنچه به کودک می گوئیم که پدر و مادر خوبند، چون برایت لباس، شیرینی، و چیزهای دیگر می خرنند. چون کودک جز خوراک و پوشاک و لذت چیز دیگری را نمی فهمد.

از سوی دیگر، تشکر از خدا آثاری را در پی دارد. مهمترین این آثار این است که انسان شاکر در دام شیطان قرار نمی گیرد؛ زیرا شیطان به خدا گفت: «ثُمَّ لَأَتَيْنَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ»؛ (۴) سپس از روبرو و از پشت سر و از راست و چپشان بر آنان می تازم و بیشتر آنان را سپاسگزار نخواهی یافت.

از این آیه معلوم می شود کسی که روحیه شکر ندارد، در دام

ص: ۹۲

۱- . کوثر: ۱ و ۲.

۲- . بقره: ۲۱.

۳- . قریش: ۳ و ۴.

۴- . اعراف: ۱۷.

شیطان قرار می گیرد و همچون درختی که آب ندارد و خشکیده است، به سرعت با کبریت آتش می گیرد. آری شکر انسان را از خطرات و وسوسه های شیطان بیمه می کند.

ناگفته پیداست که نماز بهترین نوع شکر است؛ زیرا بلندترین نقطه بدن را که پیشانی است، به خاک می مالیم؛ آن هم نه یک بار و دو بار، در هر شبانه روز حداقل ۳۴ بار این کار را انجام می دهیم.

۴. توجه به عبادت نظام آفرینش

اگر انسان باور کند که در یک مراسم عروسی همه شرکت کنندگان هدایایی در دست خواهند داشت و او دست خالی است، احساس شرمندگی می کند؛

اگر کسی وارد مجلس شود و همه به احترام او برخیزند، کسی که نشسته و حرکتی نمی کند، احساس بدی در خود پیدا می کند؛

اگر هنگام نماز همه مردم خیابان و بازار به سمت مسجد بروند، کسی که به مسجد نمی رود، خود را عقب افتاده احساس می کند؛

قرآن در آیات بسیاری می فرماید: همواره کُل هستی در حال تسبیح خدا بوده اند: «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ» (۱)

و برای همیشه هم این تسبیح جاری است: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ» (۲)

در آیه دیگر می فرماید: کل نظام هستی برای خدا کرنش و تعظیم می کند: «كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ» (۳)

و در آیاتی نیز سجده موجودات را به رخ انسان می کشد و به انسان تذکر می دهد که اگر همه هستی

ص: ۹۳

۱- حشر: ۱.

۲- جمعه: ۱.

۳- روم: ۲۶.

در حال تسییح، سجده و قنوت است، چرا یک انسان وصله ناهماهنگ باشد!؟

شاعر معروف، سعدی شیرازی به گوشه ای از این معارف این چنین اشاره کرده است:

دوش مرغی به صبح می نالید عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش

یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید به گوش

گفت باور نداشتم که تو را بانگ مرغی چنین کند مدهوش

گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسییح گوی و ما خاموش

۵. بیان آثار و برکات نماز

آشنایی با آثار نماز یکی دیگر از عوامل دعوت به نماز است. قرآن و روایات برای نماز آثار و برکات زیادی را بیان می کنند که برخی از آنها عبارتند از:

الف) نماز عامل رشد انسان

نماز رشد دهنده، یعنی نمازی که کارخانه آدم سازی است. شاید آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>(۱)</sup>

اشاره به همین نماز باشد.

چون فضای نماز فضای تربیتی است - مانند دریا که حیوانات درون آن بدون معلم و مربی همه شنا بلدند - اگر انسان واقعاً اهل نماز شد، خودبه خود همه عیبها و نواقصش برطرف می شود.

ص: ۹۴

---

۱- . عنکبوت: ۴۵.

کسی که هر روز رو به خانه خدا (قبله) ایستاد، رو به خانه دیگری نمی‌ایستد؛

کسی که ده‌ها بار آهسته و بلند، «الله اکبر» می‌گوید، هیچ قدرتی نزد او جلوه ندارد؛

کسی که می‌گوید «به نام خدا»، حاضر نیست کارش را با نام غیر خدا شروع کند؛

کسی که می‌گوید «فقط بندگی خدا» (ایاک نعبد)، حاضر نیست بنده دیگران شود؛

کسی که اهل نماز است، باید زمین، زمان، فضا، لباس، مرکب، مسکن، آب و خاک او صد در صد حلال باشد؛

کسی که اهل نماز است، باید برای قبولی نمازش هم از غذای حرام دوری کند و هم زکات مالش را پردازد و از آزار همسر و فرزند و دیگران نیز دوری کند؛

کسی که اهل نماز است، برای پاداش بیشتر و درک کمالات نماز، حتماً از عطر و مسواک و شانه، از مسجد و جماعت بهره می‌گیرد؛

کسی که اهل نماز است، به مسجد می‌رود و حضور در اجتماع، او را از تک‌روی و انزوا نجات می‌دهد؛ او را انتخاب‌گر می‌کند، چون باید امام جماعت عادل را انتخاب کند. نماز، فرد نمازخوان را به اطاعت وادار می‌کند، زیرا باید پیش از امام جماعت، هیچ حرکتی انجام ندهد.

کسی که اهل نماز است، برای شناخت وقت ظهر، نگاهی به خورشید و آسمان دارد. او برای شناخت قبله، نگاهی به ستارگان، و برای وضو و غسل نگاهی به آب، و برای سجده و تیمم نگاهی به خاک و برای سجده بهتر، از تربت امام حسین علیه السلام و خاک

کربلا استفاده می‌کند، تا در کنار سجده در مقابل خدا، امامت، عصمت، شهادت و الگوی اصیلی مثل امام حسین □ را نیز فراموش نکند.

به راستی در نماز مهندسی عجیبی شده است:

از مسح سر و پا می‌فهمیم که باید سر تا پا، «نمازی» شویم؛

از آدم تا خاتم، همه پیامبران □، منادی نماز بودند؛

از زایشگاه تا قبرستان، از باران نداشتن ابرهای آسمان تا زلزله زمین، از عید و شادی تا غم و اندوه، مسأله نماز به گونه ای مطرح می‌شود؛

توجه به این نکات از انسان رها، یک انسان مخلص، متعهد، کامل و استاندارد می‌سازد و این نماز، نماز رشد است و معنای آیه شریفه که نماز انسان را از گناه، فحشا و منکر باز می‌دارد نیز همین است.

ب) نماز وسیله انس با خداوند متعال

خداوند متعال به موسی می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (۱) تو که موسی هستی باید نمازت برای یاد من و انس با من باشد (نه برای اینکه به تو غذا دادم یا اینکه تو را امان دادم، و نه برای اینکه نماز تو را از فحشاء و منکر باز می‌دارد؛ چون موسی □ اهل فحشا و منکر نبود و یاد نان و امنیت برای موسی (ع) در شأن خداوند متعال نیست).

نماز تو باید برای یاد من باشد و یاد من تنها وسیله آرامش است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ

ص: ۹۶

و آرامش، سکوی پرواز به سوی خداوند است: «يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً». (۲)

ج) نماز وسیله قرب به خدا

نمازی به پیامبر اسلام ﷺ سفارش می شود که گاهی به ایشان می فرماید: نماز شب تو سبب دریافت مقام محمود است: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»؛ (۳)

نماز تو سبب پیدایش یقین است: «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»؛ (۴)

در جایی دیگر نیز می فرماید: راه قرب به خدا سجده توست (آیه آخر سوره علق که تلاوت آن سجده واجب دارد).

بنابراین، در قرآن چهار نوع عبادت وجود دارد که از عبادت به دلیل تشکر شروع می شود، سپس عبادتی که سبب رشد است و در مرحله بالاتر عبادتی که انس را ایجاد می کند و بالاترین مرتبه عبادتی که سبب قرب است. در این میان باید خود را با اولین مرحله و ساده ترین عبادت ها که نماز شکر است، بسنجیم و به تقصیر و قصور خود اعتراف کنیم. در روایت نیز داریم که نماز وسیله قرب و نزدیکی به خداست: «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ». (۵)

ص: ۹۷

۱- . رعد: ۲۸.

۲- . فجر: ۲۷ و ۲۸.

۳- . اسراء: ۷۹.

۴- . حجر: ۹۹.

۵- . الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۳، ص ۲۶۵.

- نماز، سبب غفلت زدایی است: «تَعْبُدُوا بِالصَّلَاةِ وَ ذِكْرِ اللَّهِ لِكَيْلَا يُغْفَلُوا عَنْهُ فَيَنْسُوهُ فَيَدْرُسَ ذِكْرُهُ»؛ (۱) با انجام افعال نماز، خدا را عبادت کرده و او را یاد می نمایند و بدین ترتیب از آن حضرت غافل نشده و فراموشش نمی کنند، و در نتیجه ذکرش مندرس و کهنه نمی گردد.

- نماز، رمز همراهی خداوند با انسان است: «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ»؛ (۲)

- نماز، عامل عفو گناهان است: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»؛ (۳)

- نماز، سبب آسان مردن است. پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرمودند: «مِمَّا مِنْ عَجِيدِ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ إِلَّا ضَمِنْتُ لَهُ الرُّوحَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ انْقِطَاعَ الْهُمُومِ وَ الْأَحْزَانَ وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ»؛ (۴)

بنده ای نیست که به نماز اهتمام داشته باشد، مگر اینکه من برای او ضامن می شوم که لحظه مرگ غم و غصه ها را از او دور کند و به راحتی جان دهد و از آتش نجات یابد.

همچنین از پیامبر ﷺ درباره نماز سؤال شد، ایشان فرمود: الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ فَهِيَ مِنْهَاجُ الْإِنْبِيَاءِ وَ لِلْمَصِيئِ حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ هُدًى وَ إِيْمَانٌ وَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ وَ بَرَكَهٌ فِي الرِّزْقِ وَ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ وَ كَرَاهَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَ سَلْمَاحٌ عَلَى الْكُفَّارِ وَ إِجَابَةٌ لِلدُّعَاءِ وَ قَبُولٌ لِلْأَعْمَالِ وَ زَادٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ شَفِيعٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَلِكِ الْمَوْتِ وَ أُنَيْسٌ فِي قَبْرِهِ وَ فِرَاشٌ تَحْتَ جَنْبِهِ وَ جَوَابٌ لِمُنْكَرٍ

ص: ۹۸

۱- . وسائل الشيعه، ج ۴، ص ۹.

۲- . مائده: ۱۲.

۳- . هود: ۱۱۴.

۴- . بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۹.



وَنَكِيرٍ وَتَكُونُ صِيْلَمَاءُ الْعَبْدِ عِنْدَ الْمَحْشَرِ تَاجًا عَلَى رَأْسِهِ وَنُورًا عَلَى وَجْهِهِ وَلِبَاسًا عَلَى بَدَنِهِ وَسِتْرًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ وَحُجَّةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ الرَّبِّ حَيْلٌ جَلْمَالُهُ وَنَجْمَةٌ لِيَدَيْهِ مِنَ النَّارِ وَجَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ وَمِفْتَاحًا لِلْجَنَّةِ وَمُهِورًا لِلْحُورِ الْعِينِ وَثَمَنًا لِلْجَنَّةِ بِالصَّلَاةِ يَبْلُغُ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَتَهْلِيلٌ وَتَحْمِيدٌ وَتَكْبِيرٌ وَتَمْجِيدٌ وَتَقْدِيسٌ وَقَوْلٌ وَدَعْوَةٌ؛ (۱)

نماز راه رسیدن به دین است؛ رضایت خداوند در نماز است؛ پیروی از راه انبیاست؛ محبوبیت نزد فرشتگان است؛ مایه هدایت و ایمان است؛ در نماز نور معرفت، شناخت، برکت در رزق، راحتی بدن، تنفر شیطان، اسلحه ای در برابر کافران و سبب استجابت دعا و پذیرش اعمال، توشه آخرت، شفیع انسان، مونس قبر، جواب منکر و نکیر است و تاجی است در قیامت بر سر نمازگزار؛ لباسی است بر بدنش و حجابی میان او و آتش است و حجتی میان خدا و اوست؛ وسیله عبور از صراط و کلید بهشت و مهریه

حورالعین و بهای بهشت است. نماز نردبانی برای رسیدن به مقامات بلند معنوی است؛ زیرا مجموعه ای از تسبیح، تهلیل، حمد، تکبیر، تمجید، تقدیس، کلام و دعاست.

همچنین در حدیث دیگری می خوانیم که نماز سبب نزول رحمت، استغفار فرشتگان برای انسان، عزت مؤمنین، کفاره گناهان، آبادی مساجد، قبولی گواهی در محاکم، هبیتی در برابر فاجران، تواضعی در انسان و یک زینت معنوی برای شهر (و با حضور مردم در مسجد و دید و بازدید و تفقد از حال یکدیگر و اعتماد به یکدیگر و بندگی برای خدا) و مایه سروری برای مؤمنین است. (۲)

ص: ۹۹

۱- بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۳۱.

۲- جامع الأخبار، ص ۷۲.

قرآن می فرماید که نماز وسیله ای برای حل مشکلات است: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ». (۱)

انسان به دلیل کمبودها و ضعف علمی، جسمی، فکری و با توجه به حوادث پیش بینی شده و نشده، به یک پناهگاه نیاز دارد و باید به منبعی متصل شود. قرآن به پیامبر می فرماید: چون گرفتاریت در روز زیاد است، سحرها به دو منبع انرژی وصل شو: یکی تهجد و نماز شب که تو را مقاوم می کند (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً) (۲)

و دیگری تلاوت قرآن.

همچنین در قرآن کریم می خوانیم: از صبر و نماز در برابر همه مشکلات کمک بگیرید. نماز با توجه، انسان را به یاد قدرت بی پایان خدا می اندازد و همه قدرت ها را هر چه باشد، به جز او کوچک جلوه می دهد. مهر او را در دل زیاد می کند و روحیه توکل را تقویت می نماید و انسان را از وابستگی های مادی می رها کند. همه این آثار، انسان را در برابر مشکلات مقاوم می کند.

بنابر روایات حضرت رسول (ص) هرگاه مسأله مهمی برایش رخ می داد، به نماز می ایستاد و این آیه را تلاوت می کرد: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ». (۳)

نماز احساس در محضر خدا بودن است و هر کس این احساس را داشته باشد، مقاوم می گردد. اگر شناگر بدانند شیرجه او زیر نظر تماشاچیان است، تا آخرین نفس خود را زیر آب نگه می دارد؛ اگر کودک دست خود را در دست پدر بدانند، از نگاه هیچ کس

ص: ۱۰۰

۱- . بقره: ۴۵.

۲- . مزمل: ۶.

۳- . مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۴۲.

دلهره‌ای ندارد؛ قرآن کریم نیز به موسی و هارون می‌فرماید: «إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَ أَرَى» (۱).

به نوح نیز می‌فرماید: «وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا» (۲).

بنابراین احساس حضور در محضر خدا انسان را مقاوم می‌کند؛ آن چنان که هر گروهی که از کنار نوح عبور می‌کرد، او را مسخره می‌کردند، ولی او هیچ تردیدی به خود راه نمی‌داد: «كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ» (۳) یا هر چه فرعون موسی را تحقیر کرد، ذره‌ای در موسی اثر نگذاشت. آری؛ اگر طنابی که به جایی محکم متصل است به دست انسان باشد، در برابر هیچ موجی دغدغه ندارد.

نشانه دیگر مقاوم‌سازی نماز، اقرار مخالفان شعیب بود که به او می‌گفتند: آیا نمازت، تو را وادار کرده که در برابر عقاید و اعمال ما ایستادگی کنی؟ قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» (۴).

به این مثال توجه کنید: اگر شما در یک قطعه زمین یک هکتاری باشید، آن را بزرگ می‌بینید؛ اما اگر سوار هواپیما شدید و به آسمان رفتید، این قطعه زمین یک هکتاری به اندازه یک جعبه پرتقال می‌شود. اگر بالاتر بروید، به قدر یک صابون و باز هم بالاتر بروید، به قدر یک آدامس و اگر بالاتر رفتید به قدر یک عدس می‌شود؛ آن چنان که هر چه بیشتر اوج بگیرید، زمین کوچک‌تر می‌شود. خاصیت نماز این است که اگر در آن اوجی

ص: ۱۰۱

---

۱- . طه: ۴۶.

۲- . هود: ۳۷.

۳- . هود: ۳۸.

۴- . هود: ۸۷.

باشد، هر چه غیر خدا باشد کوچک می گردد.

امیر المومنین (ع) در اوصاف متقین می فرماید: «عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»؛<sup>(۱)</sup>

کسی که خالق در نظرش بزرگ باشد، همه چیز دیگر در نزد او کوچک است.

ساحرانی که برای رسوا کردن موسی □ از مناطق مختلف به مرکز آمده بودند، از فرعون تقاضای پاداش داشتند، ولی همین که معجزه موسی □ را دیدند و ایمان آوردند، با اینکه بزرگترین تهدیدها را شنیدند، به فرعون، تهدیدها و امکاناتش لبخند زدند و گفتند: دستور بده ما را بکشند!

الله اکبر! برای انسان در یک لحظه یک سکه بزرگ است و تقاضای پاداش می کند و همان انسان یک لحظه بعد به فرعون می گوید: دنیا که چیزی نیست! و به دنیا و همه حکومت با نگاه حقارت می نگرند.<sup>(۲)</sup>

این معجزه اتصال به خداست و بهترین جای اتصال به خدا «نماز» است.

۶. توجه به خطرهای ناشی از سهل انگاری و ترک نماز

در هر دعوتی تشویق و هشدار، هر دو نقش مهمی دارند. در آیات و روایات پاداش های فراوانی برای نماز بیان شده و همچنین عقوبت ها و کیفرهای سختی برای ترک کنندگان، کاهلین و ضایع کنندگان نماز بیان شده است.

در دعوت باید انذار هم وجود داشته باشد تا افرادی که در مقابل

ص: ۱۰۲

---

۱- نهج البلاغه، خطبه متقین (۱۹۳).

۲- اعراف: ۱۱۳ - ۱۲۶.

دعوت به حق و نماز سنگدلی و سرسختی نشان دادند، بدانند گرفتار چه خطراتی می شوند؟

«مَا سَأَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ \* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»؛ (۱) در قیامت از دوزخیان پرسیده می شود که چه چیز شما را روانه دوزخ کرد؟ می گویند: ما از نماز گزاران نبودیم.

در جای دیگر نیز می خوانیم: «فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى»؛ (۲)

آنگاه که کارد به استخوان می رسد و در لحظه انتقال از دنیا به برزخ، خداوند می فرماید: اینها نه ایمان آوردند و نه نماز خواندند.

در روایات می خوانیم کسی که نماز را عمداً رها کند، کفر ورزیده است و از دایره حمایت های الهی و رسول خدا محروم می شود: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِيَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ رَسُولِ اللَّهِ»؛ (۳)

نمونه هایی از مذمت های قرآن

- برخی نماز و اذان را مسخره می کنند: «وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا»؛ (۴)

- برخی دیگران را از نماز نهی می کنند: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى \* عَبْدًا إِذَا صَلَّى»؛ (۵)

- برخی نماز را ضایع می کنند: «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»؛ (۶)

- برخی به نماز بی توجه هستند؛ گاهی می خوانند و گاهی

ص: ۱۰۳

۱- . مدثر: ۴۲ و ۴۳.

۲- . قیامت: ۳۱.

۳- . الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۲۸۷.

۴- . مائده: ۵۸.

۵- . علق: ۹ و ۱۰.

۶- . مریم: ۵۹.

نمی خوانند: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»؛ (۱)

- برخی با کسالت نماز می خوانند: «قَامُوا كُسَالَى»؛ (۲)

- برخی چهره نماز را تغییر می دهند: «وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيهًا»؛ (۳)

- برخی به طور کلی نماز نمی خوانند: «فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى»؛ (۴)

- برخی مراکز نماز را می بندند: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ»؛ (۵)

- برخی برای مراکز حق رقیب سازی می کنند: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا»؛ (۶)

- برخی به جای دعوت به نماز، فرزندان خود را از دین، مراکز دینی و نماز بازمی دارند ...

به راستی جای شرمندگی است که تمام هستی، همه وجود خود و تمام نعمت‌ها از خدا باشد و ما با زبان خود، با هر کس گفتگو کنیم، اما از گفتگو با خداوند متعال، آن هم چند دقیقه در نماز محروم باشیم!

پس باید به سراغ عواملی برویم که ارتباط ما را با خدا قطع و با غیر خدا وصل می کند. اگر شما فرزندی را تربیت کنید که تمام امکانات را در اختیارش بگذارید، اما او از تمام امکانات شما برای رابطه با غیر شما استفاده کند، و نسبت به شما بی‌اعتنایی و بی‌مهری می کند، چه احساس و قضاوتی خواهید داشت؟

ص: ۱۰۴

۱- ماعون: ۵.

۲- نساء: ۱۴۲.

۳- انفال: ۳۵.

۴- قیامت: ۳۱.

۵- بقره: ۱۱۴.

۶- توبه: ۱۰۷.

بنابر روایات خداوند متعال به انسان می فرماید که تو انصاف نداری: «ما أَنْصَيْفَتَ!». خداوند در قرآن هم می فرماید: من نهایت رأفت و محبت را در حق انسان روا داشتم (إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ) (۱).

ولی انسان در مقابل، نهایت ناسپاسی را روا داشته است (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ). (۲).

شاید تمام نمازهای شبانه روزی ما به نیم ساعت نرسد، در حالی که در ۲۴ ساعت از شبانه روز، ۴۸ نیم ساعت وجود دارد. آیا انصاف است که ۲٪ از وقتمان را صرف آفریدگار خود نکنیم، با اینکه ۹۸٪ عمرمان را با غیر او سپری می کنیم!؟

مصادیق استخفاف و بی اهمیتی به نماز

بعضی نماز را نمی شناسند؛

بعضی آن را بلد نیستند؛

بعضی شرایط صحیح بودن آن را نمی دانند؛

بعضی شرایط قبول شدن نماز را نمی دانند؛

بعضی شرایط کمال آن را نمی دانند؛

بعضی نماز را در اول وقت نمی خوانند؛

بعضی نسبت به نماز فرزندانشان توصیه ای ندارند؛

بعضی نسبت به صدای اذان بی اعتنا هستند؛

بعضی باعجله می خوانند که سجده آنان در روایات به نوک زدن کلاغ تشبیه شده است؛ (۳)

بعضی هر چیز دیگر را بر نماز ترجیح می دهند (ورزش، فیلم، غذا خوردن، گفتگو، عروسی و...)

ص: ۱۰۵

---

۱- . حج: ۶۵؛ بقره: ۱۴۳.

۲- . ابراهیم: ۳۴.

۳- . الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۳، ص ۲۶۸.

بعضی اگر در ماشینی نشسته باشند و وسیله ای از او به بیرون پرت شود، فریاد می زند تا ماشین را متوقف کنند؛ ولی اگر وقت نماز برسد، هیچ گونه تحرکی از خود نشان نمی دهد!

چه بسیار نمازهایی که به خاطر عروسی ها یا عزاداری ها، یا رها می شود یا به آخر وقت موکول می شود!

چه بسیار شهرک هایی که همه امکانات در آن وجود دارد، جز مسجد!

چه بسیار روحانیانی که پست های اداری و رسمی آنان را از امام جماعت شدن محروم کرده است!

چه بسیار مساجدی که دربشان بسته و متروکه شده اند و در آن اقامه نماز جماعت نمی شود!

چه بسیار موقوفاتی که برای نماز و مسجد است و در جای خود هزینه نمی شود!

چه بسیار هیئت امنایی که کارایی لازم را ندارند!

چه بسیار مساجدی که امام جماعت جامع الشرایط ندارند!

چه بسیار پروازهایی که از مبدأ تا مقصد، برنامه ریزی برای مراعات وقت نماز در آنها صورت نمی گیرد!

چه بسیار مراکز اجتماع مردم که نمازخانه ای در شأن آنها ندارند!

تمام این موارد، مصادیق استخفاف نماز است و کسانی که مرتکب این استخفاف شده اند و بودجه های فرهنگی را در قالب... های دیگری هزینه می کنند، باید در پیشگاه خداوند متعال پاسخ گو باشند.

شما قضاوت کنید که تاکنون چند فیلم برای آموزش نماز و اسرار آن ساخته شده است و چقدر فیلم برای آموزش شیرینی پزی، طبخ، کارهای دستی و...؟!



فکر نکنم (جز افراد نادر) کسی بتواند جواب یا عذر قابل قبولی برای این همه استخفاف داشته باشد...

۷. توجه به سابقه تاریخی نماز

همیشه و در همه جای دنیا برای میراث فرهنگی و سوابق تاریخی و حفظ آثار قدما ارزش خاصی قائلند و آن را در موزه ها و در جایگاه های خاص قرار می دهند؛ حتی اگر یک ظرف سفالی شکسته باشد که سابقه تاریخی زیادی دارا باشد. حال چطور است که به یک ارزش معنوی (ارتباط با خدا) که تاریخ آن همراه با تاریخ بشر است، اهمیتی داده نمی شود!؟

- صدها سال پیش از اسلام، خداوند به حضرت عیسی (ع) نماز را سفارش کرده است: «أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ»؛<sup>(۱)</sup>

- قبل از حضرت عیسی، به حضرت موسی (ع) فرمود: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛<sup>(۲)</sup>

- قبل از حضرت موسی، حضرت شعیب و قبل از شعیب، حضرت ابراهیم (ع) نماز داشته اند؛

- خداوند درباره پیامبران (ع) می فرماید: «أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ»؛<sup>(۳)</sup>

ما به آنان انجام کارهای خیر و اقامه نماز را وحی کردیم (در این آیه با اینکه نماز جزئی از کارهای خیر است، ولی به دلیل اهمیت، نام آن جداگانه برده شده است)؛

- لقمان به فرزندش درباره نماز سفارش کرده است؛

- قرآن از نماز زکریا در محراب سخن می گوید: «يُصَلِّي فِي

ص: ۱۰۷

۱- .مریم: ۳۱.

۲- .طه: ۱۴.

۳- .انبیاء: ۷۳.

- به مریم درباره قنوت، سجده و رکوع سفارش می کند؛(۲)

- آخرین سفارش امام صادق(ع) سفارش به نماز بود: اگر کسی آن را سبک بشمارد، شفاعت ما شامل حالش نمی شود.(۳)

در واقع نماز بزرگترین میراث فرهنگی است و بسیاری از اولین ها در نماز به چشم می خورد:

- اولین مکان زمین کعبه بود که نماد نماز است: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ»؛(۴)

- اولین دستور به موسی درباره نماز بود؛(۵)

- اولین واجب در اسلام نماز است؛(۶)

- اولین چیزی که به گوش نوزاد خوانده می شود، اذان و اقامه است که مقدمه نماز می باشند؛(۷)

- اولین وظیفه صالحانی که به حکومت می رسند، اقامه نماز است: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»؛(۸)

- اولین نشانه مؤمنان واقعی خشوع در نماز است؛(۹)

- اولین عامل دوزخی شدن، ترک نماز است؛(۱۰)

ص: ۱۰۸

۱- . آل عمران: ۳۹.

۲- . آل عمران: ۴۳.

۳- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۲۸.

۴- . آل عمران: ۹۶.

۵- . طه: ۱۴.

۶- . جامع الأخبار، ص ۷۳.

۷- . ترجمه من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۵۸.

۸- . حج: ۴۱.

۹- . مؤمنون: ۲.

۱۰- . مدثر: ۴۳.

- اولین کار پیامبر در قبا و مدینه ساخت مسجد بود؛(۱)

- در اولین سوره ای که به پیامبر نازل شد، سخن از سجده و قرب است؛(۲)

- اولین چیزی که در قیامت از انسان پرسیده می شود، نماز است.

## ۸. توجه به همراهی نماز با کمالات دیگر

در غذای جسمی اگر ادویه، مخلفات، ترشی، شیرینی یا زعفران به آن اضافه شود، غذا را لذیذتر می کند و اشتها را بیشتر تحریک می کند؛ مانند وعده های که خطاب به بهشتیان می فرماید: آب آنجا با عطر زنجبیل آمیخته است: «كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا»(۳) و در آیه دیگر می فرماید: «خِتَامُهُ مِسْكٌ»؛(۴)

اگر برخی نوشیدنی یا غذاهای دنیا هنگام مصرف یا پس از آن با نوعی تند، گزندگی، تلخی و بدمزگی همراه است، اهل بهشت پس از مصرف نوشیدنی های بهشتی، احساس عطر و بوی خوشی دارند و اگر مهر و موم غذاهای دنیوی با چیزهای دیگری است، مهر و موم آنجا با مواد معطر و خوش بو است.

دعوت عملی به نماز زمانی است که جامعیت آن مورد لحاظ و در کنار کمالات دیگر قرار گیرد. نماز اگر همراه با خوش... زبانی، صداقت، وفای به عهد، نظافت، تحصیل، ادب، کمک به دیگران، مشورت، نشاط و زیبایی مطرح شود، این نماز همه دل های پاک را به خود جذب می کند؛ اما اگر نماز از اخلاق، تحصیل، ادب و کمک به فقیران جدا شود، جاذبه خودش را

ص: ۱۰۹

---

۱- بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۲۲.

۲- علق.

۳- انسان: ۱۷.

۴- مطففین: ۲۶.

از دست خواهد داد.

در اسلام به ما سفارش شده اگر می خواهید دیگران را دعوت کنید، با عمل دعوت کنید، نه با زبان: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ  
الْسِتِّكُم» (۱).

نماز در اسلام با بسیاری مسائل دیگر همراه است:

- در قرآن بیش از بیست مرتبه در کنار سفارش به نماز، به زکات سفارش شده است. در آغاز قرآن در کنار نماز، انفاق مطرح می شود: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (۲) و در آخر قرآن در کنار «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» واژه «و انحر» (۳) آمده؛ یعنی نماز به تنهایی کافی نیست، باید شتری را ذبح و بین دیگران تقسیم کنی.

- در عید فطر در کنار نماز عید، راهپیمایی به سوی صحرا همراه با شعار، غسل و زکات فطره است.

- در عید قربان نیز در کنار نماز عید، غسل و نظافت و ذبح قربانی مطرح می شود. راستی چه زیباست که در یک عید به نان فقیران توجه می شود و در عید دیگر به گوشت آنان و این خود نشانه جامعیت دین است.

البته در سراسر اسلام این جامعیت به چشم می خورد، اسلام حتی در مسأله آمیزش جنسی می فرماید: «نِسْأُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (۴)

زنان شما به منزله کشتزارند؛ هر زمان

ص: ۱۱۰

---

۱- . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۷، ص ۳۰۹.

۲- . بقره: ۳.

۳- . کوثر: ۲.

۴- . بقره: ۲۲۳.

بخواهید می‌توانید سراغ آنها روید، ولی هدف تنها اشباع غریزه جنسی نیست؛ بلکه آینده نگری و به دست آوردن تقوا، یعنی آمیزش با حلال، داشته باشید تا گرفتار حرام نشوید.

قرآن در این باره می‌فرماید: حتی لذت جنسی و لحظه‌ای شما باید هدفمند باشد؛ از حلال استفاده شود تا توان کنترل و تقوا نسبت به حرام به دست آید. مانند ماه رمضان که افراد سحری می‌خورند تا بتوانند در روز روزه بگیرند. در واقع آمیزش جنسی فقط برای دفع شهوت نیست؛ در کنار لذت، آینده نگری، سرمایه گذاری و تقویت تقوا نیز نهفته شده است. چنانچه در آیه فوق، در کنار آمیزش جنسی، تقوا و ملاقات با خدا مطرح شده است. واقعاً کدام عقل بشری می‌تواند این گونه بین لذیذترین مسأله و تقوا و قیامت اتصال برقرار کند؟

از سوی دیگر سفارش شده که مردم در سجده خود به مسأله خانواده توجه کنند و این دعا را بخوانند: «يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَيَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ ارْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»؛ (۱)

خدایا رزق خانواده ام را تأمین کن...

آری؛ دین از سجده به تأمین هزینه خانواده و از آمیزش جنسی، به تقوا و ملاقات با خدا ارتباط برقرار می‌کند. برای عمل صالح راه را از خوردن قرار می‌دهد: «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا». (۲)

و از انجام عمل صالح برای خوردن های دائمی و متنوع ارتباط داده می‌شود: «وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ \* وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ». (۳)

از اهل زمین کانالی به آسمان ها از طریق دعا و از آسمان ها کانالی

ص: ۱۱۱

۱- . الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۵۵۱.

۲- . مؤمنون: ۵۱.

۳- . واقعه: ۲۰ و ۲۱.

به زمین از راه وحی زده می شود. از اهل زمین برای آسمانیان، ایمان به ملائکه: «آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ»؛ (۱)

و از ملائکه استغفار برای زمینیان: «و يَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ» (۲).

و بالاخره در خداپرستی، شتر را کنار آسمان می گذارد و می فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ \* وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ» (۳).

به طور کلی اگر در هر یک از دستورهای اسلام دقت کنیم، جامعیت تعجب آوری به چشم می خورد.

ای کاش نماز گزاران ما همه کمالات را داشته باشند تا همه دل های پاک را به نماز دعوت کنند و تنها به نماز ظاهری، بدون توجه به دیگر کمالات قانع نباشند.

۹. مقایسه نماز با عبادت های ادیان دیگر

یکی از راه های دعوت به نماز توجه به تفاوت هایی است که بین نماز اسلام و عبادت های ادیان دیگر وجود دارد. در نماز صدها راز و رمز نهفته است که قابل مقایسه با هیچکدام از نیایش های دیگر ادیان نیست.

کافی است شما اذان نماز را با ناقوس کلیسا مقایسه کنید:

- اذان، شعاری است که با «الله» شروع می شود و با «الله» پایان می یابد؛

- انجام آن برای هر فردی ممکن است؛

- در همه جا قابل اجراست؛

- هیچ ابزار و وسایلی نمی خواهد؛

- نشانه آزادی بیان است؛

ص: ۱۱۲

۱- . بقره: ۲۸۵.

۲- . شوری: ۵.

۳- . غاشیه: ۱۷ و ۱۸.

- فریاد توحید است؛

- کلید شکستن سکوت است؛

- جلوه ای از عقاید و افکار است؛

- همراه با کلمات موزون، پرمحتوا، منطقی و برای همه قابل فهم است؛

این اذان را با ناقوس مقایسه کنید که صدای آن مثل ساعت های بزرگ در میادین شهر است؛ نه آهنگی دارد و نه محتوایی. برخاسته از جماد و حرکت آهن پاره؛ بدون نیت و محتوا.

در خود نماز نیز به مسایل زیادی توجه می شود؛ از جمله از سر تا پا، زبان و عمل، جسم و روح، مبدأ و معاد، خلق و خالق، حضور در جامعه، حضور قلب در پیشگاه خدا، طرف داری از خوبان و تنفر از مغضوبین و ضالین، قرآن و دعا، انبیا و اولیا، پاکی جسم و پاکی روح، فرادا و جماعت، حداقل و حداکثر، جهت گیری به سوی قبله و اجازه ورود برای هر فرد بدون امتیاز و گزینش، ایستاده و خمیده و نشسته، انتخاب عادل و آزادی در انتخاب، توجه به خورشید برای شناخت ظهر، توجه به ماه برای نماز اول و آخر ماه، توجه به

ستارگان برای تشخیص قبله، توجه به آب در وضو و غسل، توجه به خاک در سجده و تیمم، توجه به امامت و شهادت در انتخاب مهر کربلا و صدها امر دیگر.

در کدام آیین، کشور و در کدام مراسم ملی، فرهنگی و مذهبی چنین سرودی را می توان یافت؟ این مقایسه ها انسان را نسبت به نماز دلگرم می کند.

۱۰. اظهار علاقه بزرگان به نماز

از عوامل دعوت به نماز، اظهار علاقه بزرگان به نماز است. امام

حسین □ به لشکر یزید پیام داد: جنگ را از تاسوعا به عاشورا به تعویق اندازید؛ زیرا من نماز را دوست دارم و می‌خواهم یک شب دیگر نماز بخوانم: «أَنْتِي أَحِبُّ الصَّلَاةَ» (۱)

پیشنهاد عملی

اگر عکس امام خمینی - که در آستانه نود سالگی که با بیماری شدید و اتصال سرم به بدن، به کمک دو نفر نماز خود را به طور ایستاده می‌خواند - در بیمارستان‌ها جلوی چشم بیماران قرار بگیرد، بیمار به دلیل یک مسأله جزئی دست از نماز بر نمی‌دارد و حاضر نمی‌شود نمازش را با وجود مشکل کم، بدون وضو یا بدون قیام انجام دهد.

خاطره ای عجیب

جناب حجت الاسلام و المسلمین ابوترابی □ که رهبر آزادگان بود، در یکی از اجلاس‌های سراسری نماز - که هر سال با پیام رهبر معظم انقلاب و معمولاً با حضور رییس جمهور افتتاح می‌شود و در آن صدها نفر از مسئولین فرهنگی درباره نماز گفتگوهایی دارند - خاطره مهمی را بیان کرد.

در زمان حمله حزب بعث عراق به دستور صدام و تصرف بخش‌هایی از ایران و وجود هزاران شهید، جانباز و اسیر، خاطرات مهمی از نماز اسرا و جانبازان و وصیت‌های بسیاری در وصیت‌نامه شهدا به چشم می‌خورد که بسیاری از آنها می‌تواند مستند خوبی برای تهیه فیلم‌های گوناگون باشد.

آقای ابوترابی در آن اجلاس نماز گفتند: در ده سال اسارت ما در اردوگاه عراق و شکنجه‌های طاقت فرسا، دستوری صادر شد

ص: ۱۱۴



که چند نفر از اسرای مؤثر را شبانه با شکنجه به قتل برسانند. ستمگران بعثی جمعی را از میان اسرا خارج کردند و تصمیم گرفتند آنها را با شکنجه به شهادت برسانند. به دو نفر از آنها چنان سیلی محکمی زده بودند که چشمان از حدقه بیرون آمد و روی موزاییک‌ها افتاد. بعضی را با کوبیدن میخ بر سر و بعضی را با ضربه‌ای که به کشته شدن آنها اطمینان پیدا می‌کردند، شکنجه کردند.

این افراد روی زمین افتادند و در حالی که نفسشان به شماره افتاده بود و در خون خود می‌غلطیدند، از گوشه چشم، سپیده صبح را دیدند و احساس کردند که طلوع فجر است. با همین شرایط نماز خواندند، ولی مدتی که گذشت معلوم شد اشتباه کردند و نماز را پیش از اذان خوانده‌اند. آنها در آن شرایط یکبار دیگر نماز صبح را به جای آوردند...

امام حسین  $\square$  در کربلا و ظهر عاشورا نه تنها از نماز دست برداشت، بلکه مستحبات نماز را هم تا حد امکان انجام داد؛ اذان و اقامه، نماز اول وقت و نماز با جماعت.

حضرت زینب  $\square$  در غروب عاشورا که داغ و هفتاد و دو تن از جمله دو فرزند، چند برادر و چندین تن از خویشاوندان را دیده بود، مسئولیت جمع آوری یتیمان و پرستاری امام سجاد  $\square$ ، آماده شدن برای اسارت، دلداری و سرپرستی صاحبان عزا در شب تاریک، آن هم در میان لشکر دشمن را بر عهده داشت و با وجود بحرانی‌ترین مدیریت تاریخ روبه رو شد، نه تنها از نماز خود نکاست، بلکه از نماز شب که مستحب می‌باشد نیز صرف نظر نکرد.

به نظر می‌رسد که اگر عکس و پوستری از نماز شخصیت‌های

برجسته در دست باشد، خود نوعی دعوت به نماز به شمار می آید. اگر به جای اینکه عکس چهره امام و رهبری نصب شود، از عکس‌هایی که در حال نماز جماعت هستند، استفاده شود، مفیدتر خواهد بود.

عکس نماز خلبان پای پرواز در فرودگاه، عکس دکتر حسابی در حال نماز در کلاس‌های فیزیک، عکس نماز جماعت قهرمانان ورزشی در زمین ورزش و عکس پزشک جراح در بیمارستان و مانند آن می‌تواند نوعی دعوت به نماز باشد.

اگر مربیان، معلمان، استادان و فرهیختگان، علاقه خود را به نماز نشان دهند، نماز در میان نسل نو و علاقه‌مندان رونق پیدا می‌کند؛ همانگونه که اگر مردم از نوعی غذا استقبال کنند، تولید و پخش آن غذا در مغازه‌ها بیشتر می‌شود. ولی اگر ما میان نمازگزار و تارک نماز تفاوتی قرار ندهیم، نماز رونق نمی‌یابد. چنانکه حضرت علی ع فرمود: نباید نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان باشد: «وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ» (۱).

در حدیث دیگر می‌خوانیم همین که به کار خلافی برخورد کردید یا با قدرت و یا با زبان نهی از منکر کنید و اگر با هیچیک نشد، حداقل با عبوس کردن چهره «بوجوه مکفه‌ه» (۲) تنفر خودتان را نشان دهید.

۱۱. دوستان نمازگزار

نقش دوست در تربیت انسان بر کسی پوشیده نیست. شاید

ص: ۱۱۶

۱- همان، نامه ۵۳.

۲- الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۵، ص ۵۹.

بتوان گفت که مسأله اعتیاد، فقط از راه دوست ناباب ایجاد می شود. به قول شاعر:

تو اول بگو با کیان زیستی که تا من بگویم که تو کیستی؟

به قول شاعری دیگر:

منشین با بدان که صحبت بد گرچه پاکی، تو را پلید کند

آفتابی ار چه روشن است، او را پاره ای ابر ناپدید کند(۱)

اگر ما برای خود و فرزاندانمان با دوستان نمازخوان رابطه تنگاتنگ داشته باشیم و یکدیگر را مراقبت و حمایت کنیم، به گونه‌ای که بچه‌های مذهبی احساس محرومیت از تفریحات سالم نداشته باشند، خواهیم توانست نسل خود را از نظر نماز بیمه نماییم.

مرحوم شهید بهشتی □ گاهی تمام دوستان خود، همسر و فرزندان‌شان را به بعضی از باغ‌ها می برد و با آنها گفتگو می کرد تا بچه‌های مسجد و دوستان مذهبی و انقلابی احساس نکنند که مذهبی شدن یعنی محروم شدن.

در این زمینه قرآن کریم، یکی از صحنه‌های گفتگوی بهشتیان با جهنمیان را این چنین بیان می کند: بهشتیان از دوزخیان می پرسند: چه باعث شد که شما جهنمی شدید؟ «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ»؛(۲)

آنان در پاسخ چهار عامل را بیان می کنند:

ص: ۱۱۷

---

۱- سنایی.

۲- مدثر: ۴۲-۴۶.

- رها کردن نماز: «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»؛

- بی‌اعتنایی به فقرا: «وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ»؛

- دوستی با ناهالان: «وَكُنَّا نَحْوُصُّ مَعَ الْخَائِضِينَ»؛

- تکذیب قیامت: «وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ».

و در جایی دیگر می‌فرماید: افرادی که دوست نا‌اهل بگیرند، در قیامت نه نوک یک انگشت و تمام یک انگشت و نه انگشتان یک دست، بلکه انگشتان دو دست خود را گاز می‌گیرند: «يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ» (۱) و می‌گویند: ای کاش با فلانی رفیق نمی‌شدیم: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»؛ (۲)

خاطره ای از حضرت امام(ره)

در خاطرات امام خمینی  می‌خوانیم که هر گاه دوستان پیشنهاد خارج شدن به منطقه ای برای تفریح را مطرح می‌کردند، می‌فرمود: به دو شرط. اول: نماز اول وقت فراموش نشود. دوم: هیچ کس حق غیبت ندارد.

دوست بد ممکن است در یک لحظه اثر نگذارد، ولی مثل دود می‌ماند که اگر در اتاقی ماند، اتاق را کم‌کم سیاه می‌کند. شاعر می‌گوید:

تا توانی می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها تو را بر جان زند یار بد بر دین و بر ایمان زند (۳)

درباره اثرگذاری دوست، به یک خاطره مهم دیگر توجه نمایید:

ص: ۱۱۸

---

۱- . فرقان: ۲۷.

۲- . فرقان: ۲۸.

۳- . مولوی.

یک بار ما از نوجوانان درخواست کردیم که شیرین ترین نمازی که در عمرتان خواندید را برای ما بنویسید. نامه های فراوانی به دست ما رسید که بعضی از آنها واقعاً فیلمنامه بود. در اینجا یکی از آن نامه ها را برای شما نقل می کنم تا ببینید چگونه انسان ها از یکدیگر اثر پذیرند.

خاطره دختر ۱۱ ساله

متن زیر، نامه دختری است که خاطره خود را برای ستاد اقامه نماز ارسال کرد:

«ستاد اقامه نماز، سلام!

شیرین ترین نمازی که خوانده ام این بود:

در سفری همراه با والدین در اتوبوس نشسته بودم و به زمین و آسمان نگاه می کردم. خورشید را دیدم که کم کم غروب می کند. یادم آمد نماز ظهر نخواندم. به پدرم گفتم: از راننده درخواست کن تا توقف کند تا من نمازم را بخوانم. پدرم گفت: راننده به خاطر نماز یک دختر بچه توقف نمی کند و اگر هم توقف کند، ممکن است بعضی از مسافران ناراحت شوند.

گفتم: خودم به راننده می گویم. پدر گفت: گوش نمی دهد. گفتم: به راننده پول بدهیم تا دقایقی توقف کند. پدر گفت: با پول توقف نمی کند. پدر که اصرارم را دید، با تندی گفت: ای کاش نمازت را می خواندی و مزاحم مردم نمی شدی؛ حالا سر جای بنشین و بعداً نمازت را قضا کن.

به پدرم گفتم: خواهش می کنم امروز به من اجازه بدهید که خودم تصمیم بگیرم و در کار من دخالت نکنید. پدرم سکوت کرد.

ص: ۱۱۹

زیپ ساک پدر را باز کردم و بطری آبی که در آن بود را بیرون آوردم و سطلی را هم که زیر صندلی آویزان بود، از صندلی جدا کردم. تصمیم گرفتم با همان آب و در همان سطل در وسط ماشین وضو بگیرم و نشسته، روی صندلی نماز را بخوانم.

همین که مشغول وضو بودم، شاگرد راننده پرسید: چه کار می کنی؟ ماجرا را توضیح دادم و او هم همه چیز را به راننده گفت. راننده که از آینه ماشین وضو گرفتن مرا می دید، خوشش آمد؛ (خدا وعده داده است که هر کس برای خدا حرکتی کند، مهر و محبتش در دلها می نشیند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (۱))

راننده گفت: دخترم! من به احترام نماز شما دقایقی توقف می کنم. با خوشحالی از او تشکر کردم و از ماشین پیاده شدم و مشغول نماز شدم. تمام مسافران اتوبوس از کار من تعجب کرده و به یکدیگر نگاه کردند و برخی به همدیگر گفتند: ما هم نماز نخواندیم. آفرین بر این دختر و اراده و عزم او. همین دختر روز قیامت برای ما حجت است.

نماز که تمام شد، دیدم هفده نفر از مسافران به نماز ایستادند. این شیرین ترین نماز من بود که در بیابان توانستم نماز و یاد خدا را زنده کنم»

آری! گاهی یک دوست، همسفر، فروشنده، مشتری، و هم شاگردی، با یک رفتار می تواند در فرد یا افرادی اثر بگذارد.

۱۲. جریان سازی و استفاده از فرصت ها

برای دعوت به نماز باید مساجد را تقویت کرد. از عواملی که

ص: ۱۲۰

۱- .مریم: ۹۶.

جاذبه مسجد را زیاد می‌کند، آن است که انسان از لابه لای افکار، حوادث و اخلاقیات، بتواند جرقه‌ها را به جریان تبدیل کند و خاطراتی را تولید نماید.

برای مثال همین که فرزند پیامبر<sup>ﷺ</sup> از دنیا رفت و در همان زمان خورشید گرفتگی پیش آمد، مردم گفتند: این گرفتگی خورشید به دلیل درگذشت فرزند پیامبر است. مردم در مسجد جمع شدند. پیامبر<sup>ﷺ</sup> بالای منبر رفت و فرمود: فرزند من مثل دیگران است و با مرگ او ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی رخ نمی‌دهد. (۱)

در صدر اسلام، بسیاری از جریان‌های تلخ و شیرین و خاطرات عبرت آور در مسجد رخ داده است. حتی زنی در هنگام سخنرانی پیامبر از وی تقاضای شوهر کرد؛ حضرت از مردم پرسید: آیا کسی هست تا با

این خانم ازدواج کند؟ کسی اعلام آمادگی کرد. حضرت از وی پرسید: مهریه چه داری؟ گفت: هیچ، حضرت پرسید: آیا قرآن یاد داری؟ گفت: بله. پیامبر از آن زن پرسید: آیا حاضری مهریه ات آموزش قرآن باشد؟ زن گفت: بله. پیامبر نیز این ازدواج را برقرار کرد. (۲)

مهمترین خاطره تاریخ که غدیر خم است، در روز عید غدیر و پس از نماز ظهر انجام شده است. (۳)

نماز امام حسین<sup>ﷺ</sup>، در ظهر عاشورا در برابر سی تیر، یک خاطره سازی بی مانند است. سخنرانی امام زین العابدین در مسجد شام و استیضاح حکومت بنی امیه، براندازی یک رژیم است.

بنابر احادیث، امام صادق<sup>ﷺ</sup> به ابان ابن تغلب می‌فرماید:

ص: ۱۲۱

۱- ترجمه من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۵۷.

۲- جامع احادیث الشیعه (للبروجردی)، ج ۲۶، ص ۴۴۰.

۳- الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۸، ص ۲۸.

در حدیث دیگری می خوانیم: اهل مسجد به یکی از هشت فایده می رسند که یکی از آنها اطلاعات جدید است: «عِلْمًا مُشْتَرَفًا». (۲)

در حدیث دیگری آمده است که افرادی در مسجد به عبادت، تلاوت و ذکر مشغول بودند و افرادی مشغول گفتگوی علمی. پیامبر هر دو گروه را پسندید، ولی فرمود: من به گروه گفتگوی علمی می پیوندم.

اینکه در صدر اسلام در مسجد، هم جلسه مشورت تشکیل می شد، هم عقد خوانده می شد، هم سؤال و جواب برقرار بود، هم آیات ابلاغ می شد، هم ترک کنندگان زکات از مسجد اخراج می شدند، هم از مسجد به جبهه اعزام می شدند و مانند آن، نشان گر آن است که مسجد باید پویا، جامع و خاطره انگیز باشد؛ آن هم خاطراتی شیرین. به همین دلیل است که دستور داده اند مجرم را در مسجد شلاق نزنید؛ چون این خاطره تلخ است.

اسلام، نه تنها از مسجد، بلکه از کوچه و خیابانی که به مسجد می رسد، برای رشد جامعه استفاده می کند.

چنانچه در احادیث آمده است که شخصی خدمت امام آمد و از همسایه خود شکایت کرد. پس از چند مرحله صبر و تحمل که سودی نداشت، حضرت به او دستور داد تا اثاث خود را در کوچه بگذارد و کنارش بایستد و به کسانی که به مسجد می روند بگوید: «صاحب این خانه مرا عاجز کرده» تا با این وسیله همسایه ظالم را تنبیه کند.

امام خمینی<sup>۱</sup> نیز در بهه ای برای ایجاد فشار بر رژیم طاغوتی

ص: ۱۲۲

---

۱- . مناهج الأخیار فی شرح الإستبصار، ج ۲، ص ۱۳۹.

۲- . امالی، ص ۳۹۰.



شاه، دستور داد برای مدّتی نمازهای جماعت‌ها تعطیل شود تا از احساسات دینی مردم علیه رژیم استفاده کند. ایشان حتی یک سال دستور داد کسی برای نیمه شعبان چراغانی نکند؛ این نیز فشار دیگری بر حکومت بود.

خاطره ای درس آموز

مرحوم آیت الله یثربی، امام جمعه کاشان که از علمای محبوب بود، دو دسته از عزاداران امام حسین  $\square$  را که با هم اختلاف داشتند، در چند مرحله دعوت و نصیحت کرد؛ اما آنها نپذیرفتند. در نهایت وی عمامه خود را به زمین زد و به صورت خود زد. به این ترتیب خشونت و سنگدلی آنها شکسته شد و مردم هم که دیدند عالمی هشتاد ساله به خود سیلی زد، خجالت کشیدند و با هم آشتی کردند.

بنابر احادیث گاهی حضرت علی  $\square$  نیز از این گونه فریادها سر می داد و گاهی به صورت خود لطمه می زد. در احادیث دیگری نیز می بینیم که ایشان در مقابل جمعیت بلند گریه می کرد: «بُكَاءٌ شَدِيداً»<sup>(۱)</sup>.

واقعاً اگر کسی همت کند و این گونه خاطرات مساجد را جمع آوری کند، کتاب های زیادی نوشته خواهد شد.

از سوی دیگر اگر اهل مسجد برای بیماری که نمی تواند به مسجد بیاید، دعا کنند، تمام بستگان بیمار به نماز و مسجد خوش بین می شوند؛

اگر زنان با تجربه و متدین، برای دختران مسجدی همسریابی کنند و مردان مسجدی برای جوانان آستینی بالا بزنند، مسجد

ص: ۱۲۳

پرجاذبه خواهد شد؛

اگر گوسفندانی که برای نوزاد به عنوان عقیقه ذبح می شود، وسیله اطعام اهل مسجد قرار گیرد؛

اگر از شاگرد اول ها در مسجد تجلیل شود و عکسشان در خیابان بر سر در مسجد نصب شود؛

اگر اجازه دهیم افراد خوش صدا از نسل نو، به نوبت مسئولیت اذان مسجد را برعهده بگیرند؛

اگر نسل نو مقالات کوتاه و شیرینی بنویسند و آنها را در مسجد بخوانند و مانند این کارهای فرهنگی، تربیتی و اجتماعی را انجام دهند، آن وقت مسجد رونق ویژه ای خواهد یافت و این رونق نیز دعوت عملی به حضور در نماز جماعت است.

یک خاطره ورزشی

کسی از ایران برای مسابقه ورزشی به امریکا می رفت تا قهرمان دنیا شود. به او گفتم: اگر قهرمان دنیا شدی با همان لباس ورزشی سجده شکر طولانی انجام بده تا تمام ماهواره ها آن را نشان بدهند و به دنیا اعلام کن که مسلمانی. همین که خداوند نعمتی و توفیقی داد، باید شکر کرد و بهترین حال شکر، سجده است. در این ماجرا، سجده قهرمان ورزشی می تواند پیام اسلام را به دنیا برساند؛ در حالی که استادان حوزه و دانشگاه، سیاستمداران و تاجران در این صحنه نمی توانند نقش مستقیمی ایفا کنند.

به هر حال دعوت گاهی باید با مهمانی باشد،

گاهی با نامه،

گاهی با هنر،

ص: ۱۲۴

گاهی در مکان خاصی،

گاهی در زمان خاصی،

گاهی با اسلوب خاصی و

گاهی با قدرت.

تبلیغ و دعوت یک هنر است که اگر با انبوه تجربه ها، اطلاعات، ابزارها و شیوه ها همراه باشد، کارآیی بیشتری خواهد داشت و گاهی اگر از شیوه و ابزار درستی استفاده نشود، ممکن است اثر معکوس داشته باشد.

قرآن برای تبلیغ و راز و رمز آن آیات بسیاری دارد. تنها درباره سخن گفتن می فرماید: «قَوْلًا كَرِيمًا»، «قَوْلًا سَدِيدًا»، «قَوْلًا لَيْنًا»، «قَوْلًا مَعْرُوفًا». (۱)

گاهی باید خدماتی به مردم عرضه کرد و سپس آنها را به سوی حق دعوت نمود. قرآن می فرماید: «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ» و بعد می فرماید: «وَاعْمَلُوا صَالِحًا». (۲)

خداوند به موسی و هارون می فرماید: مشکل مسکن را حل کنید: «تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْتًا». (۳)

مردم آب خود را از موسی می خواستند، (۴)

از عیسی نان (۵)

و از ذو القرنین سد. (۶)

در قرآن دستور بندگی خدا بعد از آنی است که مردم از نظر

ص: ۱۲۵

---

۱- در کتاب امر به معروف ۳۰ روش برای امر به معروف آورده شده است. به آنجا مراجعه شود.

۲- مومنون: ۵۱.

۳- یونس: ۸۷.

۴- بقره: ۶۰.

۵- مائده: ۱۱۲.

۶- کهف: ۹۴.

معیشت و امنیت در امان قرار گرفتند: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ \* الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (۱).

۱۳. مشارکت افراد فرهیخته

در جامعه افرادی به دلایل اخلاقی، علمی، هنری، فنی و ورزشی نمود بیشتری دارند و به اصطلاح «چهره» هستند. به طور طبیعی، دعوت به نماز از حلقوم آنان اثر بیشتری دارد. در روایات ما آمده که بزرگان هر قومی را احترام بگذارید، زیرا جذب آنها سبب جذب دیگران می شود.

جمله معروفی است که: «الناس علی دین ملوکهم» و در حدیث می خوانیم: شباهت مردم به چهره های معروف و مسئولان در الگوگیری و تأثیر پذیری، بیش از شباهت مردم به پدران و مادران است. حضرت امیرؑ نیز به فرمانداران خود نظیر مالک اشتر و برخی دیگر نسبت به اقامه نماز سفارش ویژه دارد.

همچنین قرآن می فرماید: هر جا که تو در میان مردم هستی، باید اقامه جماعت کنی: «وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ» (۲).

شرکت در نماز از سوی مسئولان، استادان، مدیران و معلمان و هر کسی که به هر دلیلی جایگاه اجتماعی دارد، یک امر به معروف عملی است. البته برخی به اسم اینکه نگران ریاکاری و خودنمایی هستند، نمازشان را در جای خلوتی می خوانند؛ در حالی که باید بدانند این ریا نیست، بلکه امر به معروف عملی است و آنچه ناپسند است، خودنمایی است، نه خوب نمایی.

ص: ۱۲۶

۱- . قریش: ۳ و ۴.

۲- . نساء: ۱۰۲.

هنر سبب نفوذ آموزش و اثر بخشی بیشتر و سبب ماندگاری در ذهن مخاطب می شود. راه های هنری بسیار است؛ گاهی با تغییر صوت، گاهی با تغییر کلمات، گاهی با کلمات ریتم دار و سجع و قافیه دار، گاهی با شعر، نمایش، داستان، تمثیل و تشبیه، ترسیم روی صفحه، و گاهی با اشاره به صورت مستقیم و گاهی غیر مستقیم است.

البته هنر می تواند در دست افراد منحرف باشد، مثل سامری که با هنرمندی، مجسمه گوساله ای را ساخت و مردم را منحرف کرد و گفت خدای شما همین گوساله است: «هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى»؛ (۱)

و می تواند هنر به دست ولی خدا باشد، مثل حضرت عیسی که از گل، شکل پرنده ساخت و با نفس خود او را به پرواز درآورد و مردم را به خدا دعوت کرد.

هنر می تواند به دست فرعون باشد تا با ساختن برجی در برابر خدا قیام کند: «فَأَجْعَلْ لِي صَرْحًا»؛ (۲)

هم می تواند به دست سلیمان باشد که کاخ بلورین او پادشاه زمان را خیره کند: «حَسْبَنَّهُ لُجَّة»؛ (۳)

آری؛ هنر ترکیبی از الهام، علم، سلیقه، زمان شناسی، مردم شناسی و انتخاب بهترین است. قرآن نیز محتوایی است که از سوی خداوند همراه با آهنگ، هنر، فصاحت و بلاغت القا شده است.

در مورد دیگری خداوند در پاسخ حضرت ابراهیم که پرسید: چگونه مرده ها را زنده می کنی؟ با هنر جواب داد و فرمود: چهار پرنده را بگیر و آنها را ذبح کن و گوشتشان را مخلوط نما و بر سر

ص: ۱۲۷

---

۱- طه: ۸۸.

۲- قصص: ۳۸.

۳- نمل: ۴۴.

بگذار. سپس هر یک از پرندگان را صدا کن؛ خواهی دید که ذرات پخش شده هر پرنده ای را که صدا زدی، از اطراف یکجا جمع می شود. (۱)

در مورد دیگری همین که از حضرت علی  $\square$  تقاضای بیت المال بیشتری (بیش از سهم خود) می شود، حضرت با داغ کردن آهنی به تقاضا کننده می گوید: آیا تو طاقت حرارت این آهن را داری؟ من هم طاقت جهنم را ندارم. (۲)

این عمل یک کار هنرمندانه و مجسم کردن دوزخ برای زیاده طلبان بود.

در جای دیگر وقتی پیرمردی وضوی غلط می گرفت، امام حسن و امام حسین  $\square$  که دو کودک بودند به او گفتند: ما دو نفر وضو می گیریم، شما که پیرمرد هستید، داوری کنید که کدام وضو بهتر است. پیرمرد وضوی آن دو عزیز را دید و گفت: وضوی هر دوی شما درست است و وضوی من غلط است. (۳)

البته ممکن است چیزی در جایی برای فردی هنر باشد، ولی در زمان و مکان دیگری هنر به شمار نیاید.

خاطره ای از یک بیان هنری

یکی از مردان اهل فضل می گفت: برای رانندگان کلاسی داشتم. خواستم دلیل تلخی ها را با مثالی از شغل خودشان برای آنان بگویم. این دلیل را که فلسفی بود، به عمق جانیشان نشاندم و گفتم: بلاها چند نوع است:

۱. بلاهای گازی: بعضی بلاها گازی هستند و به انسان سرعت می دهند. همین که باران خانه ای را خراب

ص: ۱۲۸

۱- . بقره: ۲۶۰.

۲- . نهج البلاغه، خطبه ۲۲۰.

۳- . المناقب، ج ۳، ص ۴۰۰.

کرد، همه همسایگان در ایزوگام کردن پشت بام سرعت می گیرند! همین که طفلی به دلیل استفاده نکردن از واکسن بیمار شد، همه مادران برای واکسن زدن می شتابند!

زلزله ای منطقه ای را خراب می کند، مدیران شهر و مسکن در همه جا در برنامه ریزی های خود به فکر خانه های ضد زلزله می افتند!

۲. بلاهای ترمزی: برخی بلاها ترمزی هستند. گاهی انسان به بلایی گرفتار می شود، از غرور و سرمستی خود کوتاه می آید. برای مثال به کسی عشق و علاقه ای دارد و از او بی مهری می بیند؛ این بی مهری سبب می شود که وابستگی خودش را به او کم کند.

۳. بلاهای کارواشی: برخی بلاها کارواشی هستند؛ یعنی این تلخی باعث یک توبه و بازگشت و پاک شدن روح از زنگارهای گوناگون می شود.

۴. بلاهای تعمیری: بعضی بلاها تعمیری هستند. حادثه ای رخ می دهد و همه بسیج می شوند تا آن حادثه و کمبود را جبران کنند. در این بسیج عمومی، عواطف تحریک، دل ها به هم نزدیک و جامعه بازسازی می شود.

۵. بلاهای اسقاطی: بعضی بلاها اسقاطی هستند؛ مثل قوم لوط، نوح، عاد و ثمود که به دلیل جنایت و لجاجتی که در برابر پیامبران انجام دادند، یکسره سقوط کردند.

به این ترتیب برای رانندگان که با کلمات گاز و ترمز و تعمیر و کارواش مأنوس است، یک بحث فلسفی انجام می شود و این خود، هنر است.

یکی از راه های دعوت به نماز آن است که افراد را به مطالعه کتاب های مفید درباره نماز یا نوشتن انشا و مقاله و خاطره ای درباره نماز، در قالب مسابقات و مانند آن وادار کنیم.

مبلغ باید بداند که یکی از راه های دعوت، قلم و کتاب است و تنها با تذکر زبانی به تمام هدف ها نمی توان رسید. حضرت سلیمان علیه السلام با یک نامه کوتاه تحولی در میان مشرکن ایجاد کرد: «الْقَىٰ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ \* إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (۱).

تهیه انواع محصولات فرهنگی (سی دی، کتاب و...) با محوریت نماز، به خصوص اگر همراه با هنر باشد، می تواند گامی برای دعوت به نماز به شمار آید.

بیان و جمع آوری خاطراتی از نماز گزاران واقعی، که لازم است برای این منظور کتاب هایی به رشته تحریر در آید؛ البته بعضی از آنها نوشته شده و در همین کتاب، به بعضی از خاطرات اشاراتی شده است. نماز رزمندگان در جبهه ها، اسیران در اردو گاه ها، زندانیان در زندان طاغوت، هجرت حضرت ابراهیم (ع) برای نماز، نماز امام حسین (ع) در برابر تیرباران دشمن، نماز شب حضرت زینب کبری (س) در شام عاشورا، نماز مسلم بن عقیل پیش از شهادت، نماز عالمان و عارفان و مخلصان و... نمونه ای از این خاطرات است.

یکی از راه های دعوت، مقایسه بین نقاط مثبت با منفی است.



قرآن کریم که کتاب دعوت است، در آیات فراوانی با مقایسه بین نقاط مثبت و منفی، ارزش خوبی ها و بدی بدی ها را برجسته می کند. برای مثال می فرماید: آیا بینا و نابینا یکسانند؟ آیا مؤمن و فاسق مساوی هستند؟ آیا جاهل و عالم یکسانند؟

افراد مسجدی حتی اگر در محله ای غریب باشند، به دلیل حضور در مسجد احساس تنهایی ندارند. در رفت و آمد به مسجد نوعی نشاط، حرکت و سلامتی جسمی و نوعی امید در سایه ارتباط با خدا وجود دارد و فرد اهل مسجد هرگز خود را در بن بست نمی بیند.

فرد مسجدی خود را به دریا متصل می داند، هدفش رضای خدا، رنگش رنگ الهی، معشوقش اولیای خدا و مسیرش راه خداست. ولی دیگران رابطه شان با طاغوت ها و وسوسه ها، هدفشان رضایت این و آن و رفاقتشان با منحرفان و تعصب و حساسیتشان مربوط به قبیله و رنگ سیاسی و لهجه و نژاد و... است.

اگر زمان جنگ را در نظر بگیریم، خواهیم دید که جوانان مسجدی به جبهه رفتند؛ ولی بعضی از کشور خارج شدند و بعضی در خانه ماندند.

باید مقایسه کنیم که انسان در مسجد چه می شنود و دیگران در جاهای دیگر چه می شنوند؟

در مسجد با چه افرادی رفیق می شود و در جای دیگر با چه افرادی؟

در مسجد پشت سر چه کسی می ایستد و در غیر مسجد پشت سر چه کسی؟

باید مقایسه کنیم میان کسانی که در تمام کارها قصد قربت دارند که چه سودی می برند، ولی آنان که با غیر خدا معامله می کنند، چه ضررهایی می بینند؟

خداوند جنس کم را هم می خرد: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»؛ (۱)

خداوند به قیمت چند برابر و به قیمت بهشت می خرد: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى ... بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ»؛ (۲)

خداوند برای نیتِ کار خیر هم پاداش می دهد؛

خداوند جنس معیوب را هم می خرد. در تعقیب نماز می خوانیم که خدایا اگر در رکوع و سجودش خلل و نقصی بود به لطف خود بپذیر: «إِلَهِي إِنْ كَانَ فِيهَا خَلَلٌ أَوْ نَقْصٌ مِنْ نَبِيِّهَا أَوْ قِيَامِهَا أَوْ قِرَاءَتِهَا أَوْ رُكُوعِهَا أَوْ سُجُودِهَا فَلَا تُؤَاخِذْنِي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْقَبُولِ وَالْغُفْرَانِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (۳)

خداوند بدی ها را به خوبی تبدیل می کند: «يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ» (۴)

همان گونه که در باغچه، آب گل آلود فرو می رود و گل معطر می روید.

ما اگر بین وضوی اسلام و دست و صورت شستن دیگران مقایسه کنیم، خواهیم دید که در وضوی اسلام افزون بر نشاط و نظافت، قرب به خدا نیز وجود دارد؛ چنانچه در دعای وضو جملاتی است که انسان را به معاد گره می زند؛ هنگام شستن صورت از خدا می خواهیم که پروردگارا مرا رو سفید کن، در

حالی که مجرمین روسیاهند. در شستن دست می خوانیم که خدایا نامه عملم را به دست راستم بده در روزی که مجرمین نامه عملشان به دست چپشان است.

ص: ۱۳۲

۱- . زلزال: ۷.

۲- . توبه: ۱۱۱.

۳- . المصباح (للكفعمي)، ص ۲۱.

۴- . فرقان: ۷۰.

باید بین انضباطی که در نماز پیدا می‌کنیم با سر در گمی و هرج و مرج کارهای دیگر مقایسه کنیم. در نماز فقط خدای یکتا و در غیر نماز صدها و هزاران موجود دیگر مطرح است؛

در نماز قبله لازم است و کارهای دیگر هر یک به سویی است؛

در نماز حضور قلب مطرح است، در غیر نماز حواس پرتی؛

در نماز کلمات معین، پر محتوا و حساب شده مطرح است، در حالی که در غیر نماز هر چه دلت خواست می‌توانی بگویی؛

در نماز امام جماعت عادل مطرح است، ولی در غیر نماز هر کس شد؛

در نماز لقمه حلال مطرح است، اما در غیر نماز هر لقمه‌ای که شد؛

در نماز زمان معین است و در غیر نماز هر وقت شد؛

در نماز راه مستقیم و در غیر نماز هر راهی شد؛

در نماز خواهان پیمودن راه کسانی هستیم که مورد انعام الهی هستند، اما در غیر نماز راه هر کس که شد؛

در نماز به نشاط سفارش شده، نه هر حالی و نه کسالت؛

در نماز پیوستگی سفارش شده، نه گاهی خواندن و گاهی نخواندن.

در نماز همراهی با دیگران و جماعت مطرح شده، نه تکروی.

معمولاً در کنار آیات دوزخ، آیات بهشت مطرح شده تا با ملاحظه این تفاوت‌ها انسان مسیر حق را تشخیص دهد.

در دعوت به نماز مقایسه اینها کارساز است: بین مسجد آباد و مسجد مخروبه، امام جماعت موفق با امام جماعت ناموفق، برنامه‌های مفید و غیر مفید، هیئت امنای فعال و غیر فعال، مساجد باز و بسته، اذان زیبا و دلنشین و غیر دلنشین، افرادی که با صدای اذان به سمت مسجد بسیج می‌شوند و محل کار را ترک می‌کنند و افرادی که

صدای اذان را می شنوند ولی عکس العملی نشان نمی دهند؛ نشان دادن صحنه هایی که والدین در خانه یا مسجد نمازشان را با فرزندان می خوانند، با مواردی که اینچنین نیست؛ نشان دادن منطقه ای که زکات آن داده شده و منطقه ای که زکات نداده... اند؛ برجسته کردن کسانی که با کمبود امکانات و با توکل و بندگی خدا به درجات علمی بالا رسیده اند با افرادی که همه امکانات را داشته، ولی به جایی نرسیده اند؛ اینها همه نمونه هایی برای دعوت است.

پیامبر(ص) برادر و خواهر رضاعی داشت؛ یک بار که خواهرش آمد، احترام و یژه ای به او گذاشت؛ ولی نسبت به برادرش به گونه دیگری رفتار کرد. دلیل این تفاوت رفتار را که پرسیدند، حضرت فرمود: «خواهرم به والدینش احترام بیشتری می گذارد، من هم او را احترام کردم ولی چون برادرم این گونه نبود، من نیز به او خیلی احترام نکردم.»(۱)

در سخنان حضرت امیر(ع) می خوانیم: «أزجر المِسیء بَثْوَابِ الْمُحْسِنِ»؛(۲)

یعنی با تشویقی که از نیکوکار می کنی، خلافکار را زجر بده و او را تنبیه کن.

در روایت دیگری می خوانیم که حضرت علیؑ فرمود: نباید خوبان و بدان نزد تو یکسان باشند.(۳)

۱۷. معلم خصوصی

گاهی لازم است برای دعوت به نماز افزون بر گفتگوهای رسمی

ص: ۱۳۴

---

۱- منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۶، ص ۹۱۱.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۷۷.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۵۹.

و عمومی در مساجد و مدارس، از افرادی (معلم، مربی، طلبه) دعوت خصوصی به عمل آید و میان آنها با افرادی که نسبت به نماز ضعف دارند، ارتباط برقرار کنیم؛ هر چند نفر را به یک نفر بسپاریم و او را به عنوان معلم خصوصی نماز آنها قرار دهیم.

بسیارند کسانی که از شرکت در جلسات عمومی و شنیدن تذکرات خجالت می کشند، ولی اگر بین آنان ارتباط چهره به چهره برقرار شود، می توان آنها را بدون هیچ گونه فشار روحی تحت آموزش قرار داد. البته این گفتگوی خصوصی و چهره به چهره، نیازمند شناسایی افراد توانمند و برنامه ریزی و تدبیر دارد.

#### ۱۸. آموزش نماز

اگر انسان نسبت به کاری آگاه باشد و روش انجام آن را یاد بگیرد، انجام آن برایش آسان است. بسیارند افرادی که یا احکام نماز، یا الفاظ آن و یا اسرار آن را نمی دانند. در اینجا والدین، معلمان، مربیان، اساتید، حوزه های علمیه، مسئولان و سازمان های فرهنگی و صدا و سیما هر کدام در شعاع امکانات و اختیارات خود باید نقش ایفا کنند.

آموزش و پرورش باید در هر پایه و کلاس به گوشه ای از آداب و اسرار نماز پردازد و خیال نکند اگر در فلان کلاس چند جمله ای درباره نماز گفت، لازم نیست که در کلاس ها و کتاب های بعدی آن را تکرار کند؛ زیرا خود نماز هم تکراری است و آموزش و تبلیغ آن هم باید با تکرار باشد.

اسلام به ما سفارش کرده که از هنگام تولد نوزاد با گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ، گوش نوزاد را با عبارت «حَيَّ عَلَى الصَّلَوه» آشنا کنیم و در آخرین مرحله که هنگام دفن در

قبرستان است، باز با کلمه «الصلوة» و به جا آوردن نماز بر میت، به نماز توجه شود.

توجه به نماز هم در شادی مطرح است، مانند نماز شب زفاف؛ هم در هنگام احساس خطر، مثل نماز آیات که به هنگام زلزله و رعد و برق دلهره آور خوانده می شود.

نماز هم ابزار تشویق است، مانند نماز جعفر طیار که به جعفر طیار (در برابر خدمات او در حبشه) هدیه شد و هم ابزار توبیخ است که قرآن می فرماید: بر مرده منافقینی که از جبهه فرار کردند، نماز نخوان: «وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا» (۱).

نماز از حضرت آدم تا خاتم الانبیاء ﷺ همیشه در متن برنامه ها بوده است. بنابراین مسائل، باید هم برای هر سال و هم برای هر دوره و کلاس، به زاویه و بُعدی از ابعاد نماز در کلاس های درسی آموزش و پرورش و دانشگاه اشاره ای بشود.

در حوزه های علمیه نیز باید آموزش روش دعوت به نماز در قالب یکی از برنامه ها یا فوق برنامه های جدی انجام گیرد.

نکته: لزوم تدریجی بودن آموزش

همان گونه که پیش تر اشاره کردیم، آموزش نماز باید تدریجی باشد. امام باقر و امام صادق ﷺ در این باره فرمودند: همین که کودک سه ساله شد، به او بگویند عبارت «لا اله الا الله» را هفت بار بگوید؛ سپس او را هفت ماه و بیست روز رها کنید. همین که سن او به سه سال و هفت ماه و بیست روز رسید، به او بگویند که هفت بار بگوید: «محمد رسول الله»؛ همین که چهار ساله شد، بگویند: «صلی الله علی محمد و اله»؛ همین که پنج ساله شد،

ص: ۱۳۶

اگر دست راست و چپ را شناخت، او را رو به قبله بنشانید و به او بگویید که سجده کند. پس از تمام شدن هفت سال، دستور دهید تا دست و صورت خود را بدون مسح بشوید و نماز بخواند. پس از پایان نه سال، وضو را به او یاد بدهید و او را به نماز سفارش کنید. همین که فرزند وضو و نماز را یاد گرفت، خداوند او و والدینش را می بخشد. (۱)

بنابراین نباید به بهانه اینکه فرزند ما به تکلیف نرسیده، دختران خود را بی حجاب رها کنیم؛ زیرا دختری که نه سال با هر لباسی به خیابان آمد، به طور طبیعی در یک لحظه نمی تواند حجاب اسلامی را رعایت

کند؛ همان گونه که اگر کسی چند سال به کاری یا به غذایی عادت کرد، نمی تواند در یک لحظه تغییر روش دهد.

ما باید برنامه های نماز را از مهد کودک و پیش از رسیدن به سن تکلیف، به روشی که مناسب با سن و حوصله آنان است، شروع کنیم و آنان را با نماز و آموزه های پیش از نماز آشنا کنیم. این آموزش ها باید پیوسته باشد و صدا و سیما می تواند نمازهای خوب مدارس را پخش کند. اگر جشن های تکلیف کارشناسی شده باشد، می تواند خود راهی برای دعوت به نماز باشد.

#### ۱۹. ترویج سنت وقف برای نماز

برای دعوت به نماز می توان از راه موقوفات نیز وارد شد. در استان فارس و شهرستان استهبان، درختان زیادی از بادام و گردو وقف شده تا محصول آن در مساجد به بچه های مسجد داده شود.

قرآن در دعوت به عبادت می فرماید: مردم باید بندگی خدا

ص: ۱۳۷

کنند، زیرا که خداوند مشکل گرسنگی و امنیت آنان را حل کرد: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (۱).

در مراسمات محرم و عاشورا، از نقش و سهم اطعام‌های بسیار گسترده نباید غافل شد. در رمضان هم از نقش سفره‌های افطاری نباید غفلت کرد.

حضرت امیر(ع) در مسیر راه مکه با دست مبارک خود چاه‌هایی را حفر می‌کرد و همین که به آب می‌رسید، قلم و کاغذی می‌آورد و آن را برای مسافران خانه خدا وقف می‌نمود. حتی امروز در مسیر راه مدینه به مکه (اطراف مسجد شجره) چاه‌های فراوانی هست که آب گوارایی دارد؛ امروزه آن آب‌ها در ظرف‌های یکبار مصرف ریخته شده و در آنها بسته و نام این بطری‌ها آبار علی است (آبار جمع بئر به معنای چاه و علی، امیر المومنین(ع) است)؛ یعنی بعد از ۱۴۰۰ سال، مردم هنوز از دست‌رنج علی ابن ابیطالب(ع) در راه مکه استفاده می‌کنند.

ما باید برای دعوت به نماز، مردم را به نذر کردن برای نماز، وقف نماز و تشویق نماز، راهنمایی کنیم؛ زیرا نماز «بِرِّ» است و این گونه کمک‌ها نوعی تعاون بر «بِرِّ» می‌باشد که قرآن می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ» (۲).

راستی چگونه دشمنان بشریت برای عیاشی، هرزگی و گناه، مستهجن‌ترین عکس‌ها را به وسیله ماهواره، سایت، اینترنت و مانند آن رایگان در اختیار نسل نو می‌گذارند، ولی ما مسلمانان برای دعوت به نماز، حتی به اندازه درصدی از آن تلاش نمی‌کنیم.

ص: ۱۳۸

---

۱- . قریش: ۳ و ۴.

۲- . مائده: ۲.



گرچه سفارش قرآن آن است که با قول رسا و نرم و زیبا دیگران را به نماز و حق دعوت کنیم، اما همین قرآن سفارش می کند که اگر در مسیر دعوت، به افراد متکبر برخورد کردید، تکبر آنان را بشکنید. قرآن کریم می فرماید: اگر گروهی از دین خدا برگشتند و ریزش کردند (مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ)، در مقابل، دیگرانی به دین ملحق خواهند شد و رویش خواهند داشت: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ» (۱).

در جایی دیگر می فرماید: اگر گروهی از بندگی خدا سرپیچی می کنند، در عوض خداوند متعال، فرشتگانی دارد که دائماً در حال عبادت هستند و خسته نمی شوند. (۲)

زینب کبری (س) همین که غروب عاشورا را دید، گفت: این حسین زائرانی خواهد داشت که این غربت و مظلومیت را جبران خواهند کرد. ایشان در سخنرانی خود در پایتخت بنی امیه، در حال اسارت، به شخص اول حکومت (یزید) گفت: من تو را وجود پست و کوچکی می بینم! (أَسْتَصْغِرُ قَدْرَكَ). (۳)

خاطره ای جالب

در سفری که به کره شمالی داشتم، شبی پیش از خواب با خود فکر کردم که در این کشور، همه کافر و کمونیست هستند و چرا خدا در این منطقه عبادت نمی شود. با خود گفتم: تو که خدا را می شناسی، از رختخواب برخیز و چند رکعتی نماز بخوان تا خدا را از غربت بیرون آوری!

ص: ۱۳۹

۱- . مائده: ۵۴.

۲- . انبیاء: ۲۰.

۳- . بلاغات النساء، ص ۳۶.

برخواستم و وضو گرفتم و همین که خواستم به نماز بایستم، یاد این افتادم که کل هستی در حال تسییح و سجده و قنوت است و هرگز خدا غریب نیست. با این توجه، افرادی که می پندارند لجاجت آنها در هستی اثری دارد، بدانند که مخلوقات خدا از جمادات تا فرشتگان، آنقدر زیادند که نماز خواندن و نخواندن ما در خدایی او اثری ندارد.

ص: ۱۴۰



پس از آنکه با راه های دعوت به نماز آشنا شدیم، باید بدانیم که افراد، گروه ها و نهادها نیز در این خصوص وظایفی را به عهده دارند که اگر این وظایف به خوبی پیگیری شود، دعوت به نماز از نتیجه مطلوبی برخوردار خواهد بود.

این گروه ها و نهادها عبارتند از: خانواده، مسجد، مدرسه، حاکمیت و اقشار مختلف مردم که به تفکیک مطالبی را درباره هر یک طرح می کنیم.

اول: خانواده

۱. اهمیت و ضرورت توجه والدین به نماز

والدین مسئول عقائد، افکار و اخلاق فرزندان هستند و فرزندان امانتی در اختیار والدین؛ پس هر نوع کوتاهی، خیانت به این امانت است. قرآن بارها سفارش کرده که نسبت به فرزندان خود دلسوز و از انحراف آنها نگران باشید. خداوند در قرآن یکی از دلایل بهشتی شدن والدین را همین دغدغه می داند: «إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ» (۱).

در جای دیگر نیز می فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» (۲).

چندین بار هم از زبان اولیای خدا (نوح، ابراهیم، یعقوب، لقمان) با واژه «یا بُنَّی» توجه والدین به فرزند را مطرح کرده است (۳).

والدین باید بدانند که فرزندان رمز بقا و سرمایه گذاری در تاریخ

ص: ۱۴۲

---

۱- . طور: ۲۶.

۲- . تحریم: ۶.

۳- . حضرت نوح: «یا بنی اربک معنا»، (هود: ۴۲)، حضرت ابراهیم: «یا بنی انی اری فی المنام» (صافات: ۱۰۲)، حضرت یعقوب: «یا بنی لا تقصص رؤیاک علی اخوتک» (یوسف: ۵) و حضرت لقمان: «یا بنی اقم الصلوه» (لقمان: ۱۷).

هستند و هرچه از جان، مال و زمان برا تربیت آنها سرمایه گذاری کنند، در طول تاریخ بهره خواهند برد و در تمام کارهای خیر فرزندان شریکند.

والدین باید بدانند حضرت ابراهیم برای نماز فرزندان خود از خدا یاری می طلبید و می گفت: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي» (۱). آنها باید بدانند که حضرت ابراهیم، همسر و کودک خود را در سخت ترین مکان‌هایی که آب و گیاهی نداشت، در کنار کعبه مسکن داد و به خدا گفت: «پروردگارا! دلیل این اسکان، اقامه نماز توسط فرزندانم است» (۲).

جالب آنکه تمام کسانی که به مکه می روند برای حج و یا عمره می روند؛ اما بانی کعبه می گوید: من نه برای حج آمده‌ام و نه برای عمره؛ بلکه برای اقامه نماز آمده‌ام.

باید در هر خانه ای کتابی که در سطح افکار فرزندان است، وجود داشته باشد و نباید فقط آموزش نماز را به آموزش و پرورش و مسئولین تربیتی یا مساجد واگذار کرد. در یک پرسش میدانی که از فرزندان سؤال شده بود، نماز را از خانه آموختید یا مدرسه یا مسجد؟! بیشتر آنها گفتند: نماز را در خانه آموختیم. در سؤال دیگری پرسیدند از پدر یا مادر؟ بیشتر آنها گفتند: از مادر.

قرآن نیز می فرماید: مسجد که می روید با خود زینت ببرید: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (۳)

و قرآن کریم مال و فرزند را زینت می داند و می فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةٌ» (۴).

بنابراین هرگاه به

ص: ۱۴۳

---

۱- . ابراهیم: ۴۰.

۲- . ابراهیم: ۳۷.

۳- . اعراف: ۳۱.

۴- . کهف: ۴۶.

مسجد می روید باید با خود فرزند و پول ببرید تا افزون بر عبادت ما، تربیت فرزند و تغذیه فقیران نیز تأمین شود.

اگر به لباس و مسکن و تحصیل فرزند برسیم؛ ولی فرزند ما نسبت به نماز کاهل باشد، نتیجه اش این می شود که سرمایه خود را فدای دنیای دیگران کرده ایم، ولی دست ما در قیامت خالی است.

والدین باید از مدیر و مربی مدرسه ای که در آن اقامه جماعت می شود، تشکر کنند. آنها خود باید با حضور در مسجد و نماز اول وقت، الگویی عملی فرزند باشند.

#### چند خاطره تربیتی

\* یکی از بزرگان گفت: دیدم فرزند جوانم در خانه نماز فرادا می خواند. به مادرش گفتم: از او پرس چرا با اینکه مسجد نزدیک خانه است، به مسجد نمی رود؟ فرزندم این گونه پاسخ داده بود: به پدر بگو چرا خودت به مسجد نمی روی!؟

\* یکی از وزیران می گفت: فرزندم که می خواست به مدرسه برود، به او مبلغی پول دادم. همین که از مدرسه برگشت، به من گفت: آن مبلغ را در راه به فقیر دادم. فرزند را خواستم و ده برابر آن مبلغ را به فرزندم دادم. سپس قرآن آوردم و این آیه را برای او خواندم که: «هر کس کار خیری انجام دهد، خداوند متعال ده برابر به او پاداش می دهد». من بر اساس این آیه، ده برابر آنچه به فقیر دادی، به تو می دهم. به این ترتیب مسأله انفاق و تشویق و تفسیر و تربیت یکجا عملی شد: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (۱).

ص: ۱۴۴

\* آیت الله مدنی شهید محراب می گفت: در بازار نجف می رفتم که دیدم دو نفر از فرزندان آیت الله سید محسن حکیم جلوی من راه می روند و با هم گفتگو می کنند. یکی از آنها از دیگری پرسید: این حرفی که می گویی راست است؟ برادر دیگر پاسخ داد: مگر دیشب پدر ما همه فرزندان را دور خود جمع نکرد و نگفت: «تصمیم بگیرید هرگز دروغ نگویید و ما هم به ایشان قول دادیم؟!»

آیت الله مدنی شهید محراب می گفت: از این گفتگو فهمیدم که این مرجع بزرگوار کنار مرجعیت در سطح وسیع، چگونه مواظب گفتار فرزندان خود نیز هست.

بنابر روایات، امام باقر<sup>ع</sup> فرزندان را برای آمین گفتن در جلسه دعا حاضر می کرد. در قرآن نیز می خوانیم که پیامبر<sup>ص</sup> در داستان مباحله کودک را با خود برد. (۱)

به هر حال قرآن از والدین متعهد تجلیل می کند و می فرماید: حضرت اسماعیل<sup>ع</sup> پیوسته خانواده خود را به نماز سفارش می کرد: «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ» (۲)

و از والدینی که نسل کاهل نسبت به نماز تحویل می دهند، انتقاد کرده و می فرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا» (۳)

البته گاهی والدین تمام تلاش خود را می کنند و این فرزندان هستند که نماز را ضایع می کنند.

در اینجا باید گفت که معنای ضایع کردن نماز، نخواندن آن نیست؛ بلکه تأخیر آن

ص: ۱۴۵

---

۱- آل عمران: ۶۱.

۲- مریم: ۵۵.

۳- مریم: ۵۹.

از اول وقت و غلط خواندن آن و انجام آن به شیوه نامناسب، با سرعت و بدون حضور قلب است.

به راستی اگر ما که در اولین عبارت نماز «الله اکبر» می گوئیم، این واژه ها را با جان خود باور کنیم، هیچ چیز دیگری را نباید بر نماز برتری دهیم.

#### ۱. روش های پیشنهادی برای والدین

والدین می توانند با خرید سجاده ای زیبا یا با محبت های ویژه، گفتگوی عاطفی، علمی، تشویق و احترام و در موارد کاهلی آنها، با عبوس شدن و قهر موقت، رضایت یا عدم رضایت خود را اعلام کنند.

گاهی فرزندان کوچک را به حفظ قرآن، اشعار، سرودهای دسته جمعی و تواشیح وادار می کنیم، اما این سرمایه گذاری را درباره اذان و نماز انجام نمی دهیم. والدین باید سعی کنند فرزندان خود را با بچه های مسجد مأنوس کنند و گاهی به افراد فرهیخته بگویند که از فرزندانشان تشکر کنند و آنها را تشویق نمایند.

یکی از راه های دعوت نسل نو به نماز آن است که در برنامه های مسجد، هیچ گونه تحقیری نسبت به نسل نو نشود و گاهی مسئولیتی از جمله گفتن اذان و اقامه یا اعلام برنامه به آنان سپرده شود. در اسلام به ما سفارش شده حتی اگر خواستید به کسی کمک کنید، پول را به فرزند بدهید و از او بخواهید تا او پول را به فقیر بدهد تا به این وسیله فرزند برای خود احساس نقش و مسئولیت کند. همین که کودک دید با اذان و اقامه او صدها نفر رکوع و سجود می کنند، احساس کرامت خواهد کرد.

بهانه هایی مانند اینکه کودک نمازش درست نیست، یا لباسش چنین است، یا مراعات مستحبات را نمی کند، قابل قبول نیست.



آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب می فرمودند: من در مشهد اقامه نماز مسجدی را برعهده داشتم. جوانی با لباسی رنگارنگ در صف اول نماز نشسته بود که سالمندی به او طعنه زد که آیا خجالت نمی کشی با این لباس جلف در صف اول نشسته ای؟ او شرمنده شد و رفت در صف دیگر نشست. من به آن پیرمرد گفتم: چه حقی داشتی این جوان را از سر جایش بلند کردی؟ مگر شرط حضور در صف اول رنگ لباس است؟ او هم از جوان عذرخواهی کرد و خواست تا در جای اولش بنشیند.

اگر کودکی دو ساله در جایی نشسته باشد، بالاترین شخصیت هم حق ندارد این کودک را از جایش بلند کند و در جای او نماز بخواند؛ اگر این کار را بکند، نمازش باطل است.

لباس زیبا و آرایش مادر به هنگام نماز (که مستحب است) سبب گرایش دختران به نماز می شود. اگر از دختری پرسند عروسی را بیشتر دوست داری یا عزا را؟ می گوید: عروسی را. زیرا در عروسی همه لباس زیبا می پوشند و دختر از آنجا که به آرایش علاقه دارد، همین که دید مادرش به هنگام نماز تغییر لباس و آرایش می دهد، او هم به نماز علاقمند می شود.

البته طبعاً هرچه والدین آگاه تر به مسائل تربیتی و محبتشان بیشتر و در عمل پیشگام تر باشند، در این زمینه موفق تر خواهند بود.

والدین باید بدانند که عقب انداختن آموزش نماز تا سن بلوغ، کار آنان را سخت می کند. برای نمونه اگر به کودکی اجازه سیگار کشیدن را تا پانزده سالگی بدهیم، سپس یکباره از او بخواهیم از سیگار دست بردارد، مشکل خواهد بود. اگر بخواهیم دختری

را تا سن نه سالگی بی حجاب یا بدحجاب رها کنیم، به طور قطع نمی توان در یک لحظه لباسی را که به او عادت کرده از او گرفت؛ همان گونه که اگر به طفلی دو سال یکسره شیر بدهیم و بعد بخواهیم یکباره به او کباب بدهیم، به معده او فشار وارد می شود؛ بنابراین باید والدین از سال ها پیش از بلوغ، فرزندان خود را با مسأله نماز آشنا کنند.

والدین باید بدانند که در آموزش نماز به کودکان، مستحبات را وارد نکنند؛ یعنی اول به آموزش واجبات، آن هم به حداقل ها بسنده کنند.

#### ۱. توجه به لقمه حلال در خانواده

از مسائلی که باید والدین توجه داشته باشند آن است که در تغذیه فرزندان به فکر لقمه حلال باشند؛ زیرا اگر بدن از لقمه حلال تغذیه نکند، حتی سخنان امام معصوم علیه السلام هم در او اثر نخواهد کرد. امام حسین علیه السلام در

روز عاشورا، سه بار با مردم گفتگو فرمود. آنان گوش ندادند و امام علیه السلام فرمود: به طور قطع شکم شما از حرام پر شده است: «مَلِئْتُ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ» (۱).

اصحاب کهف که مورد ستایش قرآن هستند، پس از خواب طولانی که بیدار شدند، به سراغ پاک ترین غذا رفتند: «أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا» (۲).

کم فروشی و لقمه حرام، بستری برای فجور و فساد هستند و این دو نیز بستری برای تکذیب می شوند. قرآن ابتدا می فرماید: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ» (۳) وای بر کم فروشان که لقمه حرام می خورند؛ سپس

ص: ۱۴۸

---

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۵، ص ۸.

۲- کهف: ۱۹.

۳- مطفین: ۱.

می فرماید: «إِنَّ كِتَابَ الْفَجَّارِ» (۱)

یعنی این لقمه حرام، انسان را به فجور می کشاند. سپس در ادامه آیات می فرماید: «وَيُلِّمُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» (۲)

فسق و فجور بستری برای تکذیب می شوند.

حکایتی عبرت آموز

یکی از حاکمان ستمگر، از عالمی دعوت کرد که یکی از سه پیشنهادش را بپذیرد؛ یا منصب قضاوت را برعهده بگیرد، یا معلم فرزندان او شود، یا اینکه در سفره ای میهمان حاکم گردد.

آن شخص در محاسبات خود گفت: مهمان شدن در چند دقیقه، بهتر از قاضی و مدرس شدن برای حکومت طاغوت در زمانی طولانی است؛ افزون بر اینکه گناهش هم کمتر است. ولی همین که سر سفره رنگین حاکم نشست و از غذاهای لذیذ، ولی حرام او خورد، به حاکم گفت: من هم مسئولیت قضاوت را می پذیرم و هم مسئولیت تدریس فرزندان را!

در روایت می خوانیم که مال حرام در نسل اثر می گذارد: «كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِّيَّةِ» (۳)

۱. تبلیغات خانگی

در روایات آمده است که در خانه، جایی را برای نماز قرار دهید. (۴) شاید بتوان گفت نظر اسلام این است که نگاه به آن مکان، انسان را به یاد نماز می اندازد و اگر به خاطر تنگی مکان نمی توان محلی را برای نماز اختصاص داد، دست کم با نصب علامت قبله

ص: ۱۴۹

۱- همان: ۷.

۲- همان: ۱۰.

۳- الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۵، ص ۱۲۵.

۴- الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۳، ص ۴۸۰.

یا آیه ای که نشانه نماز باشد، یا گذاشتن سجاده، ساکنین به یاد نماز بیفتند.

از جمله سفارش هایی که بزرگ خانواده باید آشکارا به اهل خانه انجام دهد، دعوت به نماز است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» و از این سفارش خسته نشود: «وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (۱).

آری؛ علائم و نشانه ها نیز باید به گونه ای انسان را به یاد نماز بیا نندازد. شاید از آیه «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» (۲) (این نور هدایت درخانه هایی است که خداوند اذن داده، رفعت یابند)، بتوان استفاده کرد که مکان یاد خدا اگر در بین ساختمان ها برجسته باشد، مورد رضای خداست. (۳)

مهندسان و معماران سنتی مؤمن، در ساختن مدارس علمیه طوری طراحی می کردند که بلندترین و بزرگترین نقطه، مسجد و گنبد بود و حجره های طلاب اتاق های کوچکی بودند که دور تا دور مسجد قرار می گرفتند و به این ترتیب معنای «الله اکبر» حتی از نمای ساختمان نیز پیدا بود.

همچنین بین مکان نماز و نماز گزار، یک ارتباط غیبی و معنوی وجود دارد که

ص: ۱۵۰

۱- طه: ۱۳۲.

۲- نور: ۳۶.

۳- رفعت در این شریفه هم شامل رفعت معنوی و اجتماعی می شود مثل آیه: «و رفعا لک ذکرک» و هم شامل رفعت مکانی است مانند آیه شریفه «و اذ یرفع القواعد من البیت»؛ یاد کن هنگامی که ابراهیم پایه های خانه کعبه را بالا برد. که بالا بردن در این آیه شریفه به معنای برجستگی مکانی است همانگونه که درباره خود قرآن می خوانیم: (مرفوعه مطهره) که هم اشاره به جایگاه معنوی و برتری معنوی قرآن است و هم می تواند به این معنا باشد که قرآن را در مکان بلند قرار داده و روی زمین نگذاریم و شاید ساختن رحل به این دلیل باشد که جایگاه قرآن روی زمین و مقابل کف پا و نشیمنگاه نباشد.

به ما سفارش کرده اند لحظات آخر عمر که حساس‌ترین و خطرناک‌ترین ساعات عمر است، بستر را در محلی از خانه قرار دهید که بیمار در آن نماز می‌خوانده است.

دوم: مسجد

دومین مکانی که معمولاً فرزندان با آنجا آشنا می‌شوند مسجد است. اگر مسجدی مطلوب، امام جماعتی عالم و زمان شناس و خادم و هیئت امنایی کاردان و مردم دار در کنار هم جمع شوند، عاملی بسیار مؤثر در دعوت به نماز فراهم شده است.

عوامل و نکاتی که باعث رونق مسجد و جاذبه آن می‌شود عبارتند از:

۱. همگانی بودن مساجد

از عواملی که جاذبه نماز را زیاد می‌کند آن است که مسجد و برنامه‌های آن در اختیار فرد، طبقه، قشر یا خط سیاسی خاصی نباشد؛ شاید بتوان از آیه «وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ»<sup>(۱)</sup>

استفاده کرد که مساجد برای خداست و نباید پایگاهی برای عده‌ای خاص باشد.

گاهی مردمی که به نماز علاقه دارند، به دلیل آنکه احساس می‌کنند یک سلیقه خاص بر مسجد حاکم است، نسبت به حضور در مسجد دل‌سرد می‌شوند. مانند کسی که تشنه است، ولی می‌بیند ظرف آب در

دست کسی است که او را دوست ندارد؛ بنابراین حاضر است تشنگی را تحمل کند، ولی آب را از دست او نگیرد.

۱. نقش مساجد

یکی از راه‌های پررنگ کردن نقش مساجد در دعوت به نماز آن

ص: ۱۵۱

---

۱- جن: ۱۸.

است که بتوانیم یک سری مشکلات و موانع را در مسجد برطرف و کمبودها را جبران کنیم.

اگر در مساجد ما پزشکی باشد که بیماران اهل مسجد را به طور رایگان درمان کند، صندوقی باشد که وام بدهد، افراد اهل مسجد به این آیه عمل کنند که قرآن می فرماید: «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ»<sup>(۱)</sup>.

یعنی احساس کنیم که همه از همدیگر هستیم، تحصیل کردگان و فرهنگیان کلاس‌های جبرانی برای بچه‌هایی که در درس ضعیف هستند بگذارند و ده‌ها نمونه از این کارها، می‌تواند دعوت عملی به نماز و مسجد باشد و نسل نو احساس کنند، مسجد افزون بر ایجاد ارتباط بین آنان و خدا، مکان مناسبی برای حل انواع مشکلات آنان است و تمام ضعف‌های آنها را جبران می‌کند.

قرآن در دعوت انسان‌ها به سوی خود می‌فرماید:

اگر شما یاد ما باشید، ما هم به یاد شما هستیم: «فَاذْكُرُونِي أَذْکُرْکُمْ»<sup>(۲)</sup>.

ص: ۱۵۲

---

۱- آل عمران: ۱۹۵.

۲- بقره: ۱۵۲.

اگر شما به عهد من وفادار باشید، من هم به عهد شما پای بندم: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»؛ (۱)

اگر شما اهل نماز باشید، من با شما هستم: «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ»؛ (۲)

هر فردی از شما کاری انجام دهد، من آن را ضایع نمی کنم: «أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ»؛ (۳)

اگر شما از من چیزی بخواهید، من پاسخ می دهم: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ (۴)

با توجه به این مطالب، نماز گزار احساس می کند دقایقی که در نماز است و یا به مسجد می رود، از دست دادن زمان نیست، بلکه به دست آوردن آن است.

معنای اقامه نماز

شاید «اقامه نماز» به معنای مجموعه این سخن هاست؛ و گرنه صرف خواندن نماز، ذکر است و ذکر، اقامه شدنی نیست. کلمه اقامه مربوط به یک شرایط، امکانات، بسیج، نشاط، حضور، آگاهی و مانند آن

است. همان گونه که اثر بخشی نسخه پزشک زمانی است که انسان به تمام آزمایشات و تمام دستورات توجه داشته باشد، و گرنه اگر قرصی را بخورد و کپسولش را نخورد، یا به آزمایش های خود توجه نداشته باشد، درمان نتیجه بخش نیست.

آری؛ اثر بخشی نماز نیز هنگامی است که دقیق، به هنگام، درست، با توجه به انجام کامل واجبات، توجه به مستحبات و توجه به شرایط قبولی باشد. کسی که تاریخ کربلا و مظلومیت امام حسین علیه السلام و اصحابش را در خانه می خواند و اشک می ریزد با کسی که در بیرون خانه عزاداری می کند، تفاوت زیادی دارد. اقامه عزاداری به شرایط ویژه ای نیازمند است.

قرآن ما را سفارش به حفظ نماز کرده است و در این باره می فرماید: «عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»؛ (۵)

مسأله حفاظت از نماز

ص: ۱۵۳

۱- . بقره: ۴۰.

۲- . مائده: ۱۲.

۳- . آل عمران: ۱۹۵.

۴- . غافر: ۶۰.

۵- . معارج: ۳۴.

مکرر در قرآن آمده است؛ یک بار با تعبیر «حافظوا» و سه بار با تعبیر «یحافظون» آمده است. از همین قالب «یحافظون» استفاده می شود که هم ما باید نماز را حفظ کنیم و هم نماز ما را حفظ می کند. مانند آیه «هَنَّ لِيَاْسَ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاْسَ لِهِنَّ» (۱)

که همسر برای همسر همچون لباس است؛ یعنی هم باید ما از لباس حفاظت کنیم و هم لباس از ما. شاید بتوان گفت به همان میزان که ما از نماز حفاظت می کنیم، نماز هم از ما حفاظت می کند.

در حدیث آمده است که نماز به افرادی می گوید: «حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ»؛ یعنی مرا حفظ کردی، خدا تو را حفظ کند و به افرادی می گوید: «ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ»؛ ضایعم کردی، خدا ضایعیت کند. (۲)

در حدیث دیگری می خوانیم: به همان اندازه که در نماز حضور قلب داریم، به همان اندازه از ما پذیرفته می شود (۳)، همان طور که از میوه آن مقدار قابل استفاده می باشد که سالم است.

#### ۱. زیبایی و سادگی مساجد

مکان زیبا نوعی دعوت عملی به نماز است. خداوند متعال به حضرت ابراهیم و اسماعیل می فرماید: «طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»؛ (۴)

به ابراهیم و اسماعیل تکلیف کردم که خانه مرا برای طواف کنندگان، معتکفان، راکعان و ساجدان، پاک و پاکیزه کنید.

شاید اینکه سفارش شده تا نماز گزاران با لباس سفید نماز

ص: ۱۵۴

۱- . بقره: ۱۸۷.

۲- . کافی، ج ۳، ص ۲۶۸.

۳- . وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۶.

۴- . بقره: ۱۲۵.



بخوانند، به آن دلیل باشد که در پارچه سفید کوچکترین لکه پیداست و تطهیر و شستن را به یاد انسان می‌اندازد. بر خلاف لباس تیره که هر چه کثیف شود، ممکن است صاحب لباس متوجه کثیفی نشود و به فکر شستشو نیفتد.

اسلام دستور می‌دهد که زنان از تمام آرایش‌های حلال برای نماز استفاده کنند و به مردان نیز می‌فرماید بهترین لباس خود را بپوشید. امامان ما می‌فرمایند: کسی که سر و صورت خود را شانه کند، یک رکعتش سی رکعت به شمار می‌آید. یا می‌فرمایند: اگر کسی از عطر و بوی خوش استفاده کند، باز هم یک رکعتش سی برابر می‌شود و اگر مسواک هم بزند، هر رکعتش هفتاد رکعت می‌گردد.

نکته دیگر اینکه خداوند متعال توفیق ساخت، تعمیر و خدمت مسجد را به هر کسی نمی‌دهد و در قرآن می‌فرماید: فقط افراد خاصی که به مبدأ و معاد ایمان دارند و اهل نماز و زکات و شجاعت هستند، حق دارند در این میدان گام نهند: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ...» (۱). در جایی دیگر نیز می‌فرماید: مشرکان حق تعمیر مسجد را ندارند: «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ» (۲).

حتی آنها که باطن پلیدی دارند، منافقند و حسن نیتی ندارند، اگر مسجد ساختند، باید مسجدشان مانند مسجد ضرار خراب شود.

جایگاه نماز به قدری است که نیت سازنده و همکاران، مصالح ساختمان و خادم آن، همه باید در فضای پاکی ظاهری و باطنی باشند.

ص: ۱۵۵

---

۱- . توبه: ۱۸.

۲- . توبه: ۱۷.

تنها موردی که در قرآن سفارش شده است که زینت خود را با خود ببرید، مسجد است: «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُم عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ» (۱) در روایات برای نظافت و تطهیر مسجد پادشاه‌های فراوانی بیان کردند. قرآن در این باره می‌فرماید: مادر مریم نذر کرد تا بچه‌ای که در شکم دارد، خادم مسجد شود: «رَبِّ اِنِّی نَذَرْتُ لَکَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا» (۲)

۱. مرتبط کردن امکانات و تشویقات با نماز

ناگفته پیداست که اگر ما امکانات و تشویق‌های خود را به نماز گره بزنیم، نماز رونق ویژه‌ای خواهد یافت. از صدر اسلام، همه نیازها در مسجد پیامبر متمرکز بود، مسایلی چون قضاوت، آموزش، کمک به فقرا، مکان اسکان آواره‌گان و مهاجران، مشورت، بسیج کردن مردم برای جبهه‌ها، تبلیغات، و حتی عقد فاطمه زهرا، همه در مسجد انجام می‌شد.

اگر چهره‌های معروف و فرهیختگان در مساجد شرکت کنند، اگر مردم به پزشکی که در محله سکونت دارد و در مسجد حاضر می‌شود، مراجعه کنند، اگر قرض الحسنه‌ای خواستند، از مسجد دریافت کنند، اگر مسائل امنیتی خود را از سوی بسیج مسجد تأمین نمایند، اگر شبانه روز در مسجد برای کسانی باز باشد که برنامه مطالعه و گفت‌وگو، مباحثه و امثال آن را دارند و یا دید و بازدیدهای رسمی و غیر رسمی را در مساجد قرار دهند، مساجد فعال خواهد شد.

در قرآن کریم می‌خوانیم: «تَعَاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ» (۳) و در جایی دیگر

ص: ۱۵۶

۱- اعراف: ۳۱.

۲- آل عمران: ۳۵.

۳- مائده: ۲.

می خوانیم، مصداق «بِرِّ» اقامه نماز است: «لَكِنَّ الْبِرَّ ... وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ» (۱).

اگر برای خرید هر چیز به نحوی آن را با نماز گره بزنیم، مثلاً زمان خرید گوشواره را برای دختر یا خرید دوچرخه را برای پسر، زمانی قرار دهیم که فرزندان نماز را یاد بگیرد، یا نماز را به طور صحیح بخواند و زمان آن را روز جمعه و در مسیر نماز جمعه قرار دهیم، جاذبه نماز زیاد خواهد شد.

در روایات سفارش شده که به هنگام بازگشت از سفر، سوغاتی بخرید، گرچه چیز ارزان قیمتی باشد، تا هم تلخی فراق به گونه ای شیرین شود و هم بستگان به آن سفر علاقمند گردند و هم فروشندگان سوغاتی از رفت و آمد و شلوغی شهر راضی باشند.

قطعاً خداوند پیامبرش را با چیزی که در شأن اوست تشویق می کند که می فرماید: اگر اهل تهجد بشوی، امید است به مقام محمودی برسی: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً» (۲) و به مردم می فرماید: اگر خود را از رختخواب برای نماز شب جدا کردی، پاداشی دریافت می کنی که هیچ کس از آن خبر ندارد: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ ... فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۳).

(هیچ کس پاداشی را که برای آنان در نظر گرفته شده نمی داند).

چند آرزوی دست یافتنی

به امید روزی که خطبه عقد، مجالس، ولیمه ها، عزل و نصب ها، تشویق ها، مکان انتخاب همسر، کاریابی و... در مساجد باشد و

ص: ۱۵۷

۱- . بقره: ۱۷۷.

۲- . اسراء: ۷۹.

۳- . سجده: ۱۶ و ۱۷.

مسجد به معنای واقعی فرهنگ سرای جامعه قرار گیرد. یعنی هر کس هر اشکال و شبهه ای دارد، پاسخ علمی و منطقی آن را در مسجد بیابد.

اگر مسافرتی دارد و از خانه خود نگران است، کلید خانه خود را به مسجد بسپارد. سالمندانی که در روزهای برفی توان خارج شدن از منزل را ندارند، جوانان مسجد خرید خانه آنان را به عهده بگیرند، برف خانه آنان را بروبند و در جابه جایی وسایل آنان را کمک کنند.

به امید روزی که بازماندگان از تحصیل، در مساجد در کنار دانشجویان فرهیخته، عقب ماندگی خود را جبران کنند.

به امید روزی که درس تفسیر و نهج البلاغه و آشنایی با ادبیات عرب در مسجد جلوه‌ای داشته باشد.

به امید روزی که در مدیریت مسجد، از استادان دانشگاه و فرهنگیان علاقه مند و دانشجویان و نسل نو و طلاب خوش سلیقه که در منطقه هستند، بهره گرفته شود.

به امید روزی که تمام مردم مسجد، نام تمام خانواده های شهدا، جانبازان، بیماران، شاگرد اول ها، فقیران را داشته باشند و در سایه نماز جماعت باشکوه در مساجد، تحولی ایجاد شود و بدانیم که مسجد در همه امور گره گشا است.

من مسجدی را می شناسم که امام جماعت آن هر سال یک خودنویس برای کسانی که در هر رشته شاگرد اول شده باشند، هدیه می دهد و تمام شاگرد اول ها با مسجد، نماز و روحانی گره می خورند و به دنبال آنها، شاگردان دیگر هم به مسجد می آیند.

پیامبر ﷺ که محبوب ترین انسان هستی بود، خود حتی بر آمار تولد اطفال نظارت داشتند و می فرمودند: هر نوزادی که متولد

شد به من خیر دهید و هر کس از دنیا رفت، مرا آگاه کنید تا آخرین آمار را داشته باشم. گاهی پیامبر به اصحاب نگاه می کرد و از مردم تفقد می نمود. اگر مسافر بود، در حقیقت دعا می کرد؛ اگر بیمار بود به عیادتش می رفت. او این گونه ارتباطش را با تک تک افراد حفظ می کرد.

۱. راهکارهای مؤثر در جذب به مساجد

۱. صدای خوب مؤذن؛

۲. قرائت خوب امام جماعت؛

۳. تنوع در سوره هایی که بعد از حمد خوانده می شود؛

۴. مراعات تجوید؛

۵. زیبایی مسجد؛

۶. استفاده از بوی خوش و نظافت؛

۷. نهی از ورود افراد سیر و پیاز خورده به مسجد؛

۸. مسئولیت دادن به نسل نو؛

۹. مراعات کردن حال ضعیف ترین افراد؛

۱۰. حفظ حقوق همه افراد و حتی کودکان؛

۱۱. تقدم تطهیر مسجد بر نماز خواندن؛

۱۲. بیان اسرار نماز در قالب شعر، قصه و فیلم (تهیه فیلم های کوتاه و پر جاذبه که برای ایجاد و تقویت محبت خدا و خشوع در برابر او می تواند بسیار مؤثر باشد).

۱. جاذبه های امام جماعت

امام جماعت نقش مهمی در دعوت به نماز دارد و نباید فقط نسبت به کسانی که با اذان به مسجد می آیند، قانع باشد؛ زیرا

همه مردم یکسان نیستند.

تمثیل

شاید بتوان مردم را به پنج میوه تشبیه کرد:

- گروهی از مردم مثل توت هستند که با حرکت شاخه، بدون دردسر فرو می ریزند. اینها همان هایی هستند که با یک «قَد قامتِ الصَّلوٰه» در مسجد حاضر می شوند.

- گروهی دیگر مانند انارند که میوه خوبی است، اما با تکان دادن از درخت جدا نمی شود؛ بلکه باید آنها را دانه دانه چید. اینها افرادی هستند که باید چهره به چهره و فرد به فرد به سراغشان رفت.

- گروه سوم افرادی که مانند تمشک هستند که هم باید آنها را دانه دانه چید و هم باید خار آن را تحمل کرد. اینها افرادی هستند که افزون بر تبلیغ چهره به چهره، ممکن است نیش و نوشی هم داشته باشند.

- گروه چهارم مانند نارگیل هستند که برای چیدن آن، هم باید از تنه صاف درخت آن با زحمت بالا رفت و هم اینکه میوه آن پر از تارهای پیچیده است و هم پس از کنار زدن تارها، تازه پوست سفتی دارد. ولی اگر با حوصله از این مراحل عبور کنیم، خواهیم دید این نارگیل چه قلب و درون سفیدی دارد و چه مواد مفیدی در آن است.

انسان هایی نیز هستند که در دسترس نیستند (مثل نارگیل) و دور آنها را دوستان بد، فیلم های بد، فامیل بد، شریکان بد مانند تار احاطه کرده است. اگر همه آنها را کنار بزنیم، خودش مثل پوست نارگیل سفت است و مقاومت می کند؛ ولی هرگز نباید نا

ص: ۱۶۰

امید شد، زیرا جذب این افراد سخت است، ولی برکاتی دارد و راه را برای افراد دیگر باز می کند.

- گروه پنجم افرادی هستند که مثل گردو، کوچک ولی بالانشین هستند و دو نوع پوست سبز و چوبی دارند. آنها در نوک درخت و پشت برگ ها خود را پنهان کرده و تا بر سر آنها چوب نزنید، فرود نمی آیند!

امام جماعت اگر فقط به افرادی دل گرم شود که با صدای اذان به مسجد می آیند، فقط به یک گروه قانع شده و چهار گروه دیگر را از دست داده است.

نویسنده این سطرها گاهی به فکر می افتد که پس از ۳۴ سال تبلیغ پیوسته در شبکه های تلویزیونی و استقبال بی مانند یا کم نظیر همه اقشار از این برنامه ها، ممکن است وظیفه دیگری داشته باشد. گاهی فکر می کنم اگر یکسال زبان خارجی یاد می گرفتم و به جای ایران، به مناطقی از دنیا هجرت می کردم شاید مفیدتر بودم! هیچ کس نمی تواند پیش از قیامت به خود مطمئن باشد. انسان نباید به انفاق خود مغرور و دلگرم باشد، بلکه باید افزون بر عمل به وظیفه و انفاق مال و جان، نسبت به حضور در محضر خداوند دغدغه داشته و نگران باشد؛ بگذریم!

پس امام جماعت نباید تنها به جمعیت حاضر چشم بدوزد، بلکه باید به جمعیت هایی که به مسجد نمی آیند فکر کند. از قدیم گفته اند مدیر خوب کسی نیست که به راه های رفته بنگرد تا گرفتار غرور و عجب شود، بلکه باید به جلو و راه های طی نشده بنگرد تا احساس کند وظیفه آن بیش از عملکردش است.

وقتی پیامبر اکرم ﷺ خبر شهادت امیرالمؤمنین (ع) را به وی داد، نگرانی و سؤال حضرت از شهادت و دلیل و نام قاتل و محل

زمان قتل نبود؛ بلکه از این بود که لحظه شهادت با دین سالم به ملاقات خدا خواهد رفت یا با انحراف و عقاید فاسد. (۱)

جالب آن است که در چند مورد حضرت علی ؑ درباره سلامت دین خود از پیامبر ؐ پرسید: «أَفِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟». (۲)

در قرآن دو سطح انجام وظیفه از انسان خواسته شده است؛ سطح اول اینکه انسان حق هر کاری را ادا کند. مثل:

- حق تقوا: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ»؛ (۳)

- حق جهاد: «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»؛ (۴)

- حق کتاب آسمانی: «يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ»؛ (۵)

اما سطح دیگر آنکه اگر حق تقوا و جهاد و کتاب آسمانی را نمی پردازید، دست کم از آنچه در توان دارید کوتاهی نکنید و به مقدار توانایی خود کوشا باشید.

- اگر حق تقوا را انجام نمی دهید، لا اقل در حد توان تقوا داشته باشید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ»؛ (۶)

- اگر حق جهاد را در برابر دشمن نمی دهید، لا اقل آنقدر که می توانید، آماده باشید. «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ (۷)

- اگر حق تلاوت را انجام نمی دهید، لا اقل آنچه می توانید، تلاوت کنید: «فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»؛ (۸)

ص: ۱۶۲

۱- . خطبه شعبانیه.

۲- . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۴، ص ۳۴۰.

۳- . آل عمران: ۱۰۲.

۴- . حج: ۷۸.

۵- . بقره: ۱۲۱.

۶- . تغابن: ۱۶.

۷- . انفال: ۶۰.

۸- . مزمل: ۲۰.



امامان جماعات باید در نشست های هفتگی یا ماهانه تجربیات موفق و یا ناموفق خود را به یکدیگر منتقل کنند. همان گونه که درباره سلامتی یک بیمار، گاهی شورای پزشکی تشکیل می شود، امام جماعت هم در مسجد همچون پزشک در بیمارستان است که هم باید درد را تشخیص دهد، هم آشنا به انواع داروها باشد، هم نسخه درست بپیچد، هم بر اجرای درمان نظارت کامل داشته باشد و هم بتواند برای هر بیمار به تناسب ظرفیت و نوع بیماری و شرایط مریض و آزمایشاتی را که در دست دارد، نسخه کامل بپیچد.

به عبارت دیگر چه زیباست که امام های جماعت هر منطقه ای مثل تیم پزشکی با یکدیگر مشورت کنند و گاهی برای برخی مسائل به جای اینکه خودشان اقدام کنند، از امام جماعت دیگری استفاده کنند. برای مثال در شبهات وهابیت ممکن است یک امام جماعت قوی تر باشد؛ در مسائل قرآنی شخص دیگری، در نهج البلاغه فرد دیگری و همین طور باقی مباحث. درست مثل ساختمانی که یکی سنگ کار است و یکی کاشی کار و دیگری لوله کش و برق کار و متخصصین دیگر.

ویژگی های امام جماعت

اسلام برای بهترین امام جماعت معیارهایی قرار داده است؛ با تقواترین، با سوادترین، خوش لهجه ترین، و در صورتی که همه شرایط بین چند نفر مساوی بود، زیباترین را انتخاب کرده است و در حدیث می خوانیم: خوش صداترین افراد اذان بگوید و باسوادترین افراد امام جماعت شود. «لِيُؤذِّنَ لَكُمْ أَفْصَحُكُمْ

اینکه اسلام می فرماید: در صف اول، افراد با تقواتری باشند و پاداش شرکت در صف اول نماز بیش از صف های دیگر است، خود نوعی دعوت است که انسان ها بتوانند کمالات اخلاقی را در خود شکوفاتر کرده و لیاقت حضور در صف اول را در خود ایجاد کنند.

نکته دیگر اینکه تفقد امام جماعت از تک تک مردم، در حضور پررنگ تر مردم اثر دارد. بنابر حدیثی پیامبر ﷺ فرمود: هر کس مرد، به من خبر دهید و هر کس متولد شد، به من خبر دهید تا من هر روز آخرین آمار را داشته باشم.

حضرت سلیمان ﷺ با آن همه عظمت، از تفقد از یک هدهد غافل نشد و همین که او را نیافت، گفت: مرا چه شده که او را نمی بینم؟ «مَا لِي لَا أَرَى الْهُدُودَ». (۲)

بنابر نقل تاریخ، پیامبر همین که بعضی یاران را نمی دید، از حال او پرس و جو می کرد. (۳)

اگر بیمار بود به عیادتش می رفت و اگر مسافر بود، در حقش دعا می کرد. (۴)

امام جماعت باید خود را در عزا و شادی مردم شریک بداند. اگر مردم در عید فطر زکات فطره خود را در مساجد جمع کنند و به وسیله امام جماعت و هیئت امنا به فقیرانی که از پیش شناخته شده و در اطراف مسجد هستند، پرداخته شود، می توان با این رفتار رابطه محرومان را با مسجد تقویت کرد.

ص: ۱۶۴

۱- . مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۷۲.

۲- . نمل: ۲۰.

۳- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۳.

۴- . من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۰۰.

مرحوم آیت الله عبادی که سالها امام جمعه مشهد بود، همین که از خیابانی عبور می کرد و مجلس فاتحه ای می دید، بدون دعوت و بی آنکه متوفی را بشناسد، به سرعت از ماشین پیاده می شد و به آن مجلس می رفت و پس از عرض تسلیت و قرائت فاتحه خارج می شد و هیچ گونه قید و شرطی برای حضورش نداشت.

یک بار هم این جانب در مشهد بیمار شدم و به بیمارستان رفتم و خبر نداشتم که آیت الله عبادی هم در طبقه دیگر بستری است. ناگهان دیدم، ایشان با ویلچر از آن طبقه به عیادت من آمد و با اینکه خودش بیمار بود و سید و عالم و پدر دو شهید و امام جمعه بود، گفت: من در مشهد مقیم هستم، ولی شما غریب هستید؛ این وظیفه من است که به عیادت شما بیایم.

برنامه پیامبر اسلام ﷺ و پیامبران دیگر ﷺ حرکت در بازارهای گوناگون بود تا از نزدیک، مسائل جامعه را لمس کنند: «يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ / يَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ» (۱).

حضرت علی ﷺ خود در بازار راه می رفت و به مردم تذکر می داد. البته با وجود این، به جز نظارت شخصی از سه منبع دیگر نیز اطلاعات به دست می آورد:

- گاهی از توده مردم، که می فرمود: «بلغني أنك» (۲) (یعنی گزارشات مردمی به من این چنین رسیده است)؛

- گاهی دستور می داد که افرادی برای به دست آوردن اطلاعات اعزام شوند: «و ابعث العيون»؛ (۳)

ص: ۱۶۵

۱- . فرقان: ۷ و ۲۰.

۲- . نهج البلاغه، نامه ۳.

۳- . همان، ۵۳.

- گاهی بازرس ویژه می فرستاد: «عَیْنِ بِالْمَغْرِبِ» (۱).

درباره پیامبر اسلام ﷺ هم نقل است که آن چنان در دسترس بود که یک زن خانه دار در مسأله شخصی جرئت می کرد با حضرت چانه زنی کند: «تُجَادِلُكَ فِی زَوْجِهَا» (۲).

#### ۱. نظم امام جماعت

یکی از عواملی که با آن می توان مردم را به نماز دعوت کرد، منظم بودن امام جماعت است. اگر مردم بدانند امام جماعت به طور منظم، سر وقت و با مطالعه همیشگی در مسجد حاضر می شود، مسجد رونق پیدا می کند و رونق یافتن مسجد، خود، دعوت عملی به سمت نماز است. اما اگر امام جماعت به هر دلیل نامنظم و با تأخیر و به طور پراکنده به مسجد بیاید، نمی توان به این صورت مردم را به نماز دعوت کرد. بی توجهی یا کم توجهی امام جماعت و سهل انگاری و مطالعه نداشتن، از علاقه نمازگزاران به نماز جماعت می کاهد.

#### ۲. خلاقیت امام جماعت و متولیان مساجد

همان گونه که سوره حمد، در نماز ثابت است ولی پس از قرائت حمد نمازگزار می تواند هر سوره ای که خواست انتخاب کند (البته به غیر از چهار سوره ای که سجده واجب دارد) و همین طور که یک اصول ثابتی مانند رکوع، سجود و تشهد در نماز وجود دارد و این نمازگزار است که میان انواع مستحبات قدرت انتخاب دارد، اگر ما هم بتوانیم جوانان مسجد را به انتخاب، ابتکار و خلاقیت واداریم، آنان مسجد را محل بروز و شکوفایی استعدادهای خود

ص: ۱۶۶

۱- . همان، ۳۳.

۲- . مجادله: ۱.

می دانند و به آن دل بسته می شوند.

چه زیباست که گاهی در میان نمازگزاران سؤالی طرح شود و از آنان بخواهیم که لحظه ای به آن فکر کنند و پاسخ دهند و در میان جواب ها، بهترین جواب را تشویق کنیم.

قرآن به ما دستور داده که تدبیر کنیم: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ»<sup>(۱)</sup> زیرا در سایه تدبیر، انسان به نکات تازه ای می رسد، ذهن او فعال و خلاقیت او شکوفا می شود. در همین باره دستور داده شده که جلسات قرآن در

خانه ها باشد؛ چون هر خانه ای می تواند مرکز بروز و ظهور افراد تازه ای از همسایگان، بستگان و اهل خانه قرار گیرد؛ چرا که اگر این برنامه ها فقط در مساجد متمرکز شود، خانه ها و اهل خانه ها از این برکت ها محروم می گردند.

خاطره

این جانب به لطف خدا، با سابقه حدود چهل سال معلمی، تجربه خوبی دارم و آن اینکه در آغاز کار جمعی از نسل نو را گرد خود جمع کردم و چند سال از قم به کاشان می رفتم و هر جمعه جلسه را در خانه یکی از جوان ها برگزار می کردیم. جوانان میزبان از دوستان، همسایگان و بستگان خود دعوت می کردند و هر هفته با افراد تازه ای روبه رو می شدیم؛ این افراد جدید جای افراد ریزشی را پر می کردند و اگر افرادی پس از چند جلسه از گروه جدا می شدند، افراد جدید به ما می پیوستند. اگر در یکی از هفته ها کسی به صورت داوطلبانه میزبان نمی شد، جلسه را به خانه خود منتقل می کردیم و این چرخش جلسه در خانه ها و محله های کاشان، به کلاس داری ما رونق می داد. بنابراین اگر در مساجد نیز ۷

ص: ۱۶۷

مسئولیت‌ها، هیئت‌امنا و مؤذن به صورت گردش‌های انجام‌شده، همیشه خواهیم توانست از نیروهای تازه نفس و فعال برخوردار شویم و از خدمات و ابتکارات نو بهره بگیریم.

متأسفانه در بسیاری از مراکز علمی ما خلاقیت و تولید علم وجود ندارد، بلکه فقط ترجمه کتاب‌های دیگران است.

اگر جوانان در مساجد فعال شوند و به کار، هنر و ابتکار پردازند، به آن مسجد هم وابسته خواهند شد.

خاطره ای دیگر

وقتی امام خمینی<sup>۱</sup> از زندان آزاد شد، طلب‌تصمیم گرفتند جشن بزرگی در مدرسه فیضیه قم برپا کنند. هر چند متر از مدرسه را به طلاب یک استان اختصاص دادند؛ طلاب اصفهانی، کرمانی، خراسانی، قمی، شیرازی و... به این ترتیب که طلبه‌های هر استان آخرین ابتکار خود را در چراغانی نشان دادند و یک مدرسه بزرگ چند هزار متری، با دست‌خالی آنها همچون عروس آرایش شد.

وقتی برای امام صادق<sup>۲</sup> هم مهمان می‌آمد، امام هشام را فرا می‌خواند و می‌فرمود: ماجرای بحث خود را با رهبر منحرفین بیان کن و با این عمل، هم هشام را تشویق می‌کرد، هم نوآوری و شیوه بحث را به میهمانان نشان می‌داد.

یکی از دلایل اینکه شور و نشاط عزاداری بیش از مسجد است، آن است که در عزاداری‌ها، جوانان قدرت مانور و هنرنمایی دارند، ولی همین جوانان در مسجد، خودشان را بی‌اثر می‌پندارند.

۹. اخلاق هیئت‌امنا و خادم

از قدیم گفته‌اند: «درس ادیب اگر بود زمزمه محبتی

ص: ۱۶۸

نوجوانی می گفت که با لباس های شیک به مسجد رفتم؛ اما خادم مسجد به من گفت: مگر اینجا عروسی عمه ات است و مرا تحقیر کرد! نوجوان دیگری می گفت: هیئت امنای در دعوت روحانی اصلاً به خواسته های نوجوانان و جوانان توجهی نمی کنند.

قرآن می فرماید حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) خادم مسجد بودند و لذا متولیان مسجد باید افراد با تقوا باشند: «إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ» (۲)

اسلام می فرماید: اگر کودکی دو ساله در مسجد نشست، هیچ کس حق ندارد حتی برای نماز بزرگترین شخصیت ها این کودک را از جای خود بلند کند و اگر بلند کرد، نمازش مشکل پیدا می کند.

بنابراین یکی از راه های دعوت عملی به نماز اخلاق خادم و هیئت امنای و شیوه برخورد آنهاست. با کمال تأسف سال ها از انقلاب می گذرد، ولی از سوی مسئولان برای خادمین و هیئت امنای جلسه توجیهی و آموزشی گذاشته نمی شود.

با کمال تأسف در بعضی موارد توجه هیئت امنای به برگزاری جلسات ختم و فاتحه و مراسم، بیش از انتخاب روحانی دانشمند و جذب دانش آموزان آن منطقه به مسجد است و این به خاطر آن است که امام جماعت دانشمند و جذب نسل نو، وقت بر و هزینه بر است، ولی ایجاد جلسات فاتحه ساده و پر درآمد.

همین تفکر باعث می شود مردم از برخی مساجد، خاطره فاتحه و مرگ و میر داشته باشند، نه خاطره رشد و بصیرت و عبادت.

---

۱- نظیری نیشابوری.

۲- انفال: ۳۴.

اگر نماز گزاران در مسجد یا هر مکانی، دیگران به ویژه نسل نو را تکریم کنند و مردم از آنان احساس محبت کنند، این افراد حتماً به نماز علاقمند می شوند. انسان به طور فطری دوست دارد محبوب باشد؛ محبوب نزد خداوند و محبوب نزد مردم؛ و از بی علاقه‌گی و برخورد های سرد ناراحت می شود.

در آیات زیادی از قرآن با جمله «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ» محبت خدا به گروه هایی اعلام شده و با کلمه «لَا يُحِبُّ» قهر خدا اعلام شده است.

انسان اگر احساس محبت و محبوبیت و کرامت کرد، نسبت به کار خود علاقمند می شود. در اسلام به ما سفارش می شود به جوانی که در جماعت حاضر نمی شود، همسر ندهید. قرآن نیز آشکارا می فرماید: برای ازدواج افراد صالح به پا خیزید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (۱).

در جای دیگر سفارش می کند که گواهی کسانی را که اهل مسجد هستند، بپذیرید. (۲)

همچنین در حدیث دیگری داریم: شیعیان ما را با حضور در نماز اول وقت بشناسید. (۳)

یا در برخی روایات می خوانیم کسانی که چند جمعه بدون عذر به نماز جمعه نروند، در آستانه انحراف و نفاق قرار می گیرند. (۴)

از این قبیل آیات و روایات استفاده می شود که باید افراد جامعه نسبت به حضور یا عدم حضور نماز گزار عکس العمل نشان دهند

ص: ۱۷۰

---

۱- . نور: ۳۲.

۲- . وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۱.

۳- . الخصال، ج ۱، ص ۱۰۳.

۴- . وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۲.



. تشویق شاگرد اول های مدارس در مسجد به دست امام جماعت و متولیان مسجد، عاملی مهم برای جذب افراد است. فرستادن هدیه برای عروس و دامادهای اطراف مسجد با امضای امام جماعت و هیئت امناء، عیادت بیماران از سوی مسجد و تفقد از غایبین، جادادن به افرادی که وارد می شوند و قیام کردن به احترام ورودشان نیز از دیگر عوامل جذب هستند.

#### خاطره

پس از رحلت علامه طباطبایی (فقیه و مفسر و فیلسوف بزرگ) با یکی از کسانی که ده ها سال با او محشور بود، مصاحبه کردند و از او خواستند خاطره ای از استاد بیان کند. ایشان (که خود یکی از علمای بزرگ است) گفت روزی علامه طباطبایی عباى خود را پهن کرده و روی آن نشسته بودند؛ همین که من وارد شدم، با اصرار از من خواست که کنار او و روی عباى او بنشینم. من گفتم: روی عباى خودم می نشینم. اصرار کرد که روی عباى من بنشین! خلاصه اینکه این شاگرد نه از فقه و تفسیر استاد سخنی گفت و نه از فلسفه و عرفانش، ولی از «روی عباى من بنشین» گفت. زیرا در این ماجرا شاگرد مورد تکریم قرار گرفته بود و این مطلب برایش ماندگار شده بود.

#### خاطره ای دیگر

پیرمردی حدود هشتاد ساله که چهره ای مذهبی داشت می گفت: در اتوبوس بغداد نشسته بودم که زنی که بسیار بد حجاب بود، در کنار من نشست. خواستم به صندلی دیگری بروم که دیدم جا نیست. خواستم بی تفاوت بنشینم، دیدم مردم به من می خندند. کمی کتف خود را کج کردم تا هم در قالب عبوس

بودن، کار خانم را محکوم کنم و هم سر جای خود نشسته باشم. در آن زمان بلیط اتوبوس را داخل ماشین تحویل می گرفتند، بلیط من در دستم بود و می خواستم آن را تحویل دهم. کمک راننده گفت: خانمی که کنار شما نشسته بلیط شما را حساب کرد. من جا خوردم که من به این خانم پشت کردم ولی او بلیط مرا حساب کرد. کمی کتف خود را به سمت خانم متمایل و عذر خواهی کردم. او گفت: شما پدر روحانی ما هستید و احترام شما بر ما واجب است.

گرچه حجاب این خانم با اسلام سازگار نبود، ولی برخوردش همان است که به ما سفارش شده که بدی ها را با خوبی دفع کنید: «ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ» (۱)

و زشتی ها را با کار نیک جبران کنید: «يَدْرُؤُنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» (۲)

خداوند نیز برای اینکه مجرم پشیمان شده را از شرمندگی بیرون آورد، می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ»؛ (۳)

یعنی نه تنها توبه را قبول می کنم و عذرت را می پذیرم، بلکه آنان که پی در پی توبه می کنند و باز توبه خود را می شکنند و خلاف می کنند، مورد محبت من هستند!

برخورد محبت آمیز با افراد در جذب آنها بسیار مؤثر است. گاهی افرادی که از مسجد دورترند، به محبت بیشتری نیاز دارند.

۱۰. آسیب ها

از مسائلی که باعث می شود نمازهای جماعت خلوت شود، این موارد است:

ص: ۱۷۲

۱- . مؤمنون: ۹۶.

۲- . رعد: ۲۲.

۳- . بقره: ۲۲۲.

- گروهان گرفتن مردم با سخنرانی و برنامه های بین دو نماز؛

- طولانی کردن مراسم نماز؛

- استفاده از دعاهای طولانی؛

- سخنرانی های دائمی؛

- جمع آوری کمک مالی برای مسجد؛

- عدم نظافت مساجد؛

- منظم نیامدن امام جماعت؛

- پاسخ دادن به سؤالات فردی یا بیان مطالب غیر ضروری بین دو نماز.

سوم: مدرسه

مدرسه به عنوان مکانی که چندین سال مستمر دانش آموزان را به همراه دارد، نقش بسیار سرنوشت سازی در آینده دینی و معنوی فرزندان به عهده دارد؛ لذا لازم است مسئولین آموزش و پرورش در این خصوص توجه ویژه ای به دانش آموزان داشته باشند.

أ) توجیه فرهنگیان و مسئولان فرهنگی

برای دعوت به نماز و هر کار خیر دیگر، باید مسئولان فرهنگی، به خصوص مدیران رده بالا، میانی، برنامه سازان و کارگردانان، نویسندگان و تهیه کنندگان، هم آگاه و هم معتقد به آن کار بشوند و در تمام برنامه های خود و فیلم ها و سریال ها از شخصیت های محبوب و مؤمن فیلم ها برای نماز، آن هم نمازی طبیعی - نه تصنعی - در وقت حساس، به مسأله نماز بپردازند.

دعوت به کارهای خیر باید از دعوت به تبلیغات بازرگانی پررنگ تر باشد. برنامه های نماز باید در رأس و در ویژه برنامه ها،

ص: ۱۷۳

هنرمندانه، همراه با اسرار، زیبایی ها و احکام نماز مطرح شود.

مسئولان فرهنگی باید بدانند که دعوت به خیر، انسان را ردیف بهترین افراد قرار می دهد؛ چنانچه قرآن می فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ» (۱).

همچنین در قرآن می خوانیم: هر کس یکنفر را بکشد، گویا همه مردم را کشته و هر کس یک نفر را زنده کند، گویا همه مردم را زنده کرده (۲).

امام در ذیل این آیه فرمود: اگر یک نفر از انحراف و گمراهی به راه حق دعوت شود، این همان زنده کردنی است که پاداش زنده کردن همه مردم را دارد.

أ) مسئول نماز

یکی از راه‌های دعوت به نماز آن است که مسئول نماز از بهترین افراد و اشخاص فاضل، فارغ، دلسوز، عاشق، محبوب و باتجربه باشند که اگر این صفات در شخصی جمع شود، می تواند از علم و تجربه خود و مشورت با سایر افراد هر روز برای اقامه نماز، رشد و شکوفایی آن و برطرف کردن موانع گام تازه ای بردارد.

اگر مسئولان نماز باور کنند که نماز یک کارخانه آدم‌سازی است که تمام مسائل تربیتی را می توانیم در آن جستجو کنیم؛ و اگر باور کنیم که مسجد محل اجتماعی است که می توانیم تمام مسائل اجتماعی را در آن حل کنیم، با این نگاه، وضع دیگری خواهیم داشت.

اگر هنگام اذان مساجد ما پر شود و مردم یکدیگر را از نزدیک

ص: ۱۷۴

---

۱- . فصلت: ۳۳.

۲- . مائده: ۳۲.

بینند و مشکلات خود را شناسایی کنند، توانگران مسجد به فقیران مسجد کمک خواهند کرد و نیازی به سازمان های بهزیستی، کمیته امداد، بنیادها و خیریه ها نخواهد بود؛ اما اگر مساجد خلوت باشد، افراد ضعیف و فقیر شناخته نمی شوند و باید مؤسسات و خیریه هایی تشکیل شود تا به نحوی گوشه ای از فقر و ضعف آنها جبران گردد؛ بماند که در بعضی موارد، هزینه کارمندان آن مؤسسه از هزینه ای که خرج فقرزدایی می شود، بیشتر است!

حضرت علی(ع) در رکوع نماز، انگشتر خود را به فقیر داد و مشکل او را حل کرد. بدون وقت قبلی، اداره کل، معاونت، تلفن چی، منشی، بازرس، استخدام، اضافه کار، مأموریت، ماشین، راننده، حراست، اجاره تابلو و تبلیغات و سرایدار و روابط عمومی و بایگانی و...!

اگر ما به هریک از برنامه های اسلام برگردیم، به آسانی و عمق و جامعیت اسلام پی خواهیم برد.

(أ) نمره نماز

یکی از راه های دعوت به نماز آن است که بخشی از نمره افراد را در جامعه و ادارات و نمره نسل نو را در آموزش و پرورش و دانشگاه براساس توجه به نماز قرار دهیم؛ همان گونه که در روایات اعتبار افراد را با حضور در مسجد می دانند. یعنی به ما سفارش شده که اگر کسی اهل مسجد بود، گواهی او معتبر است و اگر کسی اهل مسجد نبود، به او دختر ندهید.

در روایت دیگر، ملاک پذیرش همه اعمال را قبولی نماز می داند و در مثال نماز مثل سوزن است و باقی کارهای خیر مثل نخ؛ اگر سوزن فرو

ص: ۱۷۵

رفت، نخ هم فرو می رود ولی اگر سوزن ایستاد نخ هم می ایستد: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ عَلَى الصَّلَاةِ فَإِذَا قُبِلَتْ قُبِلَ مِنْهُ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ» (۱).

یا اینکه پلیس راه از رانندگان فقط گواهینامه رانندگی می خواهد و اگر هر گواهینامه دیگری نشان بدهیم، او نمی پذیرد.

در حدیث می خوانیم: «ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا فَأُحْسِنْتُ عَلَيْهِ الثَّنَاءَ فَقَالَ لِي كَيْفَ صَلَّاتُهُ» (۲).

نزد امام صادق (ع) از کسی به خوبی یاد کردند، امام پرسید: نماز او چگونه است؟ یعنی امام (ع) محور خوبی ها را نماز می داند.

اگر ما برای کشاورز، کارمند، ورزشکار و محصل برتر یکی از محورها را برتری او در نماز بدانیم، مردم به سمت نماز دعوت می شوند.

اگر تمام کنفرانس ها، اجلاس ها و گردهمایی ها را یا با نماز شروع کنیم و یا با نماز پایان دهیم و در مهندسی شهرک ها اول محل مسجد را انتخاب کنیم و در ارزیابی کارمندان برای نماز پرسنل حسابی جداگانه باز کنیم، نماز رونق پیدا خواهد کرد.

در قرآن آیاتی به چشم می خورد که برای نماز حساب جداگانه ای باز کرده، از جمله قرآن کریم می فرماید: «قُلْ إِنَّ صِيَالَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۳).

همانا نماز من و عبادات من و مرگ و حیات من در راه رضای پروردگار عالمیان است. در این آیه با اینکه نماز جزء عبادات است، اما نام نماز پیش از کلمه «نُسُك» به طور خاص برده شده است.

در آیه دیگری می خوانیم: «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ

ص: ۱۷۶

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲- الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۴۸۷.

۳- انعام: ۱۶۲.

با اینکه نماز از مصداق های کار خیر است، اما نامش به طور ویژه برده شده است.

بنابراین سزاوار است همه ما برای نماز حساب، نمره، تشویق و عنایت ویژه داشته باشیم.

أ) استفاده از انجمن اولیاء و مربیان

یکی از راه های دعوت به نماز آن است که برای صدها استاد که مدرس والدین در قالب انجمن اولیا و مربیان هستند، دوره های ویژه علمی، کارگاهی و تجربی بگذاریم تا هم خود استادان آشنا شوند و هم در تدریس خود به والدین، نسل نو را آموزش دهند.

ب) اردوهای ویژه

یکی از راه های دعوت به نماز آن است که افرادی را که نسبت به نماز تارک یا کاهلند، شناسایی و در قالب اردوهای، آنان را یک یا دو روز از کارهای روزمره جدا کنیم و از افراد کارشناس قوی برای شرکت در اردو و کارکردن روی آن افراد کاهل دعوت نماییم. باید در این اردوها از اسرار و آموزش و سایر ابزار، بهره گیری شود. همین اردوها برای روحانیان، امامان جماعات و مسئولان نماز از نظر انتقال تجربه یا بیان ابتکارات، مشکلات و راه حل ها می تواند بسیار مفید باشد.

چهارم: حاکمیت

اکنون که به لطف خدا و عنایات اهل بیت (ع) و به برکت خون شهیدان و ایستادگی مردم دین مدار حکومت اسلامی در کشور برقرار شده، لازم است مسئولین و مدیران از این فرصت به وجود

ص: ۱۷۷

آمده نهایت استفاده را ببرند و در رأس برنامه ها موضوع اقامه نماز را قرار دهند؛ که اگر نماز به خوبی در جامعه اقامه شد، بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی حل خواهد شد.

أ) اولین وظیفه

قرآن اولین وظیفه حاکمیت را اقامه نماز ذکر می کند: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» (۱) یا در جای دیگر به حضرت موسی (ع) دستور می دهد، پس از استقرار بنی اسرائیل در مصر به اقامه نماز پردازد: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (۲)

وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) نیز اولین اقداماتشان درباره نماز بود. مثل اینکه:

- با رسیدن به قبا مسجدی بنا کردند؛

- با رسیدن به مدینه به اقامه نماز جمعه پرداختند؛

- بعد از نماز جمعه مدینه، تا مدتی مشغول ساخت مسجد شدند. (۳)

أ) تربیت کارشناس

یکی از راه های دعوت به نماز آن است که مسئولان فرهنگی و دلسوزان جامعه، تدبیری بیاندیشند و برای دعوت به نماز افرادی را که دارای انگیزه بالا هستند و در بیان، عمل، محبوبیت و تجربه استعدادهایی دارند، تربیت کنند تا آنها در هر منطقه ای مسئول و محور نماز باشند و هر چند ماهی یک بار در گردهمایی ها راه های طی شده را بررسی و تجربه ها را منتقل کنند. البته این کار به انواع حمایت ها نیاز دارد.

ص: ۱۷۸

---

۱- . حج: ۴۱.

۲- . یونس: ۸۷.

۳- . بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۲۲.



حضرت ابراهیم(ع) به عنوان مسئول هدایت مردم، هم در دعا از خداوند توفیق اقامه نماز را برای خود و نسلش می خواهد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»(۱)؛

هم در عمل، زن و فرزند خود را در بیابان بی آب و گیاه، کنار کعبه اسکان می دهد و به خدا می گوید: من این کار را برای اقامه نماز انجام دادم: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ».(۲)

همیشه و هر جا یک مسئول دلسوز، محبوب، آشنا و فعال داشته باشیم، توفیقات چشم گیر خواهیم داشت. تربیت مربی و کارشناس نماز تنها با مدرک و نمره و دروس رسمی نیست؛ بلکه باید از جوشش درونی، سوز، شور، اراده و همت بالایی نیز برخوردار باشد.

به طور کلی مردم در کارهای خود چهار دسته هستند:

۱. هم کار و هم شیوه انجامشان خوب است (که در نماز باید این گونه باشد)؛

۲. هم کار بد است و هم بد انجام داده می شود (مثل کشتن امام حسین(ع) آن هم با آن وضع فجیع)؛

۳. گاهی کار خوب است، ولی بد انجام می گیرد (مانند اقامه نماز همراه با اذان بد صدا، مسجد کثیف، قرائت بی جاذبه و عدم آگاهی به مسائل شرعی)؛

۴. کار بد است، ولی خوب انجام می گیرد (تجاوزهای آمریکا در قالب حقوق بشر)؛

یادم نمی رود که شخصی نزد من آمد و گفت من برای نماز فیلم

ص: ۱۷۹

---

۱- . ابراهیم: ۴۰.

۲- . ابراهیم: ۳۷.

بسیار پر جاذبه ای می‌سازم، ولی نیاز به حمایت دارم. گفتم: فیلم را بساز من شما را حمایت می‌کنم. گفت: من نگران عدم حمایت تو هستم. پرسیدم: چرا؟ گفت: چون من یهودی هستم!

اگر کسی در درون عقیده و انگیزه نداشته باشد، انجام کار، هرچه هم کارشناسانه باشد، اثر نخواهد داشت. مقاله‌ای در کنگره بین‌المللی پزشکی خوانده شد که در آن نوشته بود: «اگر کسی با اشتها غذا بخورد، در بیننده اشتها ایجاد می‌کند؛ ولی اگر بدون اشتها غذا بخورد، تماشا کننده در خود احساس اشتها نمی‌کند».

سوز و شور پیامبر اسلام(ص) به قدری زیاد بود که خداوند در قرآن بارها به وی هشدار می‌دهد: ما نمی‌خواهیم این چنین خود را به مشقت بیندازی، فشار را تحمل کنی و برای هدایت مردم حرص بخوری: «ما أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (۱).

با کمال تأسف در بسیاری از پدر و مادران نیز سوز و شور لازم وجود ندارد؛ آن چنان که شکل‌گیری دینی فرزند خود را کاملاً به مدرسه واگذار کرده‌اند. با کمال تأسف در فیلم‌های صدا و سیما گاهی چهره‌های نمازخوان از افراد منفی انتخاب می‌شوند و نماز را به صورت شعاری مطرح می‌کنند. این نمازها مانند میوه‌های پلاستیکی است که نه آب دارد و نه ویتامین! ولی اگر در فیلم‌ها از نمازهای واقعی بهره بگیریم، اثر خود را خواهد داشت.

شهید عزیز، عباس بابایی، آنگاه که در آمریکا دوره خلبانی خود را طی می‌کرد و مشغول سخت‌ترین امتحان خود بود، در محل امتحان یک‌تنه نماز خود را اقامه کرد.

قرآن نیز دو نمونه مثبت و منفی را برای ما به تصویر می‌کشد:

- در نمونه مثبت، از مردانی ستایش می‌کند که هنگام صدای

ص: ۱۸۰

اذان تجارت را رها کرده، به سمت نماز می روند: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ». (۱)

- در نمونه منفی از کسانی انتقاد می کند که در روز جمعه هنگام نماز جمعه که پیامبر مشغول خطبه ها بود، تا صدای طبل فروشندگان را می شنیدند، جز چند نفری، همه رسول خدا را رها کرده به سراغ خرید می رفتند: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا». (۲)

أ) در دسترس بودن امکانات

یکی دیگر از وظایف، در دسترس بودن امکانات برای اقامه نماز است و البته این مهم به همه واجبات مربوط می شود.

قرآن درباره افرادی که به جبهه نمی روند، گلایه می کند و می فرماید: «وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً»، (۳)

یعنی اگر اینها قصد شرکت در جبهه داشتند، باید خود را مجهز می کردند و در تمرین و تهیه اسلحه کوشا می بودند. حضرت علی علیه السلام برای خرید لباس احرام به بازار رفت و همین آیه جهاد را تلاوت کرد و اشاره فرمود: همان گونه که جهاد نیاز به تجهیزات دارد، حج هم این گونه است.

بنابراین از راه های دعوت به نماز، فراهم کردن امکانات، از جمله وجود مساجد و نمازخانه های زیبا و مجهز و تبلیغات سراسری از طریق اذان حلقومی به طور زنده (نه رادیو و ضبط) می باشد.

ص: ۱۸۱

۱- . نور: ۳۷.

۲- . جمعه: ۱۱.

۳- . توبه: ۴۶.

با کمال تأسف، اگر انسان در هر خیابانی تصمیم به خوردن چیزی بگیرد، انواع غذاها، ساندویچ ها، آب میوه ها، شکلات ها، بستنی ها، فالوده ها، آجیل ها، بیسکویت ها، با چند متر راه رفتن همه در اختیار انسان است؛ اما گاهی در بعضی مناطق باید چند کیلومتر رفت تا به مسجد رسید!

با کمال تأسف انواع سیگارها در دسترس است تا بتوانیم ریه خود را با دود تلخ از بین ببریم، ولی مسجد و نمازخانه که بتوانیم در آنجا روح خود را با خدا آشنا کنیم در دسترس نیست!

چرا باید هر چند قدم به یک بانک برسیم، ولی هر چند خیابان، یک مسجد پیدا نکنیم؟!

مگر خداوند متعال اولین بنای زمین را مکه، قبله گاه عالم قرار نداد؟! «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا» (۱)

مگر پیامبر همین که به مدینه هجرت کرد، پیش از ورود به شهر، در منطقه قبا توقف نکرد و مگر اولین کارش ساختن مسجد قبا نبود؟!

مگر اولین کار پیامبر در مدینه ساختن مسجد النبی نبود؟!

مراد ما از دسترسی به مساجد و امکانات، مساجد بزرگ، مجلل و پرهزینه نیست، بلکه مساجد ساده، محکم و کوچک، ولی در دسترس. امام خمینی<sup>ع</sup> فرمود: مسجد سنگر است؛ سنگر باید محکم و در دسترس باشد. ناگفته پیداست که در دسترس بودن امکانات، افزون بر مسجد، وجود فرش و امکان سرد و گرم کردن، امکان پارکینگ، و نیازهای اولیه نیز می باشد.

ص: ۱۸۲

مسأله بعد، حساسیت مسئولان است.

در برخی روایات می‌خوانیم وقتی از افرادی نزد امام(ع) ستایش می‌شد، امام(ع) می‌فرمود: «كَيْفَ صَلَاتُهُ؟» (۱).

یعنی نمازش چگونه است؟» و این نشان می‌دهد که اگر مسئولان غیر از توجهات عمومی، حساسیت خود را نسبت به نماز دیگران نشان دهند، اثر گذار است؛ یعنی اگر استاندار در سال دوبار از مدیران کل منطقه فقط درباره نماز و نه مسائل جاری روزمره سؤال کند و در بازدیدها برای بازدید از مسجد و نمازخانه وقت مخصوص بگذارد و در شناسایی و گزینش و نمره افراد، نسبت به نماز حساس باشد، سرعت گرایش افراد جامعه به سمت نماز بیشتر می‌شود.

خاطره

یکی از وزیران بهداشت و درمان را برای بازدید و افتتاح یک بیمارستان بزرگ و چند طبقه بردند. در این بازدید گروه مهندسان، مدیران، معاونان، مشاوران و هیئت امنا حضور داشتند. پس از بازدید، دفتر و لوحی را آوردند تا وزیر آن را به

عنوان تقدیرنامه امضا کند. وزیر که از همه قسمت های بیمارستان بازدید کرده بود، پرسید مسجد و نمازخانه بیمارستان کجاست؟

مسئولان که در طرح خود از مسجد و نمازخانه غافل شده بودند، گفتند: نمازخانه در آن طبقه دیگر است. وزیر گفت: باید بینم. بار دیگر به آن محل سر زد و پرسید: این یک اتاق معمولی است، مانند اتاق‌های دیگر. چه علامتی برای نماز و نمازخانه وجود دارد؟ مسئولان شرمنده شدند و گفتند: ما در ساختن بیمارستان

ص: ۱۸۳

توجهی به نماز بیماران نداشتیم. وزیر هم ناراحت شد و گفت: من هرگز از شما تقدیر نمی‌کنم و به حالت قهر از بیمارستان خارج شد. این حرکت تمام دست اندرکاران بیمارستان را به نماز حساس و دعوت کرد.

اگر تمام مسئولان مانند شهید رجایی بودند که شعارش این بود که به نماز نگوید کار دارم، بلکه به کار بگوید نماز دارم و اگر هر مسئولی هنگام بازدید از هر منطقه ای سری هم به نمازخانه آنجا بزند و در برنامه‌ها به نماز توجه داشته باشد، این کار او می‌تواند دعوتی برای نماز باشد.

حتی اگر مردم عادی ما حساسیت داشته باشند، می‌توانند بر مسئولان اثر بگذارند؛ همان گونه که در تاریخ کربلا می‌خوانیم یکی از یاران امام حسین (ع) به نام ابو ثمامه وقت اذان را به امام حسین (ع) اعلام کرد و امام هم در حقش دعا کرد.

خاطره

دفتر استاندار سیستان و بلوچستان از یک آرایشگری دعوت کرد تا سر و صورت استاندار را اصلاح کند. همین که مشغول اصلاح شد، صدای اذان بلند شد. آرایشگر شانه و قیچی را کنار گذاشت و کنار استاندار شروع به خواندن نماز کرد.

استاندار به شدت تحت تأثیر قرار گرفت که این آرایشگر با جان و دل معنای الله اکبر را درک کرده که خدا بزرگتر از استاندار، شغل و درآمد و هر چیز دیگر است.

حکایتی جالب

در فرانسه پرفسوری مسلمان می‌شود و می‌گوید: دلیل اسلام

ص: ۱۸۴

آوردن من نماز یک کشاورز در بیابان بود. او ماجرا را این گونه می گوید: در جاده می رفتم، کسی را در مزرعه اش دیدم که خم و راست می شود، فکر کردم شاید ورزش می کند. دیدم روی خاک افتاد، حساس شدم و ماشین را متوقف کردم و در کنارش ایستادم. با او حرف زدم، ولی او پاسخی نداد، باز ایستاد و کلماتی گفت، دوباره خم شد و به خاک افتاد. صبر کردم کارش تمام شود. پرسیدم: چه می کردی؟ کشاورز (که ظاهراً از مسلمانان الجزایری فرانسه بود) گفت: من مسلمانم و نماز می خوانم.

به این ترتیب پرفسور از او عقاید و اعمال اسلامی را سؤال کرد و آن را سوژه تحقیقات خود قرار داد و پس از مقایسه اسلام با عقاید خود، دین مبین اسلام را انتخاب کرد.

أ) توجه به راه های نرفته

می گویند: مدیر خوب کسی نیست که به پشت سر خود بنگرد و راه های رفته را ببیند و خیال کند به وظیفه اش عمل کرده است؛ بلکه مدیر خوب کسی است که به راه های نرفته بنگرد تا احساس مسئولیت بیشتری کند.

بسیارند کسانی که با اقامه نماز خود در خانه یا مسجد و سفارشات لحظه ای به خانواده، قانعند؛ بدون آنکه به فکر این باشند و از خود بپرسند:

آیا با همسایگان در این مورد گفتگویی داشته؟

آیا با بستگان خود نسبت به افراد ضعیف فامیل در امور دینی رابطه ای داشته؟

آیا نسبت به مردم شهر و روستا و منطقه خود توجهی داشته؟

آیا در راستای گسترش معروف در دنیا فکری کرده یا قدمی

اسلام و قرآن کریم برای انسان، توقف و رکود را جایز نمی داند. به نمونه های زیر توجه کنید:

الف) رکود طبیعت ممنوع:

اگر کسی منطقه ای را سنگ چینی و علامت گذاری کند و تا سه سال آن را رها بگذارد، سنگ چینی و علامت گذاری او بی ارزش است؛ لذا دیگران می توانند آن زمین را احیا و آباد کنند.

ب) رکود فکری ممنوع:

ما به مطالعه، تعقل، مشورت، عبرت گرفتن از تاریخ مأمور هستیم. در حدیث آمده است: اگر کسی استبداد رأی داشته باشد و حاضر نباشد از افکار دیگران بهره بگیرد، هلاک می شود.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا». (۱)

ج) رکود مال:

در قرآن کریم و روایات از مال اندوزی که رکود مال است، نهی شده است: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ». (۲)

د) رکود جسم:

در منابع دینی ما از بیکاری و فراغت، پر خوابی، تن پروری، کسالت و بی نشاطی، و شانه خالی کردن از زیر بار کار و مسئولیت به شدت نهی شده است.

بنابر احادیث ما، هر کس بار زندگی خود را به دوش مردم بیاندازد



و از کاری که باید انجام بدهد، شانه خالی کند، ملعون و از رحمت خدا دور است: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلِمَةً عَلَي النَّاسِ» (۱).

بنابراین در دعوت به هر کار خیری و از جمله نماز، نباید به کارهای لحظه ای، جزئی، فردی و سلیقه ای قانع باشیم و همیشه در فکر پیدا کردن راه ها و طرح های جدید، با ابزاری نو و تازه باشیم.

أ) تبلیغات وسیع

وجود نمادهای نماز از جمله خیابانی به نام نماز، میدان نماز، شعر نماز، اذان نماز، عکس و پوستر از نماز چهره های محبوب در مراکز اجتماع و هرگونه علامت و ساختمان و آثاری که نماز را به یاد بیاورد، می تواند گام مؤثری برای دعوت به سوی نماز باشد.

برای گروه های ویژه باید کار ویژه ای انجام داد.

در مراکزی که افراد خاصی هستند، مانند مراکز آموزشی شبانه روزی، پادگان ها، مدارس تیزهوشان، شهرک ها، و مانند آن باید افراد ویژه ای که از اطلاعات خاصی برخوردار هستند، به طور دائم حضور داشته باشند.

نیازهای ویژه آنان را بدانند، با آنان ارتباط عاطفی برقرار کنند، این افراد مسئول اقامه نماز آن مراکز باشند.

و اگر عالم و روحانی جامع شرایطی پیدا نشد، یک نفر را به طور گردش نوبت به نوبت در این مراکز به کار بگیرند تا از این نسل نو که آسیب پذیرترند، حفاظت مکتبی بشود.

ص: ۱۸۷

همان گونه که پلیس، گردش امنیتی خود را نسبت به مراکز حساس بیشتر می‌کند تا فرصتی برای برنامه ریزی نااهلان به وجود نیاید.

بسیار جای تأسف است که افراد منحرف به وسیله تماس با تلفن همراه تک‌تک افراد از نسل نوبی ما، سعی دارند افکار انحرافی خود را به آنان القاء کنند؛ ولی ما از مراکز پرجمعیت خود غافلیم.

همچنین متأسفانه در بعضی از میدان‌های ورزش، پایانه‌های مسافربری، پارک، سینما، تالارهای عروسی و مراکز تجاری محلی در شأن نماز و در دسترس قرار ندارد.

(ب) تأمین اعتبار

همان گونه که در میان ده‌ها هزار حدیث و آیه موضوع نماز بیشترین سهم را دارد، برای دعوت به نماز نیز باید بودجه‌ای بیش از بودجه موسیقی، گردشگری، تبلیغات حج، برنامه‌های عید نوروز، ورزش و مانند آن اختصاص داده شود.

نباید پس از ده‌ها سال تأسیس جمهوری اسلامی هزاران روستا حتی در ماه رمضان از داشتن روحانی محروم باشند.

نباید هزاران منطقه و شهرک و روستا بدون مسجد وجود داشته باشد.

نباید هزاران مسجد ساخته شده بدون روحانی باشد.

نباید در هزاران مسجد به ویژه صبح‌ها بسته باشد.

نباید توجه به تواشیح بیش از توجه به اذان باشد.

نباید برای امام جماعت‌های جوان دوره‌های مهارتی گذاشته نشده باشد.

نباید مسئولان فرهنگی دینی تنها در قالب یک اداره (مدیرکل،

قائم مقام، مدیر حوزه ریاست، روابط عمومی، بایگانی و....) فعالیت کنند.

نباید در این سازمان ها توجه به پژوهش ها بیش از اقامه نماز باشد.

نباید به کارهای رسمی قناعت کرد.

نباید منتظر دعوت مردم و تأمین اعتبار از مرکز شد.

قرآن می فرماید برای پیدا کردن یوسف تنها از یک در وارد نشوید «لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ» بلکه از درهای مختلف وارد شوید «وَ ادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ»؛<sup>(۱)</sup>

ما اگر بخواهیم یوسف های جامعه را به مسجد دعوت کنیم باید افزون بر اخلاص و دلسوزی از امکانات و تجربه های دیگران خالصانه و مجدانه بهره گیریم و به دنبال نام، نام، آرم و آمار نباشیم.

در این راستا باید از چهره های علمی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی به طور عمومی و خصوصی، رسمی و غیر رسمی یاری طلبید.

أ) جلوگیری از هزینه های نابه جا

گاهی به اسم دین، مذهب و شعائر مذهبی بودجه های کلان غیر ضروری در موارد غیر لازم هزینه می شود؛ برای مثال در مناطقی مسجدهای بسیار گران قیمت ساخته می شود، ولی همین که به مناطق محروم می رسیم، گفته می شود بودجه و بانی نیست؛ اما اگر در ساخت مسجد از این بودجه های گزاف جلوگیری شود، هزاران مسجد ساده در مناطقی که مسجد ندارند ساخته می شود.

آنچه سبب دعوت به نماز می شود اخلاص، اتحاد، صفا، محبت، تفقد، تعلیم و تربیت، اخلاق خوب، نماز گزاران است نه

ص: ۱۸۹

مناره های بلند، محراب های مجلل و مساجد اشرافی.

البته ممکن است بانیان آن مساجد اشرافی به نام شعائر دینی کار خود را درست بدانند، ولی فراموش نکنیم که قرآن کریم می فرماید: اسراف کاران کار خود را زیبا می پندارند. «كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۱).

ساخت مساجد کوچک ولی محکم، متعدد و در دسترس که بسیاری از آنها با یک بانی ساخته می شود و رنگ مردمی آن پر رنگ است، بسیار مفیدتر است از مساجد مجلل و پرهزینه که ساخت آن سال ها طول می کشد در حالی که یک بانی نمی تواند آن را تمام کند و در دسترس همگان قرار ندارد.

با کمال تأسف رشد مسجد با رشد جمعیت در شهر و روستا هماهنگی ندارد.

باید همان گونه که در آپارتمان ها برای هر واحد یک پارکینگ در نظر گرفته می شود، برای هر واحدی یکی دو متر هم برای مکان نماز و مسجد در نظر گرفته شود.

شاید بتوان گفت هشتاد درصد مساجد امروز ما در بافت های قدیمی قرار دارد و با کمال تأسف در مناطق جدید التاسیس به مسجد توجهی نشده است.

مسئولان می توانند در مجتمع ها یک واحد را بدون مالیات به مسجد اختصاص دهند.

أ) انحراف در معنای فرهنگ و تأمین اعتبار

امروز بودجه های فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی بودجه های فرهنگی شهرداری ها سازمان ها روابط عمومی ها کم نیست ولی

ص: ۱۹۰

مشکل زیاد است:

بعضی نماز را جزو فرهنگ نمی دانند بلکه نگاهشان به نماز یک عمل جزئی، فردی و شخصی است در حالیکه نماز سیمای دین و هویت دین و عمود دین و محور دین می باشد. اکنون که این سطرها را می نویسم نمی دانم مسئولینی که بودجه های فرهنگی را در اختیار دارند چند درصد آن را برای دعوت به نماز، کتاب نماز، آموزش نماز، فیلم نماز، مکان نماز، و امثال آن هزینه می کنند و آیا در بودجه ها سهم نماز داده می شود یا خیر؟

اسلام برای فرهنگ سازی نماز دستور می دهد که هر شبانه روز چند بار افراد خوش صدا بر بالای بام ها با حلقوم خود اذان بگویند.

اذان، که وسیله ای برای اعلام توحید و اعلان به مردم و فراخوانی آنان به تجمع برای نماز است، از شعارهای زیبا و مؤثر اسلام است.

اذان، یک دوره ایدئولوژی و تفکرات ناب اسلامی است.

اذان، هشدار به غافلان است، اذان، نشانه باز بودن جوّ مذهبی است و اذان، نشانه حیات معنوی است.

راستی در جلسات فرهنگ عمومی و بودجه های فرهنگی به این مسئله که هم در قرآن در قالب «نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ»<sup>(۱)</sup>

و «نُودِيَ لِلصَّلَاةِ»<sup>(۲)</sup>

و در ده ها حدیث به آن اشاره شده چقدر پرداخته شده است.

آیا به نظافت پارک ها بیشتر توجه می شود یا مساجد.

آیا به تامین زندگی خادمان فضای سبز بیشتر پرداخته می شود

ص: ۱۹۱

---

۱- . مائده: ۵۸.

۲- . جمعه: ۹.

آیا به بردن نور به مناطق تاریک بیشتر توجه می شود یا به بردن روحانی به مناطق محروم.

بهتر آن است که همه به تقصیر و قصور خود اعتراف و از خداوند عذرخواهی کنیم که اگر امروز عذرخواهی و جبران نکنیم، روزی را در پیش داریم که معذرت‌خواهی سودی ندارد و نخواهد داشت.

بی جهت نیست که در میان صدها و هزاران دعا فقط یک دعای واجب داریم و آن کلمه «اهدنا الصراط المستقیم»<sup>(۱)</sup> است.

راه مستقیم در جذب بودجه های فرهنگی و مصرف آن نیاز به اسلام شناسان دلسوز دارد.

سخن که به اینجا رسید بد نیست کمی از خود بازجویی کنیم:

همانگونه که یکی از بزرگان در وصیت نامه خود را وصی خود قرار داده بود و نوشته بود اگر بناست بعد از مرگم کسی کاری انجام دهد من خودم وصی خودم هستم. ما نیز از خود پرسیم:

۱- آیا به هنگام یاد خدا دل ما می لرزد؟ «إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ»<sup>(۲)</sup>

۲- آیا به هنگام شنیدن صدای اذان تجارت را تعطیل می کنیم؟ «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ»<sup>(۳)</sup>

۳- آیا در نماز ما خشوع هست؟! «فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»<sup>(۴)</sup>

۴- آیا اشکی در سجده داریم؟! «سُجَّدًا وَبُكْيًا»<sup>(۵)</sup>

ص: ۱۹۲

۱- حمد: ۶.

۲- انفال: ۲؛ حج: ۳۵.

۳- نور: ۳۷.

۴- مؤمنون: ۲.

۵- مریم: ۵۸.

۵- آیا بر نماز خود حفاظت می کنیم؟! «علی صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (۱)

۶- آیا خود را برای مناجات شبانه از رختخواب کنده ایم؟! «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ» (۲)

۱- آیا نسبت به نماز نسل خود سفارش لازم را داشته ایم؟! «وَأُمِرَ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (۳)

۲- آیا برای نماز اول وقت ارزشی قائلیم؟! «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ \* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (۴)

۳- آیا برای اقامه نماز از چیزی دل کنده ایم؟! «رَبَّنَا إِنِّي أَسِيءْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيَتَّقِمُوا الصَّلَاةَ» (۵)

۴- آیا در خرید و تهیه مسکن به مسئله نزدیک بودن ما به مسجد فکر کرده ایم؟

۵- و ...

کیست که بتواند جواب مثبتی به این سؤالات بدهد؟!

مسئولین فرهنگی باید بدانند که بخش مهمی از بودجه های خود را صرف نماز کنند، که به قول روایات پرچم ایمان است. «علم الإيمان الصلاة»، (۶)

نمازی که حضرت امیر علیه السلام به معاذ می فرماید: باید بیشترین هم تو اقامه نماز باشد.

ص: ۱۹۳

۱- . معارج: ۳۴.

۲- . سجده: ۱۶.

۳- . طه: ۱۳۲.

۴- . ماعون: ۴ و ۵.

۵- . ابراهیم: ۳۷.

۶- . جامع الأخبار، ص ۷۳.

«وَلْيَكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ» (۱).

و به محمد بن ابی بکر می فرماید: «وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ» (۲).

بدان که تمام اعمال و کارهای تو تابع نماز است.

مسئولان باید بدانند، اگر در بودجه‌های فرهنگی کشور نماز را محور قرار ندهند در حقیقت نماز را خفیف شمرده‌اند و امام صادق علیه السلام در آستانه شهادت فرمودند: شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمرد نمی‌رسد. (۳).

أ) ایجاد امنیت

از جمله چیزهایی که در دعوت به نماز مهم است ایجاد امنیت است. ممکن است رها کردن مغازه و بازار و رفتن به مسجد بستری برای بعضی سرقت‌ها قرار گیرد.

باید مسئولین امنیتی (پلیس، نیروی انتظامی و ...) و یا نیروهای مردمی هر روز به نوبت، مسئول حفاظت بازار باشند.

و برای هر چند مغازه، یک نفر مسئول امنیت باشد تا بازاریان بتوانند مغازه را رها، و به مسجد بروند.

و همچنین نسبت به پارک ماشین و موتور و وسایل دستی، نیاز به برنامه ریزی عملیاتی دارد.

و همچنین گاهی اطفالی که به همراه والدین هستند، مانع اقامه نماز می‌شوند. در این گونه موارد باید برای دعوت به نماز مکان‌هایی شبیه مهد کودک در کنار مساجد وجود داشته باشد تا افراد، کودک خود را به آنجا بسپارند و با آرامش نماز بخوانند،

ص: ۱۹۴

---

۱- تحف العقول، ص ۳۵.

۲- نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۳- الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰.



دغدغه های کفش و ماشین و وسایل دستی و کودک باید برطرف شود.

أ) صدا و سیما

- برنامه های صدا و سیما

از عوامل دعوت به نماز، برنامه های صدا و سیماست. در اسلام حدود پانزده درصد روایت هایی که مربوط به همه دین است، مخصوص نماز است. (۱)

و در میان هزاران حدیث و نکته و اسرار که در روایات وجود دارد بسیاری از آنها با هنر و تصویر قابل اجرا است.

در صدا و سیما باید جایی دائمی برای افراد فاضل و عاشق، فارغ، اسلام شناس، مردم شناس، هنرشناس، همراه با امکانات و بودجه ای در نظر گرفته شود.

آموزش نماز برای عموم و قشرهای ویژه از جمله نماز در هواپیما، نماز در بیمارستان، نماز در میدان جنگ و مانند آن قابل آموزش است.

هنرمندان دلسوز می توانند با مشاوره اسلام شناسان خوش سلیقه، بسیاری از اینها را همراه با اعتقاد شخصی خود به تصویر بکشانند.

می توان آموزش احکامی از جمله وضو، غسل، وضوی جبیره، تیمم، قبله شناسی، وقت شناسی، احکام جماعت، شیوه درست خواندن نماز و پاسخ به شبهات نسل نو را به تصویر بکشد.

صدا و سیما می تواند از نمازهای ویژه ای که شهیدان محراب، جبهه، اسیران در زندان ها و اردوگاه ها اقامه کرده اند، فیلم بسازد

ص: ۱۹۵

---

۱- . به نقل از آیت الله استادی.

و می تواند فرازهایی از وصیت نامه شهدا درباره نماز را در چند لحظه بخواند.

- تناسب نماز شبکه‌های تلویزیون با مخاطبان

بنا بر حدیث سیره پیامبر ﷺ این بود که بزرگان هر گروه و قومی را احترام می کرد؛ «يُكْرِمُ كَرِيمَ كُلِّ قَوْمٍ» (۱).

لازم است به تفکر و توقع مخاطبان توجه داشته باشیم.

اگر در میدان فوتبال نماز جماعت بزرگان ورزش فوتبال را نشان دهند، در دعوت مردم به نماز مفیدتر از آن است که نماز جماعت سالمندان را نشان دهند.

اگر از مدارس ابتدایی، دبیرستان ها و دانشگاه ها نماز جماعت هایی را در شبکه‌های سیما بیاورند اثر بسیاری مهمی در جذب این گونه مخاطبان در نماز دارد.

پخش نمازهای تکراری برای دعوت به نماز جاذبه لازم را ندارد.

- فرهنگ سازی

صدا و سیما می تواند برای امور زیر اقدامات مطلوبی را انجام دهد:

ای کاش زمان ها و مکان ها و بودجه هایی که صرف پیشگیری و جلوگیری از فحشاء و منکر می شود برای اقامه نماز هزینه گردد.

ای کاش برخی از برنامه ها، کتاب ها، بودجه ها، زمان ها و زمین هایی که برای تربیت انسان ها هزینه می شد، صرف نماز می گشت.

ای کاش در بودجه ها و برنامه هایی که برای مسائل فرهنگی هزینه می شد، نماز را در رأس کار فرهنگی خود قرار می دادند.

ص: ۱۹۶

ای کاش هنرمندان ما اسرار نماز را با هنر خویش ترسیم می کردند و اسرار نماز را با هنر خود به مردم می آموختند.

۱- گروه های مختلف مردم

قرآن کریم می گوید:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ؛<sup>(۱)</sup>

شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید.

قرآن علت بهترین امت بودن را مسأله امر به معروف و نهی از منکر ذکر می کند و بالاترین معروف ها نماز است.

در مسأله ترویج نماز نباید فقط به نهادها و ارگان ها یا افراد خاصی توجه کنیم و مردم فقط تماشاچی باشند بلکه یکی از وظایف همه آحاد جامعه اقامه نماز و ترویج فرهنگ نماز در سطوح مختلف است.

دعوت شریکی

گاهی دعوت به نماز و یا هر کار دیگر به شرطی مفید است که به صورت جمعی انجام شود. اگر نامه است، به صورت طومار و اگر تقاضایی است، به صورت تقاضای جمعی.

قرآن می فرماید: خداوند متعال به موسی و هارون می فرماید: « اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ »<sup>(۲)</sup>

یعنی ای موسی! تو با هارون با هم به سراغ فرعون بروید.

و در جایی دیگر می فرماید: « فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ »<sup>(۳)</sup> یعنی ما در آغاز دو

ص: ۱۹۷

---

۱- آل عمران: ۱۱۰.

۲- طه: ۴۳.

۳- یس: ۱۴.

نفر را برای دعوت فرستادیم سپس یک نفر دیگر را برای کمک به آن دو فرستادیم.

و در جایی دیگر: به پدری حدود صد ساله، مثل ابراهیم، و نوجوانی سیزده ساله مانند اسماعیل، می فرماید: با هم کعبه را تطهیر کنید «طَهِّرَا بَيْتِي». (۱)

در جایی دیگر می فرماید: «مَثْنِي وَفُرَادِي». (۲)

در جایی دیگر می فرماید: جمعیتی از مظلومین به سوی یکی از پیامبران پس از موسی رفتند و به طور دسته جمعی، تقاضای یک فرمانده نظامی کردند، تا به رهبری آن فرمانده منصوب پیامبر، با طاغوت زمان خود جهاد کنند؛ «إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (۳)

آری گاهی فرستادن فرد کارساز نیست بلکه باید یک هیأتی برای انجام یک مأموریت اعزام شوند.

این هیأت گاهی نشانه عظمت است.

آری! اگر در مدرسه ای مدیر، معلم و مربیان با هم، شاگردان را به نماز دعوت کنند، یعنی صدای دعوت به نماز از حلقوم دبیر ریاضی و دبیر ورزش و مربیان با هم برخاسته شود، و نیز اگر در جامعه آحاد مختلف جامعه با زبان ها و بیان های مختلف به دعوت و ترویج نماز پردازند اثر قابل توجهی خواهد داشت.

بسیج عمومی

از آنجا که اقامه نماز یک برنامه عمومی، دائمی و گسترده است، هیچ فرد و سازمانی نمی تواند به تنهایی در دعوت به نماز به

ص: ۱۹۸

۱- . بقره: ۱۲۵.

۲- . سبأ: ۴۶.

۳- . بقره: ۲۴۶.

توفیق کامل برسد بلکه باید همه نیروها را بسیج کرد و با مدیریت واحد، زیر نظر باسوادترین، دلسوزترین و محبوب‌ترین افراد کار را به صورت بسیجی حل کرد.

همان گونه که پاره کردن یک طناب مشکل است ولی اگر این طناب را رشته رشته کنیم و هر نخ‌ی را به دست یک توانمندی بدهیم، خواهیم توانست طناب را پاره کنیم.

مثلاً در دنیای ورزش، کسی که شرایط لازم را دارد مسؤول اقامه نماز در میدان‌های ورزش باشد، همان گونه که در روزهای تاسوعا و عاشورا رئیس هیأت‌ها مسؤول اقامه نماز عزاداران هستند.

برای نماز بازار باید اتاق بازرگانی و مسؤولان اصناف فکر و تدبیری بیاندیشند.

برای تربیت امام جماعت باید حوزه‌ها در کنار درس‌های رسمی، دوره‌های مهارتی را آموزش دهند.

بدیهی است که این کار تنها با بخش‌نامه و گزارش و آمار و نام و نان و عنوان محقق نمی‌شود، بلکه باید افرادی که از درون معتقد و از بیرون توانمند هستند و کلام نافذی دارند، دست به کار شوند.

تشکیل گروه‌های یاوران نماز

یکی از راه‌های دعوت به نماز تشکیل گروه‌های یاوران نماز است.

می‌شود در هر منطقه‌ای افراد فعال نماز، شناسایی شده و در گردهمایی‌هایی آموزش ببینند و به وسیله آنها دیگران را به نماز دعوت کنیم، همان گونه که در مراسم عاشورا در هر منطقه‌ای چند نفری قیام می‌کنند و با انواع روش‌هایی که دارند

عزاداری

ص: ۱۹۹

امام حسین علیه السلام را بر پا می دارند گاهی توسط چند نفر صدها و هزاران نفر را به شرکت در عزاداری

جذب می کنند؛ به ویژه اگر این یاوران افراد باسواد و محبوب و خوش بیان و با حوصله باشند.

گاهی استعمار و ابر قدرت‌ها در مناطقی که هدف گذاری می کنند. به وسیله افرادی که از پیش آنها را شناسایی کرده و آنان را از راه تطمیع، تحقیر یا وعده و وعید همراه خود ساخته‌اند، آن منطقه را تحت استعمار خود در می آورند.

برای این کار از دانشجویان و تحصیل کردگان در کشورشان، هیأت های اعزامی، سفارتخانه‌ها، وابستگان، وطن فروشان خودباخته، مهمانی‌ها، دعوت‌ها، نشان دادن چراغ سبز، فیلم‌ها و کتاب‌ها جامعه را به بردگی می کشانند و از تمام توان خود برای جذب دیگران بهره می گیرند تا آنجا که مسیحیت از آن سوی دنیا برای نابیناهای این طرف دنیا، نوارهای صوتی رایگان می فرستد تا این نابینایان از راه شنیدن تحت تاثیر آنها قرار بگیرند.

بنابر تاریخ ناصرالدین شاه را به اروپا و رضا خان را به ترکیه مهمان کردند و با نشان دادن صحنه هایی آنان را برای دین زدایی در کشور آماده نمودند.

اکنون که آنها در راه باطل، یارگیری می کنند چرا ما از یارگیری در راه حق غافل باشیم؟

در میان میلیون ها دانشجو می توان هزاران دانشجوی عاشق و پر انرژی را شناسایی کرد و آموزش داد تا میان نسل نو و در محله، فامیل و دانشگاه حامیان نماز باشند.

اکنون چند سالی است حدود هزار لیسانس مکتبی که در مناطق مرزی زندگی می کنند، شناسایی شده، در دوره‌هایی آموزش دیده

و هر یک از آنان خود برای نسل نو بدون هیچ کمک مالی معلمی دلسوز گشته‌اند.

این حرکت باید گسترش یابد و برای دعوت به نماز از این الگو بهره گرفته شود.

همان گونه که شرکت‌های بزرگ افرادی را برای بازاریابی و فروش اجناس خود و رسیدن به سود بیشتر به مناطق مختلف اعزام می‌کنند و حتی گروه‌های منحرف برای انحراف نسل نو، منطقه به منطقه و شهر به شهر و دیار به دیار و کوچه به کوچه و خانه به خانه فعالند.

راستی باید بگوییم: ما نه حق کار را انجام دادیم و نه دست کم حق آنچه را در توان داریم. این در حالی است که قرآن می‌فرماید: اگر کاری را انجام می‌دهید یا حقش را انجام دهید (حق جهاد، حق تلاوت، حق تقوا) و یا اگر حق کار را نمی‌توانید انجام دهید تا آنجا که می‌توانید کوتاهی نکنید.

خدا می‌داند که ما چه ظرفیت‌هایی را از دست داده ایم و چه زمینه‌هایی را به هدر داده‌ایم که در روز قیامت سبب حسرت ما خواهد شد.

آیا ما حق نماز، قرآن، شهدا، نیاکان، نسل آینده را انجام داده‌ایم. به هر حال باید آنجا که دستمان نمی‌رسد به وسیله جذب یاوران نماز، تعلیم، توجیه و آماده کردن آنان به مسأله نماز رسیدگی کنیم همان گونه که قرآن در حفظ و تقسیم زکات نام افرادی را به نام عاملان می‌برد سهمی از زکات را به آنان اختصاص می‌دهد تا یاوران زکات باشند و در تبلیغات و حفظ زکات و پخش آن تلاش کنند، اگر زکات که مربوط به قشر خاصی از مردم است به عامل نیاز دارد، اقامه نماز نیز نیاز به عاملین

و یاوران نماز دارد.

امروز پلیس در جاده‌ها برای کاهش تصادفات دلخراش حتی از کودکان به عنوان همیار پلیس استفاده می‌کند تا در ماشین به پدر و مادری که پشت فرمان نشسته تذکر پلیسی دهد.

امروز برای جلوگیری از فلج اطفال از نیروهای بسیج و دانشجویان استفاده می‌کنند.

امروز برای سرشماری در جامعه از انسان‌ها، جنسیت، تحصیلات، سرمایه، امکانات و ... از نیروهای آزاد و مردمی و دانشجویی و ... کمک می‌گیرند.

امروز در دنیا برای حوادث پیش بینی نشده صلیب سرخ و هلال احمر و ... از نیروهای مردمی نوع دوست استفاده می‌کنند.

امروز جمع زیادی از طلاب و دانشجویان در قالب اردوهای جهادی به نقاط مختلف و دور می‌روند و انواع خدمات را به طور رایگان ارائه می‌دهند.

بنابراین استفاده از نیروهای عاشق، مردمی و رایگان برای نجات مردم و کمک‌رسانی به آنان در قالب‌های متنوع استفاده می‌شود. پس با داشتن این همه الگو و ظرفیت، چرا ما درباره نجات و کمک معنوی (نماز) از این نیروهای مخلص و مردمی تا کنون غفلت کرده‌ایم.

به راستی باید از این همه غفلت، نزد خداوند متعال، عذرخواهی کنیم و برای جبران این غفلت‌ها از خداوند توفیق بخواهیم و دل‌سوزان مؤمن را فرا بخوانیم تا شاید به نماز و مسجد رونقی ببخشیم.

ص: ۲۰۲





در دعوت به نماز باید موانع را برطرف کنیم و گرنه این موانع دعوت‌ها را خنثی می‌کند.

آسیب‌ها و موانع دعوت

## ۱. اقدام نابه هنگام

در اسلام می‌خوانیم کودک را از کودکی گام به گام با وضو و قبله و نماز و سجاده و... آشنا کنید. تا هنگام بلوغ، نماز برای او روان باشد. اما ما گاهی فرزند خود را رها می‌کنیم و می‌گوییم هنوز به تکلیف نرسیده نتیجه این رهایی آن است که به هنگام بلوغ نماز برای او سنگین است.

آری اگر کسی قبل از وقت وضو بگیرد هنگام نماز، نماز برای او روان است اما اگر هنگام اذان نیاز به تطهیر و وضو و تغییر لباس و شرایط دیگر داشت نماز برای او سخت است.

راستی حاضرید همان گونه که قبلاً گفتیم کودک شما به سیگار گرفتار شود و با خود بگویید اول تکلیف در یک لحظه سیگار را ترک خواهد کرد. دختری که تا ۹ سالگی بی‌حجاب زندگی کرده در لحظه تکلیف حجاب برای او سنگین است.

تعجب است ما برای دبستان مرحله پیش دبستانی می‌گذاریم و در مهدهای کودک فرزندانمان را با آموزش‌های ساده و روان آشنا می‌کنیم تا به رفتن به مدرسه عادت کند ولی حاضر نیستیم برای نماز، فرزندان را قبل از تکلیف با نماز آشنا کنیم.

## ۲. رفتار والدین و نمازگزاران

رفتار والدین در خانه و افراد نمازگزار در جامعه و اخلاق اهل مسجد در مسجد و مشکل گرانی و تبعیض و خشونت با مردم به

خصوص

ص: ۲۰۴

مسئولین می توانند موانع دعوت باشند.

جالب آن است که قرآن نماز را:

همراه با خوش خلقی بیان کرده،<sup>(۱)</sup>

همراه با کسب و کار و تلاش قرار داده و فرموده بعد از نماز جمعه سریع به سراغ تجارت و کار بروید.<sup>(۲)</sup>

نماز را همراه با رحم و محبت قرار داده،<sup>(۳)</sup>

همراه وفای به عهد قرار داده،<sup>(۴)</sup>

همراه مشورت قرار داده،<sup>(۵)</sup>

همراه با صبر و مقاومت قرار داده،<sup>(۶)</sup>

همراه با انفاق قرار داده.<sup>(۷)</sup>

کوتاه سخن آن که اگر نماز را با نگاهی جامع و همراه با سایر دستورات ببینیم این نماز جاذبه خواهد داشت.

۳. رها شدن دعوت (دعوت های مقطعی)

اگر دعوت ها لحظه ای باشد و استمرار نداشته باشد اثر خوبی نخواهد داشت قرآن در کنار سفارش به حق، سفارش به استمرار و پایداری نیز دارد یعنی در کنار « تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ مِی فرماید وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ».<sup>(۸)</sup>

در قرآن آن جا که به والدین سفارش می کند که خاندان خود را به

ص: ۲۰۵

۱- . بقره: ۸۳.

۲- . جمعه: ۹.

۳- . فتح: ۲۹.

۴- . مریم: ۵۴.

۵- . شوری: ۳۸.

۶- . بقره: ۱۷۷.

۷- . بقره: ۳.

۸- . عصر: ۳.

نماز امر کنید سفارش به پایداری نیز می کند و می فرماید سفارش مستمر را رها نکید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (۱).

قرآن درباره لقمان حکیم می فرماید: «و هو يعظه» (۲).

یعنی موعظه لقمان به فرزندش استمرار داشت. (کلمه يعظ فعل مضارع است و نشانه استمرار است).

ضمناً باید بدانیم موعظه در قرآن و روایات نشانه دلسوزی، حیات، تعهد به دین است تا آن جا که گاهی معصومین ما به دیگران می گفتند ما را موعظه کنید و این که گفته شود زمان موعظه گذشته حرف صحیحی نیست. موعظه اگر از افراد وارسته همراه با عاطفه و محبت و شیوه صحیح باشد حتماً اثر

خودش را فوری یا در دراز مدت خواهد گذشت ولی اگر همراه با خشونت، تکبر و تحقیر مخاطب باشد یا بی اثر و یا اثر منفی خواهد داشت.

۴. شیطان

یکی از موانع نماز شیطان است که قرآن می فرماید:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُصَدِّكُمْ عَنِ الذِّكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ» (۳).

در حدیثی از پیامبر اکرم می خوانیم. تا مادامی که انسان بر نمازهای پنج گانه حفاظت داشته باشد شیطان از انسان وحشت دارد ولی همین که نمازها را ضایع کرد شیطان بر او مسلط و او را وارد بر گناهان کبیره می کند. (۴).

این حدیث می تواند تفسیر این آیه باشد که خداوند می فرماید:

ص: ۲۰۶

۱- طه: ۱۳۲.

۲- لقمان: ۱۳.

۳- مائده: ۹۱.

۴- بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲.

۵. برنامه های صدا و سیما

برنامه های صدا و سیما نباید به گونه ای باشد که دعوت به نماز را خنثی کند.

قرآن کریم می فرماید: دلیل سنگینی نماز برای بعضی آن است که خشوع ندارند. (۲)

خشوع زمانی پیدا می شود که توجه به قدرت خدا، نیاز و توجه به او، پناهندگی، توکل و تشکر از او در انسان زنده باشد.

هر یک از این عنوان ها می تواند دست مایه ای برای کارهای هنری باشد.

در صدا و سیما می توان زشتی های غرور، تکبر، خودبرتر بینی، غفلت، کفران نعمت و ... دست مایه فیلم ها و آثار هنری قرار گیرد.

لازم است صدا و سیما در کنار برنامه های خوبی که برای اقامه نماز تا کنون صورت داده در خصوص ترویج فرهنگ نماز و اقامه آن قدم های شایسته تری را بردارد.

ص: ۲۰۷

---

۱- .مریم: ۵۹.

۲- .بقره: ۴۵.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

